

- سرمقاله / ۲
- آموزش
- اندیشه • پاسخ به شبهات (قسمت دوم) / یاسین شکرانی / ۸ • درس توحید از زبان شیطان! / آیت الله شیخ مجتبی تهرانی / ۵۴
- برنامه درسی • آزمون سراسری در ترازوی نقد / دکتر محمدمهدی اعتصامی / ۱۴
- ویژه نامه ضمن خدمت (آموزش و توسعه فرهنگ نماز) • رازهای نماز / دکتر محمدمهدی اعتصامی / ۲۲ • احکام نماز / حجت الاسلام محمود متوسل آرائی / ۲۹ • نماز و آرامش روانی خانواده / دکتر محسن ایمانی / ۳۲ • نقش نماز در روابط اجتماعی / احمد محفوظی / ۳۷ • لحظه ای که سراب در دریا غرق می شود / دکتر فریال آمار / ۴۱ • خورشید سرچشمه روزهاست / سیدجواد بهشتی / ۴۶
- گزارش • آموزش حکمت بنیان / آزاده شاکری / ۵۲ • همراه با معلمان دینی در مشهد مقدس / مریم جزایری / ۵۸
- معلم موفق / گفت و گو با سهیلا صلاحی اصفهانی / ۴
- کتاب شناسی / یاسین شکرانی / ۶۰
- خبر و نظر / معرفی وبگاه مؤسسات فرهنگی و دینی / شهربانو شکیباف / ۶۲
- مسابقه / ۶۳
- مجلات رشد / ۶۳
- گلچین / ۵۷

www.roshdmag.ir

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی ■ دوره بیست و چهارم ■ شماره ۲ ■ زمستان ۱۳۹۰ ■ ۵۵۰۰ ریال



 وزارت آموزش و پرورش
 سازمان پژوهش و برنامه ریزی
 دفتر انتشارات فرهنگ آموزش

آموزش و معارف کلا

• تلفن: ۹ - ۸۸۸۲۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۳۷۴)
 • نمابر: ۸۸۳۰ ۱۴۷۸
 • وبگاه: www.roshdmag.ir
 • پیام نگار: maarefslami@roshdmag.ir
 • تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰ ۱۴۸۲
 • کد مدیر مسئول: ۱۰۲
 • کد دفتر مجله: ۱۱۳
 • کد مشترکین: ۱۱۴
 • تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۲۱
 • شمارگان: ۱۱۰۰۰ نسخه
 • چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

• مدیر مسئول: محمد ناصری
 • سردبیر: دکتر محمد مهدی اعتصامی
 • مدیر داخلی: حسن جعفریان
 • هیئت تحریریه:
 حجة الاسلام دکتر حسین سوزنجی،
 دکتر فضل الله خالقیان،
 ناصر نادری، مریم جزایری، فاطمه سلگی
 • ویراستار: دکتر حسین داوودی
 • طراح گرافیک: نریا میلانی
 • عکاس: اعظم لاریجانی
 • نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۳۶۶،
 صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۲۵۸۵

• قابل توجه نویسندگان و مترجمان •

مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. - مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان چه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. - مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار ورد و بر روی لوح فشرده (cd) یا فلاپی و یا از طریق رایانامه ی مجله ارسال شوند. - نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. - محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. - مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. - کلمات حاوی مفاهیم نماییه (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه های جداگانه نوشته شوند. - مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. - معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. - مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. - مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. - آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

آموزش خانواده

و چالش‌های پیش‌رو

غالب و مسلط بر دنیا به کمک ابزار رسانه‌ای دیگر فرهنگ‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و آسیب‌های موجود در آن فرهنگ، از جمله سست شدن بنیان خانواده نیز به سرزمین‌های دیگر منتقل شود. وجود این چالش بزرگ پیش روی خانواده‌های مسلمان و نظام آموزشی در کشورهای اسلامی، ما را ناگزیر می‌سازد که بسیار جدی‌تر و اساسی‌تر به تربیت خانوادگی اقدام کنیم و در آموزش‌های خود به نحوی عمل نماییم که آسیب‌های موجود در جوامع غربی را به حداقل برسانیم. توجه به نیازها در آموزش دینی تنها به این سبب نیست که به سؤال‌های شایع میان دانش‌آموزان پاسخ دهیم، بلکه باید به نیازهایی توجه داشته باشیم که ناخودآگاه دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و شیوه زندگی آنان را به تدریج عوض می‌کنند.

برخی از آسیب‌های پیش روی جوانان ما برای تشکیل خانواده، که در درس‌های دین و زندگی (۳) به آن‌ها توجه گردیده و بدون طرح مستقیم به آن‌ها پاسخ داده شده است، عبارت‌اند از:

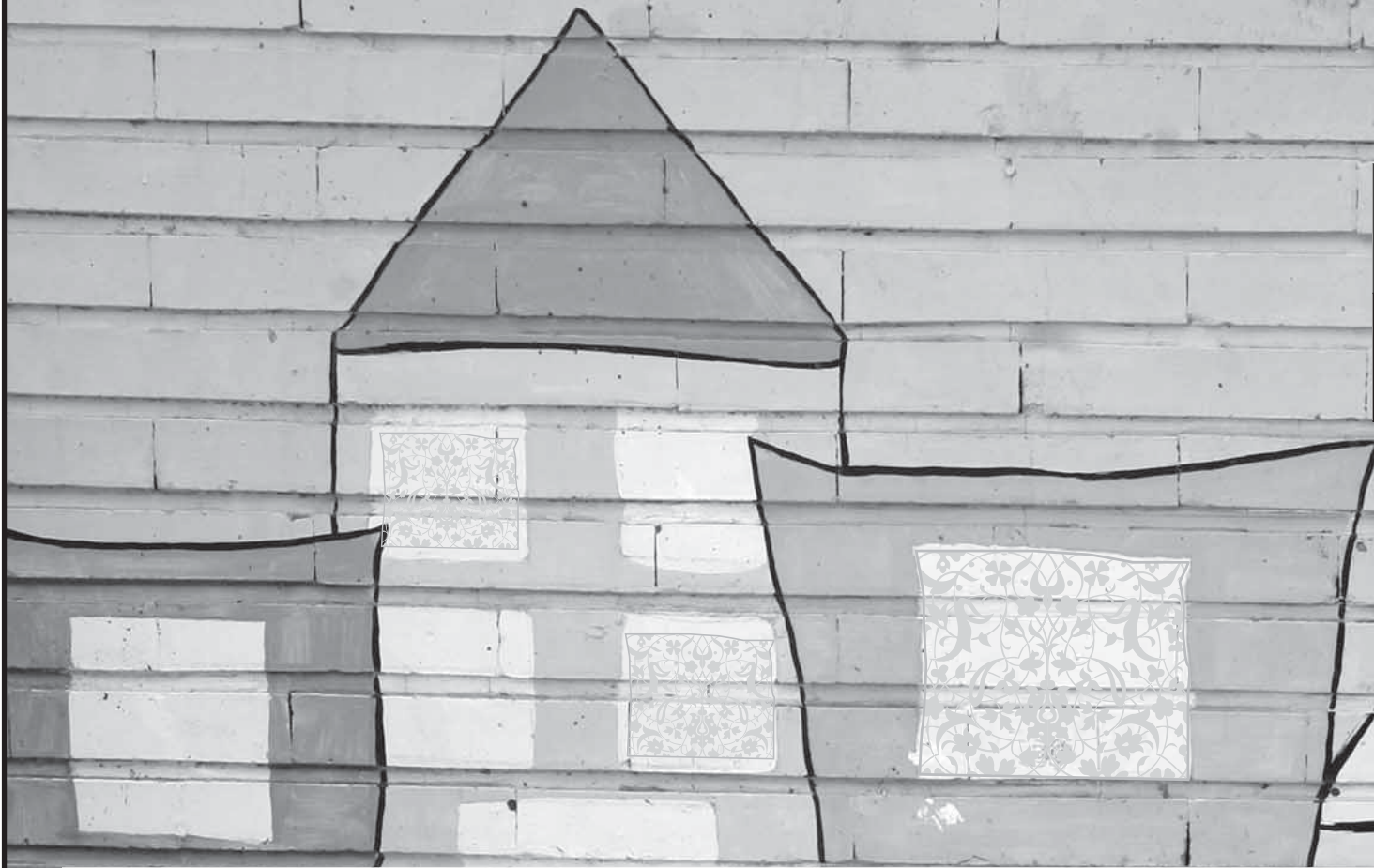
یکی از رویکردهای مهم کتاب‌های دین و زندگی، سوق دادن دانش‌آموزان به سمت برنامه‌ریزی است. از آن‌جا که برنامه‌ریزی به‌منظور رسیدن به هدف انجام می‌گیرد، در هر برنامه‌ای سه عنصر اصلی وجود دارد: مبدأ، مقصد، و راه یا چگونگی حرکت از مبدأ به مقصد. اگر زندگی دارای هدف و مقصدی نباشد، به‌طور طبیعی آن زندگی فاقد برنامه خواهد بود. در سال اول متوسطه دانش‌آموزان با ابعاد برنامه‌ریزی آشنا می‌شوند و درمی‌یابند که باید در پنج حوزه ارتباط با «خدا»، «خود»، «خانواده»، «جامعه» و «خلقت» برنامه‌ریزی کنند.

یکی از این پنج حوزه ارتباطی، حوزه خانواده است که از دو جهت اهمیت دارد: یکی از آن جهت که هر دانش‌آموزی هم‌اکنون عضوی از یک خانواده است و باید بتواند نقش درست و مؤثر خود را به عنوان یک عضو به خوبی ایفا کند. برای آشنایی با این نقش و مسئولیت، در کتاب‌های دینی و فارسی و اجتماعی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی مطالبی آمده است. دیگری از آن جهت که هر دانش‌آموزی در آینده‌ای نه‌چندان دور خانواده تشکیل می‌دهد و همراه با همسرش مسئولیت یک خانواده را برعهده می‌گیرد.

تربیت دانش‌آموزان برای ورود به موقع و موفق به زندگی خانوادگی و ازدواج، از مسئولیت‌های مهم پدران و مادران و هم‌چنین نظام تربیتی در هر جامعه است. این مسئولیت در شرایط طبیعی و عادی اجتماعی، اهمیت والایی دارد، تا چه رسد به دوره و زمانی که یکی از بحران‌های اصلی آن بحران خانواده‌هاست.

از همین‌رو مرحله سوم کتاب دین و زندگی (۳) به آموزش خانواده و آمادگی برای ازدواج اختصاص یافته و در محتوای آن مهم‌ترین چالش‌های مربوط به خانواده گنجانده شده و مستقیم یا غیرمستقیم درباره آن‌ها گفت‌وگو شده است. قرار گرفتن این آموزش در سال سوم متوسطه به آن جهت است که سال پایانی این دوره محسوب می‌شود و گروهی از این دانش‌آموزان با گرفتن دیپلم، دانش‌آموخته (فارغ‌التحصیل) می‌گردند و به دوره پیش‌دانشگاهی نمی‌روند و دیگر فرصتی ندارند که برای تشکیل خانواده آموزش‌های ضروری را ببینند.

پدیده جهانی شدن و گسترش رسانه‌های عمومی و انتقال فرهنگ‌ها و شیوه‌های زندگی از کشورها و قاره‌ها به یکدیگر سبب گردیده که شیوه زندگی و فرهنگ غربی به صورت فرهنگ



۱. مشابه‌سازی مسئولیت‌های زن و مرد در خانه، مانند مسئولیت هزینة زندگی؛
 ۲. تقلیل هدف ازدواج به رفع نیاز جنسی؛
 ۳. ارتباط جنسی پیش از ازدواج و دوستی‌های بی‌حد و مرز میان دختر و پسر؛
 ۴. واگذاری تربیت فرزندان به نهادهای اجتماعی و مهدکودک‌ها به علت کاهش حضور مادر در خانه؛
 ۵. افزایش تعداد خانواده‌هایی بدون حضور پدر یا مادر به علت طلاق و یا جدایی عاطفی زن و شوهر؛
 ۶. فاصله افتادن میان سال‌های بلوغ و ازدواج به علت نبودن انگیزه لازم برای تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت‌های خانوادگی و نیز به علت رفع نیاز جنسی در چارچوب‌های غیرازدواج.
- کتاب درسی و تدریس ما معلمان در کلاس درس باید به‌گونه‌ای باشد که نگرش اسلامی به ازدواج و خانواده را در دانش‌آموزان مستحکم کند و ضعف فرهنگ غربی در ایجاد

خانواده‌های با ثبات را به آنان بفهماند و آسیب‌ها را به حداقل برساند. البته توجه داریم که تربیت در دنیای امروز بسیار سخت‌تر از دنیای قدیم است. برخی که می‌گویند چرا مشکلات امروز ما بیش از گذشته است، به این نکته توجه ندارند که شرایط تربیت به کلی عوض شده است و روز به روز نیز تغییر خواهد کرد و سخت‌تر خواهد شد. زیرا مثلاً حدود سی سال پیش برای موفقیت در تربیت فرزند نیاز به این بود که بتوانیم او را در ارتباط با همسالان وی در کوچه و محله و مدرسه تحت نظارت و کنترل قرار دهیم. اما امروزه باید او را از آسیب‌هایی که از ناحیه فرهنگ جهانی که هزاران پیچیدگی دارد نیز حفظ نماییم و این کاری بسیار شاق و مشکل است. به همین جهت نیازمند برنامه‌ریزی بسیار دقیق و صرف وقت زیاد و پی‌گیری مستمر و دائمی است. از این‌رو لازم است برای تدریس این مرحله از کتاب سوم دین و زندگی (۳)، توانایی علمی و مهارتی خود را افزایش دهیم تا بتوانیم در آموزش این دروس موفق‌تر عمل نماییم.

اشاره

«فرصت اندیشیدن را در اختیار دانش آموزان قرار می‌دهم، خطاهایشان را یادآور می‌شوم و به دل‌هایشان تلنگر می‌زنم که خدا هست!»

اینها حرف‌های سهیلا صلاحی اصفهانی، دبیر دین و زندگی است که عنوان معلم برگزیده استانی را در سابقه تدریس خود دارد. * معلمی که در کنار تدریس، تألیفات متعددی نیز برای معلمان و دانش‌آموزان داشته و در جشنواره‌ها و همایش‌های مختلف حائز رتبه برتر شده است.

صلاحی، کارشناسی الهیات و زبان و ادبیات فارسی دارد و دوره کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی را نیز در دانشگاه اصفهان به پایان رسانده و ۲۶ سال درس‌های دین و زندگی دبیرستان را تدریس کرده است. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی مجله رشد معارف اسلامی با وی برای انتقال تجربیات و استفاده از تجربه‌های این معلم موفق است.

■ اگر بخواهید توصیفی اجمالی از روش مواجهه خودتان با بچه‌ها در کلاس ارائه دهید، چگونه خواهد بود؟
□ تلاش می‌کنم جو حاکم در کلاس هم منظم و قانون‌مند باشد و هم صمیمانه و راحت.

به تفکر و پسند بچه‌ها احترام می‌گذارم. از تکرار ملال‌آور مطالب پرهیز می‌کنم. اطلاعات نو و فرصت اندیشیدن را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهم. خطاهایشان را یادآور می‌شوم و به دل‌هایشان تلنگر می‌زنم که خدا هست!

■ آیا روش خاص و متفاوتی در تدریس و اداره کلاس دارید؟

□ به گمان من، آنچه که کلاس مرا کمی متفاوت می‌کند، گستردگی و تنوع فعالیت معلم و دانش‌آموز است. من از همه شیوه‌ها و رسانه‌هایی که شاید خیلی هم مرسوم

در کلاس دینی نباشد، برای آموزش استفاده می‌کنم و انواع خوراک‌های فکری را در ظرفیت‌های اجرایی مختلف برای بچه‌ها فراهم می‌کنم. از آیات و احادیث و اشعار و داستان‌ها و اخبار گرفته تا طنز و معما و جدول و سرگرمی. از سخنرانی تا بازیگری. از سؤال و جواب تا پژوهش و واحد کار. از هم‌یاری تا میزگردها و... از سی‌دی و نوار کاست تا روزنامه و بروشور و عکس و گچ و تخته.

خلاصه، به تناسب هوش‌های چندگانه برای آن‌ها برنامه دارم.

■ شاخص‌های شما برای ارزیابی خروجی و برون‌داد کلاس درستان چیست؟

□ گاهی ارزیابی‌ها «کمی» است و منحصر به پاسخ‌های شفاهی و کتبی دانش‌آموزان به آموزه‌های معلم است که البته این ظاهر قضیه است.

مهم‌تر از آن «تغییر» است. تغییر در باورها، رفتارها و دل‌بستگی‌ها که امری «کیفی» است نه «کمی».

اگر دانش‌آموز از کلاس درس من بیرون آمد و علاقه‌اش برای اقامه نماز یا پرهیز از دروغ‌گویی افزایش یافته بود، درس من را خوب یاد گرفته است. اگر باورش شد حساب و کتابی در کار است، معاد را فهمیده و اگر برای زندگی‌اش برنامه‌ریزی کرد، یعنی حرف‌های من مؤثر بوده است.

■ در برابر واکنش‌های منفی دانش‌آموزان چه عکس‌العمل‌هایی و چگونه نشان می‌دهید؟

□ برخورد با دانش‌آموزان نسخه واحدی ندارد. بستگی به شرایط مدرسه، کلاس، بچه‌ها، حالت روحی خودم و نوع و شدت شیطنت و رفتار دانش‌آموزان دارد.

گاهی تذکر می‌دهم، گاهی سکوت می‌کنم، گاهی یک نگاه تند، گاهی تشبیه (البته به شیوه خودم، نه کتک، جریمه، اخراج و خواستن ولی دانش‌آموز که قطعاً این شیوه‌ها جواب مناسب را نمی‌دهد).

گفت‌وگو با سهیلا صلاحی اصفهانی، دبیر موفق دین و زندگی

فرصت اندیشیدن را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهم

گفت‌وگو: آزاده شاکری



ناگفته نماند اغلب تساهل و تسامح مؤثرترین شیوه است. مدارا کردن با بچه‌ها اگر نقطه ضعف معلم تلقی نشود، بهترین کار است.

■ **گفتید که شیوه مخصوصی برای تنبیه دانش‌آموزان دارید. لطفاً بیشتر توضیح دهید.**

□ خوب، این شیوه‌ها را مؤثرتر می‌دانم. از قبیل: حفظ شعر یا یک عبارت، تکرار جمله، ساخت ابزار کمک آموزشی، پر کردن نوار درسی و...

■ **آیا برای دانش‌آموزان مطالعات هدفمندی که با درس مرتبط باشد، ترتیب می‌دهید؟**

□ بله، در قالب فعالیت‌های فوق برنامه برای آن‌ها زمینه مطالعه را فراهم می‌آورم. مثلاً به آن‌ها پیشنهاد می‌کنم در خصوص موضوع درس، آیات و احادیث و اشعاری را بیابند و در کلاس بخوانند یا به شکل مقالات «تک برگی» تحقیقی را انجام دهند. گاهی فعالیتی را با نام «اطلاعات من» اجرا می‌کنیم. این فعالیت شامل سه بخش است: «آنچه می‌دانستم»، «آنچه از کتاب آموختم»، «آنچه دوست داشتم بدانم». دانش‌آموزان اطلاعات اولیه خود و مباحثی را که از کتاب یاد گرفته‌اند، ابتدا می‌نویسند و سپس سؤالی را خودشان مطرح می‌کنند و پاسخ آن را که در کتابی جز کتاب درسی‌شان یافته‌اند به آن اضافه می‌کنند. آن‌گاه نوشته‌هایشان را می‌آورند و به آنها نمره‌ای نیز تعلق می‌گیرد.

■ **خودتان چه قدر مطالعه می‌کنید؟ برخی از مهم‌ترین منابع مورد استفاده‌تان را برای تدریس در سال‌های اخیر معرفی کنید.**

□ به‌طور میانگین بین دو تا سه ساعت در روز کتاب، مجله، روزنامه، حتی بروشورهای آموزشی و کانالوگ‌های تبلیغاتی را برای «یده‌یابی» می‌خوانم.

منابعی که برای تدریس از آنان در سال‌های اخیر استفاده کرده‌ام، شامل تفاسیر (به‌ویژه تفسیر نمونه و تفسیرهای ادبی، عرفانی) بوده است و نیز ماهنامه‌های موعود (مقالات مربوط به عناوین درس‌ها)، ویژه‌نامه‌های مختلف (با توجه به موضوعات روز)، سایت تبیان، رشد و دیگر سایت‌های مذهبی.

به علاوه چون علاقه‌مند به ادبیات هستم، کتب نظم و نثر کهن و معاصر را به‌طور مرتب می‌خوانم و به تناسب از داستان‌ها و اشعار آنها در کلاس استفاده می‌کنم.

■ روش‌های تدریس تان پویا و قابل انعطاف هستند؟
□ آن‌قدر قابل انعطاف که به خوبی می‌توانم چند روش را با هم تلفیق کنم. ابتدای درس را با یک شیوه شروع کنم، میانه را از راه دیگر بروم و پایانش با تکنیکی دیگر سپری شود. حتی اتفاق افتاده است که یک روش را شروع کردم و با مهارت کامل آن را به روش دیگر تبدیل نموده‌ام و از خود این روند، شیوه جدیدی ساختم.

■ بسیاری از معلمان دینی، از همان روش‌هایی استفاده می‌کنند که شما در تدریس مورد استفاده قرار می‌دهید، چه ویژگی‌هایی کار شما را به‌عنوان دبیر دینی موفق از دیگر همکاران متمایز می‌کند؟

□ به کار گرفتن روش تدریس باید به تناسب درسی باشد که تدریس می‌شود. بعضی از درس‌ها با بعضی روش‌ها جواب می‌دهد و با بعضی دیگر جواب نمی‌دهد. هر روشی را می‌توان در هر کلاسی پیاده کرد. بعضی از روش‌ها در بعضی پایه‌ها جواب می‌دهد و در برخی پایه‌ها نه.

برای من پیش آمده است که یک درس واحد را در دو کلاس درس بدهم و در یکی موفق باشم و در دیگری نتیجه چندانی نگیرم.

گاهی اوقات نیز یک روش تدریسی را شروع کرده‌ام و اواسط کار، متوجه شده‌ام نتیجه مطلوبی را که می‌خواستم، نتوانستم بگیرم. به نظر من مهم این نیست که از چه روشی استفاده کنیم، مهم این است که درست و به جا از روش‌ها استفاده کنیم.

من کتاب‌های روش تدریس را مطالعه کرده‌ام و حتی جزوه‌هایی را برای روش تدریس دینی تألیف کرده‌ام اما آن‌چه مشخص می‌کند از چه روشی برای تدریس باید استفاده کرد، نیاز دانش‌آموز و شرایط کلاس است.

■ به نظر شما حجم و محتوای کتاب‌های درسی دین و زندگی با توانایی‌های دانش‌آموزان متناسب است؟

□ بارها و بارها گفته شده است، حجم کتاب با ساعت آموزشی تناسب ندارد و محتوای کتاب هم اشکالاتی دارد.

اما به نظر من، علاوه بر این‌ها، چیزی که باید طرح شود، زبان کتاب و نیازهای بچه‌هاست، نه فقط حجم و توانایی‌های دانش‌آموزان.

به کتاب از چند منظر می‌توان نگاه کرد: حجم آن، محتوای آن، زبان آن و تناسب آن با نیازها که از نظر دو عامل آخر، کتاب دین و زندگی قابل تأمل و بازنگری است.

■ در مواردی که سطح مطالب با سطح علمی دانش‌آموزان تناسبی ندارد، معلم چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

□ کتاب‌های درسی ما «خودخوان» نیستند. قطعاً معلم مکمل کتاب است و با دانش و اطلاعات خود و مهم‌تر از آن شناختی که از دانش‌آموزان دارد می‌تواند ناهماهنگی‌ها را برطرف و جاهای خالی را به شکل صحیح پر کند.

مدارا کردن با بچه‌ها اگر نقطه ضعف معلم تلقی نشود، بهترین کار است



گاهی فعالیتی را با نام «اطلاعات من» اجرا می‌کنیم. این فعالیت شامل سه بخش است: «آنچه می‌دانستیم»، «آنچه از کتاب آموختیم»، «آنچه دوست داشتیم بدانیم»





مشکل آن جایی پیش می‌آید که معلم فقط به اندازه کتاب بداند. نه مقدمات را بداند که بتواند بچه‌های ضعیف را بالا بکشد و نه اصولی را بلد باشد که پاسخ‌گوی دانش‌آموزان قوی بشود. آن وقت خسارتی پیش می‌آید که جبران آن آسان نیست.

■ چرا نمرات درس دینی دانش‌آموزان پایین است؟

□ به نظر من «نمره» برآیند سه امر اساسی است: اول توانایی معلم در یاددهی، دوم تلاش دانش‌آموز در یادگیری و سوم، تناسب کتاب با نیازهای مخاطبان.

در هر کدام از این عوامل، اگر خللی وارد شود به طور طبیعی با پدیده کاهش نمره مواجه خواهیم شد. به علاوه در درس دینی ما با موضوع دیگری هم مواجه هستیم و آن این است که هر جا که بچه‌ها در باورهای دینی و اجتماعی خود دچار تردید و شک شوند، انعکاس آن در بی‌رغبتی نسبت به درس دین و زندگی نمودار می‌شود و روشن است که نتیجه آن هم پایین آمدن نمره است.

■ شما در مدارس ایرانی خارج از کشور نیز تدریس کرده‌اید، نوع تدریس در این مدارس چه تفاوتی‌هایی با مدارس داخل ایران دارد؟

□ در مدارس ایرانی خارج از کشور، شرایط به شکلی است که دبیران مجبورند به غیر از رشته تخصصی‌شان، درس دیگری را هم تدریس کنند که تناسبی با رشته تخصصی‌شان ندارد؛ به همین دلیل هر قدر معلم، دانش گسترده‌تری داشته باشد، هنر معلمی را بهتر بداند و شیوه‌های مختلفی را برای تدریس تجربه کرده باشد، بهتر از عهده کار برمی‌آید. در آن مدارس معمولاً تعداد دانش‌آموزان کم است و دختران و پسران در کنار هم در کلاس حضور دارند. بنابراین، بیان، زبان و کلام معلم و حتی مثال‌هایی که استفاده می‌کند باید به گونه‌ای باشد که پاسخ‌گوی نیاز هر دو جنس باشد.

البته بچه‌ها تفاوت‌چندانی با بچه‌های داخل کشور ندارند، چون اغلب بچه‌هایی که آنجا هستند مدت کوتاهی، مثلاً یکی، دو سال بیشتر در آنجا نیستند و کم هستند بچه‌هایی که مدت طولانی در این مدارس تحصیل کنند.

■ ظاهراً از شما تألیفاتی با قلم ساده و روان برای معلمان و دانش‌آموزان به چاپ رسیده است. لطفاً نام ببرید.

□ تألیفات و آثاری در زمینه‌های مختلف دارم، از جمله:

- به سرعت مهربانی در دلم خانه کرد (مجموعه راهکارهای

آن چه مشخص می‌کند از چه روشی برای تدریس باید استفاده کرد، نیاز دانش‌آموز و شرایط کلاس است

معلمی)

- لذت‌های تحصیلی (رهنموده‌هایی به دانش‌آموزان برای مطالعه)

- تا پروانه شدن (تذکرات اخلاقی - رفتاری به دانش‌آموزان) - مجموعه کتاب‌های کوچک پنجره با عناوین: خودشناسی، عدالت، خانواده، پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین، سیدالشهدا و... - مجموعه کتاب کوچک «چشمه جاری» (بازنویسی احادیث غررالحکم)

- مجموعه کتاب کوچک «یک آسمان تازه» (بازنویسی احادیث قدسی)

- بازنویسی خطبه غدیر
- راز هدیه خدا در نامه‌های دخترانه (حجاب و عفاف)
- دلی به وسعت دریا (قصه‌های چند سطر از دفاع مقدس)

- کتاب کوچک «نیم رخ اخلاق همسایگی»
- سی‌وشش حرف من (شبه شعرها)
- مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده دین و زندگی سال سوم دبیرستان

■ و سخن پایانی!

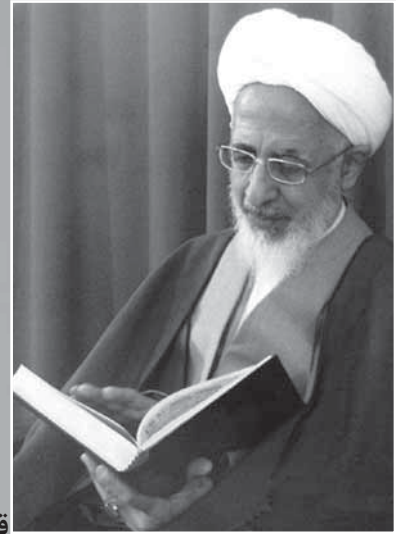
□ معلمان دینی را دریابید! محتوای کاربردی و عملی مجله را بالا ببرید و سطح علمی آن را متناسب با مخاطب تهیه کنید.

موفقیت‌های سهیلا اصلاحی در یک نگاه:

- احراز عنوان معلم نمونه استانی در سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳؛
- معلم برتر منطقه در سال ۸۰ - ۷۹ و نیز ۸۶ - ۸۵؛
- شرکت در پژوهش‌های ستاد اعتلا و کسب رتبه در آنها؛
- شرکت در جشنواره‌های برتر تدریس و کسب رتبه اول در منطقه و رتبه دوم و سوم استانی؛
- شرکت در مسابقات تفسیر قرآن در سال‌های مختلف و کسب رتبه در آنها؛
- شرکت در مسابقه داستان‌گویی قرآن کریم و کسب رتبه دوم؛
- شرکت در همایش‌های مختلف و ارائه مقاله در آنها مانند همایش بین‌المللی سیمای پیامبر اعظم (ص) و برنامه‌های درسی، کنفرانس آموزش دینی و قرآن، جشنواره سراسری شیوه‌های نوین تدریس معارف دینی، شیوه‌های نوین در آموزش سیره پیامبر اعظم (ص) و...؛
- شرکت در جشنواره ساخت کلیپ ویدئویی و تقدیر از اثر ارسال؛
- شرکت در سومین و چهارمین جشنواره عکس رشد؛
- پژوهش و داوری پرسش مهر؛
- طراحی سؤالات امتحانی برتر؛
- تعامل و همکاری با گروه دینی منطقه چهارده و مدرس دوره‌های ضمن خدمت منطقه؛

اشاره

در شماره گذشته، برخی شبهات و پرسش‌های رایج در حوزه ولایت فقیه و نیز پاسخ‌های حکیمانه آیت‌ا. جواد آملی به آن‌ها، مطرح شد. در این شماره نیز در ادامه مباحث قبل به برخی دیگر از سؤالات و پرسش‌های مرتبط با این بحث خواهیم پرداخت و پاسخ‌های ایشان به این پرسش‌ها را که از کتاب «ولایت فقیه» استخراج شده است، بیان خواهیم کرد.



قسمت دوم

□ «ولایت مطلقه» به چه معناست؟

● پاسخ: «ولایت» یعنی والی بودن، مدیر بودن و مجری بودن؛ و اگر گفته می‌شود که فقیه، ولایت دارد؛ یعنی از سوی شارع مقدس، تبیین قوانین الهی و اجرای احکام دین و مدیریت جامعه اسلامی در عصر غیبت بر عهده فقیه جامع‌الشرایط نهاده شده است و این ولایت، همان‌گونه که مکرراً گفته شد، با ولایت بر محجورین که در کتاب حجر (از کتاب‌های رایج فقه) آمده است، تفاوت اساسی دارد. لذا در ولایت فقیه، کسی نباید توهّم محجوریت مردم را در ذهن داشته باشد؛ مدیریت، در هیچ جای دنیا مستلزم محجوریت مردم نیست و در مدیریت فقیه نیز چنین است.

مطلق بودن ولایت؛ یعنی این که فقیه، اولاً ملتزم است

پاسخ به شبهات

پاسخ‌های حکیم متألّه آیت‌الله جواد آملی به شبهات مطرح شده درباره ولایت فقیه

تنظیم: یاسین شکرانی

دانشجوی دکتری فلسفه و کلام

همه احکام اسلام را تبیین نماید؛ ثانیاً همه آنها را اجرا کند زیرا هیچ حکمی از احکام الهی در عصر غیبت، قابل تعطیل شدن نیست. ثالثاً برای تزام احکام، چاره‌ای بیندیشد؛ یعنی در هنگام اجرای احکام، اگر دو حکم خداوند با یکدیگر تزام داشته باشند - به گونه‌ای که انجام یکی، سبب ترک دیگری می‌شود و این دو حکم را در یک زمان نمی‌توان با هم اجرا کرد - فقیه جامع‌الشرایط و رهبر جامعه اسلامی، حکم «اهم» را اجرا می‌کند و برای امکان اجرای آن حکم اهم، حکم «مهم» را به صورت موقت، تعطیل می‌کند!

برخی «ولایت مطلقه» را «آزادی مطلق فقیه» و خودمحوری او در قانون در عمل توهم کرده‌اند و لذا آن را نوعی دیکتاتوری دانسته‌اند که با بیان فوق، بطلان این تصور روشن می‌شود و به خواست خدا در آینده نیز توضیح بیشتری داده خواهد شد.^۲

□ آیا رهبر می‌تواند نسبت به برخی از احکام دین بی‌توجه باشد و به سبب مصالحی، آن‌ها را نادیده بگیرد؟

● پاسخ: بی‌توجهی و نادیده گرفتن احکام دین، برای هیچ مقامی روا نیست؛ زیرا همان‌گونه که در گذشته گفته شد، ولایت فقیه، در حیطه شریعت و قانون الهی است نه فراتر از آن؛ و فقیه، فقط مبین و مجری قانون است و نمی‌تواند در قانون الهی، تصرف کند و آن را حذف نموده یا تغییر دهد؛ ولی این نکته نیز گذشت که، براساس قاعدۀ عقلی «تقدیم اهم بر مهم»، در صورت تزام احکام اسلامی، فقیه، به دستور عقل و نقل، موظف است که حکم مهم‌تر را در جامعه اجرا کند و در این حال، چاره‌ای جز تعطیل و عدم اجرای موقت حکم «مهم» در قبال «مهم‌تر» نیست؛ اما پس از رفع تزام، این حکم مهم نیز به اجرا در خواهد آمد.



مطلق بودن ولایت یعنی این که فقیه، اولاً ملتزم است همه احکام اسلام را تبیین نماید؛ ثانیاً همه آنها را اجرا کند، زیرا هیچ حکمی از احکام الهی در عصر غیبت، قابل تعطیل شدن نیست. ثالثاً برای تزام احکام، چاره‌ای بیندیشد

□ آیا بر فقیهان واجب است که از ولی فقیه تبعیت کنند؟ آیا حق مخالفت و نقض حکم والی را دارند؟

● پاسخ: فقیه جامع‌الشرایط، سه کار رسمی دارد؛ یک کارش «افتاء» است که پس از دادن فتوا، عمل به آن فتوا، بر خودش و بر مقلدانش واجب است، ولی نسبت به فقیهان دیگر، اعتباری ندارد؛ زیرا مجتهد، حق ندارد از مجتهد دیگر تقلید کند. کار دیگر فقیه جامع‌الشرایط، «قضاء» است که بر کرسی قضا می‌نشیند و بین متخاصمین که هر دو طرف، شخصیت حقیقی‌اند یا شخصیت حقوقی؛ و یا آنکه یک طرف، حقیقی است و طرف دیگر، حقوقی، براساس ایمان و بیّنات، حکم الهی را صادر می‌نماید که نقض این حکم، بر خود او و بر متخاصمین و بر هر کس دیگر، حتی فقیهان حرام است و عمل به آن نیز واجب است، حتی بر مجتهدان و فقیهان و مراجع تقلید.

وظیفه سوم فقیه جامع‌الشرایط، «ولایت» امت اسلامی و صدور احکام ولایی است. اگر والی اسلامی، حکم ولایی کند و این که مثلاً رابطه ایران اسلامی با اسرائیل باید قطع شود، یا رابطه با آمریکا که دشمن اسلام و رأس استکبار جهانی و حامی اسرائیل است، باید قطع شود، یا رابطه با فلان کشورها باید برقرار شود، و یا در کشور چنین اموری باید رعایت گردد، عمل به این احکام بر مردم و بر خود والی و بر فقیهان و مجتهدان دیگر واجب است و هیچ کس، حتی خود والی، حق نقض این حکم را ندارد؛ زیرا همان‌گونه که در گذشته گذشت، حاکم اسلامی، فقط مجری احکام است و او نیز مانند همگان، مشمول قانون الهی و تابع محض آن می‌باشد و دیگر فقیهان نیز، چنین می‌باشند و باید از این حکم الهی که توسط والی انشاء شده است، پیروی و تبعیت کنند؛ مگر آنکه در فرض نادر، یقین وجدانی به اشتباه بودن حکم فقیه حاصل شود؛ البته شک داشتن در درستی حکم فقیه یا گمان داشتن به اشتباه بودنش، نمی‌تواند مجوز عدم پیروی باشد، بلکه فقط یقین وجدانی چنین است نه غیر آن.

این مطلب، شامل فقیهانی که به ولایت فقیه معتقد نیستند و مقلدان آنان نیز می‌شود؛ زیرا فقیهانی که در ولایت فقیه اختلاف نظر دارند و مثلاً «مقبوله عمر بن حنظله» و «مشهوره ابی خدیجه» را برای ولایت فقیه کافی نمی‌دانند، از نظر حسبه، می‌پذیرند که اگر مردم یک کشور، حاضر شده‌اند که حکومت را



و این، نشان می‌دهد که ایشان، این امور را از شوون امامت می‌دانسته‌اند.

در توسعه نظر کلینی (رحمه‌الله) چنین می‌توان گفت که قرآن کریم، درباره زکات می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»^۶. صدقه در این آیه، صدقه واجب است و شامل زکات نیز می‌شود و آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ»^۷، نشان می‌دهد که درباره زکات، سخن گفته می‌شود؛ چه این که محتمل است خمس را نیز شامل شود؛ زیرا حضرت عبدالعظیم (سلام‌الله‌علیه)، وقتی که به خدمت امام هادی (سلام‌الله‌علیه) رسید و عقائد خود را به آن حضرت عرضه کرد، پس از اصول دین، فروع را مطرح می‌کند و در طی ارائه فروع، از نماز و روزه حج و زکات نام می‌برد، ولی از خمس سخنی به میان نمی‌آورد.^۸ این، نه به معنای آن است که خمس، واجب نیست، بلکه به سبب آن است که خمس، زیرمجموعه زکات به معنای اعم می‌باشد و لذا برخی از فقهای پیشین، بحث خمس را در کتاب زکات مطرح می‌کردند و آن را به عنوان فصلی از فصول کتاب زکات می‌دانستند.

به هر تقدیر، طبع اولی مسأله این است که اموال عمومی بیت‌المال، به دست حاکم اسلامی باشد؛ البته اگر فقیهی این مطلب را صحیح نداند- یعنی صرف تنظیم کتاب کافی را در استنباط رأی کلینی (رحمه‌الله) کافی نداند، اولاً و بر فرض ظهور، آن رأی را صائب نداند، ثانیاً- مقلدان او وجوهات شرعی خود را برابر فتوای مرجع تقلید خویش می‌پردازند و برخوردی نیز پیش نمی‌آورد.

تبصره: ممکن است فقیه جامع شرایط رهبری، به منظور استقلال کیان حوزه‌های علمی و بی‌نیازی فقاقت امامیه از وابستگی به دولت و مانند آن، پرداخت وجوهات شرعی را به فقهای مسؤول اداره حوزه، صحیح بداند یا اصلاً فتوای او همین باشد؛ نظیر آنچه امام راحل (رحمه‌الله) عمل می‌کرد؛ که در این حال، پرداخت وجوه به مراجع دیگر کافی است.

□ امام معصوم، از عصمت بر خوردار است، اما فقیه، معصوم نیست؛ پس چگونه ممکن است فقیه غیر معصوم، همه اختیارات امام معصوم را داشته باشد؟

● پاسخ: در فصل پنجم کتاب، به صراحت توضیح داده شد^۹ که اگر گفته می‌شود فقیه همه اختیارات پیامبر و امام را دارد، مقصود «اختیارات حکومتی و مدیریتی» است و بنابراین، هر اختیاری که آن بزرگان، به سبب عصمت خود داشته باشند- به گونه‌ای که عصمت، شرط آن مناصب باشد- ولی فقیه، آن اختیار را نخواهد داشت. از این رو، عصمت نداشتن فقیه، سبب سلب اختیارات معصومانه از او می‌شود؛ علاوه بر آنکه در ولایت



براساس اسلام اداره کنند، این، یک امر زمین مانده‌ای است که بر همگان خصوصاً بر فقیهان، واجب کفایی است که تصدی آن را بر عهده بگیرند و اگر یک فقیه واجد شرایط رهبری، تصدی آن را بر عهده گرفته و امت اسلامی نیز او را قبول دارند، در این حال، مخالفت با احکام این حاکم و تضعیف او، جایز نیست و کسی نمی‌تواند بگوید من چون ولایت فقیه را قبول ندارم، می‌توانم از هر قانون کشور اسلامی سرپیچی کنم و قوانین و مقررات آن را رعایت نکنم.

البته روشن است که افراد، در احوال شخصی خود آزادند و در امور اجتماعی نظیر تشکیل هیات و مراکز خیری و عبادی که مستلزم دخالت در شوون رسمی کشور نیست، تا آنجا که به هرج و مرج و اختلال نظم نکشد و آسیبی به نظام اسلامی نرساند، کسی ملزم به اطاعت از امر دیگری نیست.

□ در مسائل اجتماعی، آیا نظر رهبر و قانون نظام اسلامی را باید عمل کرد یا نظر مرجع تقلید را؟ آیا وجوهاتی مانند خمس و زکات را به مرجع تقلید باید داد یا به رهبر و حاکم اسلامی؟

● پاسخ: در مسائل اجتماعی، آنجایی که به سیاست کلی نظام اسلامی برمی‌گردد، باید از ولی فقیه و قانون رسمی مملکت اطاعت کرد؛ ولی برخی از مسائل اجتماعی که در عین اجتماعی بودن، کاری به نظام ندارد، نظیر تعطیلی‌هایی که برابر سنت مردم است؛ مثلاً مردم یک روزی را برای ولادت پیامبر و امام یا شهادت امام معصوم تعطیل می‌کنند، مغازه‌هایشان را می‌بندند و در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، در این موارد که مخل به نظام و سیاست‌های آن نیست، مانعی ندارد و اجازه از دولت نمی‌خواهد، زیرا مزاحمت نظام حرام است نه بیش از آن.

بنابراین: ۱- اگر کاری فردی باشد، نیازی به اذن و اجازه گرفتن از حکومت نیست. ۲- اگر کاری اجتماعی باشد، ولی مزاحمت با نظام اسلامی ندارد، باز هم در اختیار خود افراد است و اذن نمی‌خواهد. ۳- اگر از امور اجتماعی است و به سیاست نظام مربوط می‌شود و ترکش مخل به نظام است، باید از رهبر و قانون اسلامی کشور اطاعت کرد و قانون، بر اراده اشخاص در این امور مقدم است.

در مورد سهم امام (علیه‌السلام)، ممکن است کسی راه مرحوم کلینی (رض) و امثال ایشان را برود و بگوید خمس، مانند انفال است و در اختیار ولی مسلمین می‌باشد. اگرچه مرحوم کلینی (رض) به صراحت این فتوا را نداده‌اند، ولی نظم کتابشان نشان می‌دهد که چنین معتقد بوده‌اند؛ زیرا ایشان، نماز و روزه و زکات و حج را در فروع کافی آورده‌اند، ولی خمس و انفال را در اصول کافی یا در بخش «کتاب الحجة» آورده‌اند

اگر گفته می‌شود فقیه همه اختیارات پیامبر و امام را دارد، مقصود «اختیارات حکومتی و مدیریتی» است. بنابراین، هر اختیاری که آن بزرگان، به سبب عصمت خود داشته باشند- به گونه‌ای که عصمت، شرط آن مناصب باشد- ولی فقیه، آن اختیار را نخواهد داشت



و حکومت معصوم (علیه‌السلام)، گرچه حق استیضاح و استفهام برای احاد امت محفوظ بوده است، ولی پس از بیان مطلب و روشن شدن حکم شرعی از نظر معصوم (علیه‌السلام)، احدی حق اعتراض نسبت به او را ندارد (اگر چه برخی از وقایع تاریخی، نشانگر انتقاد نسبت به عملکرد معصوم (علیه‌السلام) است)؛ زیرا ذات اقدس اله می‌داند که حکم کلیدی امامت بالاصالة را به چه شخصی از انسان‌ها بدهد که دارای عصمت در علم و عمل باشد؛ ولی در حکومت و ولایت غیر معصوم، هم مجلس خبرگان برای نظارت بر فقیه و عملکرد او وجود دارد و هم مردم گاهی مستقیم و گاهی به وسیله خبرگان منتخب خود، حق سؤال دارند و باید مراقب امور رهبری باشند و به‌طور کامل بر آن نظارت داشته باشند.

□ اختیارات فقیه حاکم را چه کسی تعیین می‌کند؟ خود او یا قانون اساسی؟

● پاسخ: حدود اختیارات فقیه را فقه اسلامی تعیین می‌کند نه خود فقیه. آنچه که در فقه و حقوق اسلامی آمده است، توسط کارشناسان فقهی و حقوقی استخراج و استنباط شده و به صورت قانون اساسی فعلی درآمد که با قانون اساسی قبلی، تفاوت دارد؛ مانند لزوم مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در تعیین سیاست‌های کلی نظام و مانند اداره مستقیم و مستقل صدا و سیما، که چنین تزیینی یا توسعه‌ای، محصول تجربه عملی و احاطه علمی و تلفیق آراء و تضارب افکار مخالف و مؤالف بوده است؛ چون تجربه عملی از یک سو و احاطه علمی از سوی دیگر، کمک شایانی کرده است.

□ در قانون اساسی، ولایت فقیه، به صورت مطلق آمده است یا محدود؟

● پاسخ: «مطلق» است؛ زیرا اولاً قوای سه‌گانه کشور یعنی مقننه و مجریه و قضائیه، در نهایت، به رهبری نظام منتهی می‌شوند؛ رئیس قوه قضائیه، از سوی رهبر منصوب می‌شود؛ تنفیذ ریاست جمهوری، برعهده رهبر است؛ و فقهای شورای نگهبان که منصوب رهبرند، گذشته از آنکه بر مصوبات قوه مقننه نظارت دارند، مایه رسمیت این قوه‌اند؛ زیرا بدون شورای نگهبان، اصلاً مجلس شورای اسلامی رسمیت نمی‌یابد.

ثانیاً؛ در قانون اساسی امامت امام و ولایت امر، به صورت مطلق و بدون قید آمده است. در اصل پنجم قانون اساسی چنین آمده است: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت، برعهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم، عهده‌دار آن می‌گردد».



ولایت مطلقه، به معنای آن است که فقیه جامع الشرایط، در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)، صلاحیت اجرای همه حدود الهی را دارد و ولایت او، محدود به اجرای برخی از احکام اسلامی نیست



در ذیل اصل یکصد و هفتاد و هفتم نیز عبارت «ولایت امر و امامت امت»، به صورت مطلق آمده و بر تغییرناپذیری آن تأکید شده است:

«محتوای اصل مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت است و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.»

تذکر: جمهوری بودن، ناظر به مقام اثبات است و هرگز سبب مقید شدن ولایت امر و امامت امت نمی‌شود؛ گذشته از آنکه شواهد دیگر، کافی است.

ثالثاً؛ مطلقه بودن ولایت، در اصل پنجاه و هفتم آمده است: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

در اینجا، مجدداً بر چند نکته تأکید می‌شود؛ اول آنکه ولایت مطلقه، به معنای آن است که فقیه جامع‌الشرایط، در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)، صلاحیت اجرای همه حدود الهی را دارد و ولایت او، محدود به اجرای برخی از احکام اسلامی نیست.

دوم اینکه؛ فقیه جامع‌الشرایط و رهبر جامعه، برای اجرای احکام، بر اساس آیه شریفه «وشاورهم فی الامر»^۱ و «أمرهم شوری بینهم»^{۱۱} عمل می‌کند و متخصصان و کارشناسان ارشد هر رشته‌ای را در مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار می‌دهد و تصمیم‌گیری‌اش، پس از مشورت با آنان است. در این مجمع، فقیهان، اساتید دانشگاه، فرماندهان قوای انتظامی و نظامی، متفکران اقتصادی، جامعه‌شناسان، متخصصان امور حقوقی و اجتماعی، و کسانی که تجربه کار اجرایی دارند و به معضلات نظام واقفند، حضور دارند و این، علاوه بر آن است که در هر یک از قوای سه‌گانه، از تخصص متخصصان هر رشته، کمال استفاده می‌شود. بنابراین، در نظام ولایت فقیه، از آراء و نظرات همه متفکران و نخبگان جامعه استفاده‌ی وافی می‌شود.

سوم آنکه؛ شخصیت حقیقی فقیه جامع‌الشرایط، همانند سایر شهروندان، در تمام امور، تابع احکام و قوانین حقوقی است و در برابر قانون، هیچ امتیازی با افراد دیگر ندارد.

و چهارم این‌که؛ همه اصول راجع به قوای سه‌گانه، نهادها، ارگان‌ها، و سازمان‌ها، به‌وسیله مجلس شورای اسلامی تحدید شده و برای هر یک از آن اصول قانون اساسی، حدودی در قانون عادی بیان شد که در مقام عمل، برابر آن حدود عمل می‌شود و برای تخطی از تحدید قانونی، تهدید قضائی نیز پیش‌بینی شد



نمونه آن نفوذ حکم ولایی فقیه نامدار و مجاهد نستوه، حضرت آیه‌الله سید شیرازی (رحمه‌الله) در جریان تحریم تنباکو و نیز، نفوذ حکم ولایی یا قضائی امام خمینی (قدس سره) دربارهٔ سلمان رشدی است.

□ اصل یکصد و دهم قانون اساسی، اختیارات رهبر را به اموری مقید کرده است؛ لذا این اصل که «مقید» است، اصل پنجاه و هفتم را مقید می‌کند و «ولایت مطلقه» در آن اصل را تفسیر می‌نماید.

● پاسخ: اگر ما به اصل یکصد و دهم توجه دقیق داشته باشیم، می‌بینیم که همین اصل، به نوبهٔ خود، دارای اطلاق است و هرگز مقید نیست تا زمینه تقیید اصل پنجاه و هفتم را فراهم کند؛ زیرا وظیفه و اختیار هفتم رهبر در این اصل، «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» عنوان شده و در بند هشتم آمده است: «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت می‌گیرد». علاوه بر اختیارات دیگر رهبر قرار می‌دهد. این که رهبر چگونه حل اختلاف قوای سه‌گانه می‌کند، براساس کدام ضابطه باشد، این، برعهدهٔ فقاهت و درایت و عدالت او نهاده شده است. حل اختلاف، بدون قانون تحقق پیدا نمی‌کند، پس باید قانونی باشد و این قانون نانوشته، همان قوانین فقاهت و سیاست و درایت است. حل معضلات لاینحل نظام نیز بر اساس همین قانون است؛ البته، از طریق مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت می‌گیرد.

بنابراین کشور ایران، در درجهٔ نخست، با قانون اساسی اداره می‌شود و در مواردی که قانون اساسی گویا نیست، از فقه اسلامی که در اثر پویایی، توان پاسخگویی به همهٔ نیازهای بشر تا بامداد معاد را دارد استفاده می‌شود.

تبصره: در اصل چهارم قانون اساسی آمده است: «کلیهٔ قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همهٔ اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهدهٔ فقهای شورای نگهبان است». این اصل، شامل رهبر نیز هست و این گونه نیست که او فعال ما پیشاء باشد و حالا که اختیارات وسیع قانونی و فقهی دارد، بتواند هر گونه عمل کند و هر قانونی را تصویب کند. اگر رهبر - معاذالله - بخواهد از محدودهٔ قوانین اسلامی خارج شود، هم شرط رهبری را فاقد می‌شود و از ولایت ساقط می‌گردد و هم قانون او نیز اعتبار ندارد.

و از طرف دیگر، تفسیر تمام اصول یاد شده در قانون اساسی، برعهدهٔ شورای نگهبان قرار داده شد؛ اما اصول رهبری که در طی فصول بیان گردید، هرگز به مجلس شورای اسلامی راه نیافت و تحدید نشد و تفسیر آن‌ها نیز، عملاً با دخالت شورای نگهبان، انجام نمی‌شود. بنابراین، نهاد ولایت فقیه، نسبت به نهادهای قانونی دیگر، از اطلاق برخوردار است و تقیید قانونی، به سراغ آن نرفته است. این مطلب، بسیار حساس و مهم است و باید در حد یک مقاله به آن پرداخت نه در چند سطر.

□ آیا فقیه جامع شرائط رهبری که در کشور معین زندگی می‌کند و از جهت شناسنامه، تابع همان مملکت است، می‌تواند ولایت تمام مسلمانان جهان را داشته باشد؟ آیا مسلمانان جهان می‌توانند از فقیه جامع شرایط رهبری که در کشور دیگر است پیروی کنند؟

● پاسخ: در اینجا، دو مطلب است که باید از یکدیگر تفکیک شوند؛ یکی مربوط به جهت شرعی و دیگری مربوط به جهت قانون بین‌المللی.

اما مطلب اول: از جهت شرعی، هیچ منعی وجود ندارد؛ نه برای فقیه، که والی همگان شود و نه برای امت اسلامی نقاط متعدد جهان، که ولایت آن فقیه را بپذیرد، بلکه مقتضی چنان ولایت و چنین تولی‌ای، وجود دارد نظیر رو آوردن به جریان مرجعیت تقلید و مرجعیت قضاء، برای توسعهٔ دایره ولایت و تولی، راهگشاست، زیرا اگر مرجع تقلیدی در کشوری خاص زندگی کند و اهل همان منطقه باشد، فتوای او، برای همهٔ مقلدان وی در سراسر عالم نافذ است؛ چه این که اگر چنین فقیه جامع‌الشرایطی، حکم قضایی صادر نمود، و جوب عمل به آن و حرمت نقض آن، نسبت به همه مسلمان جاری است.

اما مطلب دوم: از جهت قانون بین‌المللی، مادامی که تعهد رسمی و میثاق قانونی، جلوی چنین نفوذ ولایی را نگیرد و هیچ محذوری برای ولایت فقیه و نیز هیچ محظوری برای تولی مسلمان نقاط دیگر جهان وجود نداشته باشد، برابر همان حکم شرعی، نظیر تقلید و قضاء عمل می‌شود؛ اما اگر تعهد قانونی بین‌المللی، جلوی چنین نفوذ ولایی را بگیرد و مخالفان چنین نفوذی، عملاً از سرایت آن جلوگیری نماید، نگاه طرفین ولایت و تولی یعنی فقیه و مردم، هر دو معذورند، لیکن چنین قدرتی شرط حصولی نیست، بلکه تحصیلی است، و واجب شرعی، نسبت به چنین شرطی، مطلق است نه مشروط؛ به گونه‌ای که شرط مزبور، شرط وجود واجب است نه شرط وجوب آن؛ و

اگر رهبر - معاذالله - بخواهد از محدودهٔ قوانین اسلامی خارج شود، هم شرط رهبری را فاقد می‌شود و از ولایت ساقط می‌گردد و هم قانون او نیز اعتبار ندارد



□ آیا لازمه ولایت مطلقه فقیه، انحصار قدرت در دست یک نفر است که می تواند به «استبداد» منجر شود؟

● پاسخ: خطر استبداد، در انسان غیر معصوم اولاً و غیر عادل ثانیاً، وجود دارد و لذا با حضور و ظهور امام معصوم، غیر معصوم، صلاحیت حکومت و ولایت ندارد. اما در زمان غیبت امام معصوم (عج)، نزدیک ترین افراد به امام معصوم، وظیفه ولایت و حکومت را برعهده می گیرند تا کمترین آسیبی به جامعه اسلامی نرسد. فقیه جامع شرایط رهبری که به نیابت از امام عصر (عج)، ولایت و مدیریت جامعه اسلامی را برعهده دارد، به دلیل چند ویژگی درونی، احتمال استبداد درباره او، بسیار کم است.

اولین ویژگی او، وصف فقاقت است و دومین ویژگی او، صفت عدالت است. فقاقت فقیه اقتضا دارد که فقیه، اسلام شناس باشد و بتواند کشور را بر اساس احکام و فرامین تعالی بخش آن، اداره کند نه بر اساس آراء غیر خدایی؛ خواه رأی خود باشد و خواه رأی دیگران. عدالت فقیه، سبب می شود که شخص فقیه، خواسته های نفسانی خود را در اداره نظام اسلامی دخالت ندهد و در پی جاه طلبی و دنیاگرایی نباشد. فقیه، تافته جدا بافته ای نیست که فوق دین و فقاقت باشد؛ او کارشناس دین است و هر چه را که از مکتب وحی می فهمد، به جامعه اسلامی دستور می دهد و خود نیز به آن عمل می کند و هر گاه حکم اسلامی، یکی از این دو شرط را نقض کند، از ولایت ساقط می شود.

ویژگی سوم فقیه جامع شرائط، سیاست، درایت، و تدبیر و مدیریت اوست که به موجب آن، نظام اسلامی را بر محور مشورت با صاحب نظران و اندیشمندان و متخصصان جامعه و توجه به خواست مشروع مردم اداره می کند. اگر فقیهی بدون مشورت عمل کند، مدیر و مدبر و آگاه به زمان نیست و لذا شایستگی رهبری و ولایت را ندارد.

وجود این سه ویژگی درونی در فقیه جامع شرایط رهبری، سبب ضعیف شدن احتمال استبداد است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی، پیش بینی فرض نادر نیز شده است و لذا، علاوه بر این ویژگی های درونی، اولاً یک سلسله وظایف و حدود و اختیاراتی برای رهبر معین کرده و ثانیاً مجلسی به نام مجلس خبرگان معین نموده است که متشکل از کارشناسان فقاقت و عدالت و تدبیر و سیاست می باشد تا پس از شناخت و تعیین و معرفی فقیه جامع الشرائط، کارهای رهبر را برابر وظایف و اختیاراتی که قانون اساسی به او داده، ارزیابی کنند. اگر دیدند کارهایش موافق با آن است و یا اگر ظاهراً مخالف آن بود، ولی

پس از توضیح خواستن؛ روشن شد که در حقیقت، تخلّفی نداشته است؛ در هر دو حال، رهبری او همچنان محفوظ است؛ و در صورتی که دیدند رهبر، کارهایی انجام می دهد که واقعاً برخلاف قوانین است یا توان اجرای قوانین را ندارد، انزال او را به مردم اطلاع می دهند و رهبر جدید را پس از شناسایی، به مردم معرفی می کنند.

خلاصه آنکه؛ استبداد، استعمار، استعمار، استعباد، و هر عنوان ضد ارزشی دیگر که محکوم عقل خردورز و نقل خردساز است، محصول جهل علمی و مولود جهالت عملی است و اگر فقاقت جامع و درایت کامل، ملکه یک انسان عادل شد، نه زبانه جهل علمی از هستی او مشتعل می شود- که گدازه های تمدن سوزی به نام استبداد و مانند آن را به همراه دارد- و نه آتش زنه یا آتش گیره جهالت عملی از وجود او برمی خیزد- که شعله های آزادی سوزی به عنوان استعمار و نظیر آن را دربر داشته باشد. چون انسان معصوم، در حدود و بقاء کامل است و از گزند تبدل حال مصون است، احتمال تحول از عصمت به حیف و عسف و جور و ظلم، درباره او اصلاً مطرح نیست، ولی احتمال چنین تحوّل در انسان عادل غیر معصوم، هر چند ضعیف باشد، احتمالی سنجیده است. برای صیانت امت اسلامی از آسیب چنین تحول محتمل و نادری، حضور مجلس خبرگان و مراقبت مستمر آن از یک سو و نظارت دائمی آحاد مردم از سوی دیگر- که نه تنها چنین حقی برای آنان مخرز است، بلکه چنان وظیفه ای بر اینان حتمی است- ضامن حراست نظام اسلامی از هرگونه خطر احتمالی خواهد بود؛ چه این که همگان، نسبت به بیگانگان برون مرزی نیز موظف هستند که مراقب باشند که قلمرو اسلامی و منطقه دینی، از تهاجم مستعمران و تطاول مستعبدان و غارت رهنان، محفوظ بماند.



پی نوشت

۱. تعریف «ولایت مطلقه» به تفصیل در فصل پنجم کتاب، ص ۲۴۸ آمده است.
۲. رک: ص ۴۸۰.
۳. رک: ص ۲۴۶، ۲۴۸، و ۲۵۱.
۴. رک: ص ۲۴۵.
۵. رک: ص ۲۵۶.
۶. سورة توبه، آیه ۱۰۳.
۷. همان، آیه ۶۰.
۸. بحار؛ ج ۳، ص ۲۶۹، ح ۳.
۹. رک: ص ۲۵۰.
۱۰. سورة آل عمران، آیه ۱۵۹.
۱۱. سورة شوری، آیه ۳۸.

آزمون سراسری در ترازوی نقد

دکتر محمد مهدی اعتصامی
نویسنده کتاب‌های درسی «دین و زندگی»

قسمت اول

نقد و بررسی سؤالات فرهنگ و معارف اسلامی (درس دین و زندگی) گروه‌های آزمایشی ریاضی و فنی و علوم تجربی در آزمون سراسری سال ۹۰

اشاره

ارزش‌یابی و آزمون مهم‌ترین نقش را در چگونگی درس خواندن و یادگیری دانش‌آموزان دارد و می‌تواند اهداف پیش‌بینی شده در برنامه را به شدت تحت تأثیر مثبت یا منفی قرار دهد. در کشور ما، آزمون سراسری بیش از هر آزمون دیگری دارای چنین تأثیری است. از این‌رو ضروری است این آزمون همه ساله مورد نقد و بررسی قرار گیرد و با اهداف رویکردهای برنامه‌های درسی تطبیق داده شود. مقاله حاضر به نقد و بررسی سؤالات فرهنگ و معارف اسلامی (درس دین و زندگی) آزمون سال ۱۳۹۰ گروه‌های آزمایشی ریاضی و فنی و علوم تجربی پرداخته است. نقد و بررسی سؤالات گروه آزمایشی علوم انسانی را در شماره بعدی پیگیری کنید.

گروه آزمایشی ریاضی و فنی

○ سؤال ۵۱. پیوستگی، ارتباط و هماهنگی آن گاه معنا دارد که در کار باشد و به بیان علی علیه السلام، زبان بی زبانی جامدات هم معرف آفریدگار است و برقراری اندازه‌ها در آفرینش پدیده‌ها به منظور آفریده‌ها است.

● بررسی: جای خالی اول، به دلیل این که به یک اصل کلیدی مربوط می‌شود و نیازمند حفظ عین جمله کتاب نیست مناسب است. اما جای خالی دوم و سوم به گونه‌ای طراحی شده که دانش آموزان را ناچار می‌کند عین سخن امیرالمؤمنین را حفظ کنند تا بتوانند آن جای خالی‌ها را تکمیل نمایند.

○ سؤال ۵۲. راه رسیدن به «رستگاری» و سعادت «جاوید» است و آن جا که نظر کردن با دیده دل در جهان و دیدار جلوه‌های قدرت، حکمت، رحمت و مهربانی خداوند، ممکن می‌گردد، وقتی است که: به کمک گرفته شود.

● بررسی: تکمیل جای خالی اول وقتی میسر است که دانش آموز، عین عبارت کتاب را حفظ کرده باشد. زیرا قسمت اول گزینه‌های ۱ و ۲ نیز پاسخ صحیح محسوب می‌شود. میان کلمه «جاوید»، که در گیومه قرار گرفته است و پاسخ نیز، رابطه خاصی وجود ندارد و با حذف آن در پاسخ تغییر حاصل نمی‌شود. لذا قرار دادن آن در گیومه و توجه دادن دانش آموزان به آن، موجه به نظر نمی‌رسد. جمله بعد نیز نارساست و ارتباط درستی در این عبارت میان «و آن جا که...» و «وقتی است...» وجود ندارد.

○ سؤال ۵۳. با توجه به آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان دین که عامل اصلی گناه را «خود انسان» معرفی می‌کنند، منظور از این «خود» همان خود است که می‌باشد و در آن، تغییر و دگرگونی

● بررسی: جای خالی اول و دوم مناسب طراحی شده، اما گزینه سوم دارای ابهام است. زیرا در متن کتاب، «من» و «روح» ثابت است و در عین ثبات، تغییر و دگرگونی را می‌پذیرد. مثلاً دانش وی افزایش می‌یابد. یعنی در عین ثابت بودن روح، احوال و ویژگی‌هایش تغییر می‌کند. اما در این سؤال به طور کلی آمده «و در آن، تغییر و دگرگونی» هست.

○ سؤال ۵۴. از دقت در آیه شریفه: «وقال الملائم قومه الذین كفروا و كذبوا بلفاء الآخره و اترفنا هم فی الحياه الدنیا ما هذا الا بشر مثلکم یأكل مما تأكلون منه و یشرّب مما تشرّبون» مفهوم می‌گردد که:

● بررسی: این سؤال از بخش اندیشه و تحقیق انتخاب شده که در آن فقط شماره آیات داده شده است تا دانش آموزان، با مراجعه به قرآن کریم، پاسخ سؤال را به دست آورند. حفظ کردن معنای این آیات، به هیچ وجه برعهده دانش آموزان نبوده است. در حالی که در این سؤال، فقط متن عربی آیات شده و براساس همین متن عربی، سؤال طراحی شده است. لذا این سؤال، با اهداف آموزشی کتاب درسی مغایر است و در حیطه یادگیری دانش آموزان نبوده است.

○ سؤال ۵۵. از دقت در آیات شریفه: «ویل یومئذ للمکذبین* الذین یکذبون بیوم الدین* و ما یکذب به الا کلّ معتد ائیم» مفهوم می‌گردد که زمینه‌ساز است.

● بررسی: این سؤال نیز از بخش اندیشه و تحقیق انتخاب شده است که همان ویژگی سؤال قبلی را دارد. به همین جهت درک معنای آیه در حیطه آموزش دانش آموزان نبوده است. توجه شود که وقتی در کنکور این گونه سؤال‌ها طراحی می‌شود، دانش آموزان ناچار می‌شوند، علاوه بر درک معنای آیات خواسته شده در درس، معنای آیات دیگری را هم بیاموزند و معلمان هم برای آموزش آن وقت صرف کنند. در حالی که این کار، با حجم ساعت درسی و وقت کلاس و حجم محتوای آموزشی به کلی ناسازگار است و همین امر، آموزش را سخت‌تر می‌کند و بدینی دانش آموزان را به دنبال دارد.

○ سؤال ۵۶. آیات شریفه «و وقیت کل نفس ما عملت»، «وقضی بینهم بالحق و هم لا یظلمون» و «اشرقت الارض بنور ربها» به ترتیب ناظر بر کدام یک از نفخ صور می‌باشد؟
● بررسی: اولاً: حفظ کردن معنای عبارت «و وقیت...» در برنامه درسی برعهده دانش آموزان نبوده است، در حالی که بدون حفظ معنای آن، پاسخ به این سؤال ممکن نیست. ثانیاً: به جای عبارت «ناظر بر کدام یک از نفخ صور است» باید عبارت «ناظر بر کدام یک از مراحل برپایی قیامت است» بیاید، زیرا نفخ صور، خودش یکی از حوادث قیامت است.

○ سؤال ۵۷. پیام‌آور پر تلاش در برابر لجاجت قوم خود و پیام‌آور مصمم به انجام وظیفه در برابر استهزا و تمسخر قوم خود به ترتیب حضرت و بود که گفتار هر یک به ترتیب و بود.

● بررسی: در این سؤال، دانش آموز باید بداند که میان «پیام‌آور پر تلاش در برابر لجاجت قوم» و حضرت هود و «پیام‌آور مصمم به انجام وظیفه...» و حضرت شعیب رابطه است. و این، جز با حفظ عبارت عین متن کتاب امکان‌پذیر نیست. کلمه پر تلاش



● **بررسی:** اولاً: تعبیر «برملا کردن» در زمینه‌های مثبت به کار نمی‌رود، بلکه برای وقتی به کار می‌رود که بخواهند کار ناشایستی را که انجام دهنده آن می‌خواهد آن را مخفی نگه دارد، افشا کنند.

ثانیاً: اگر مقصود از «برملا کردن» چهره واقعی اسلام، نشان دادن حقیقت اسلام باشد، هم مربوط به مرجعیت علمی امامان می‌شود و هم مربوط به ولایت ظاهری آنان. بنابراین، سؤال به درستی طراحی نشده است.

○ **سؤال ۶۶.** یویابی جامعه شیعه در طول تاریخ پرفراز و نشیب، در گرو گذشته و آینده که نمود آن به ترتیب، و می‌باشد.

● **بررسی:** اولاً: قسمت دوم سؤال یعنی «که نمود آن» به ترتیب «عدالت خواهی» و «طاغوت‌ستیزی» می‌باشد، اشتباه است. زیرا کلمه عدالت هم برای گذشته سرخ آمده و هم برای آینده سبز.

ثانیاً: این سؤال نیز به‌گونه‌ای طراحی شده است که فقط با حفظ عین عبارت کتاب می‌توان به آن پاسخ داد.

○ **سؤال ۶۷.** حضرت علی علیه‌السلام در «عهدنامه مالک اشتر» رابطه رهبر با مردم را این‌گونه ترسیم می‌کند که می‌فرماید: دوست داشتنی‌ترین چیزها نزد تو، آن چیزی باشد که در است زیرا خشم عمومی مردم، را از بین می‌برد.

● **بررسی:** قسمت اول سخن حضرت علی به‌گونه‌ای خواسته شده است که دانش‌آموزان ناچار می‌شوند تمام جملات آن حضرت را حفظ کنند. در حالی که حفظ سخن آن بزرگواران از اهداف آموزشی نیست. اگر سؤال به این صورت طراحی می‌شد که: «چرا حضرت علی علیه‌السلام فرموده است رابطه رهبر با مردم باید این‌گونه باشد که...» نیازی نبود که در پاسخ عین عبارت حدیث ذکر شود.

○ **سؤال ۶۸.** پیام آیات «والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم.....» و «قضی ربک الا تعبدوا الا اياه و بالوالدین.....» به ترتیب کدام است؟

● **بررسی:** دو آیه‌ای انتخاب گردیده، مناسب است. چون درک معنای آیه، به‌جز یکی دو کلمه، برعهده دانش‌آموزان است. اما قسمتی از هر دو آیه حذف شده که پاسخ سؤال در آن‌ها قرار گرفته است. لازمه چنین حذفی آن است که دانش‌آموز بقیه آیه را از حفظ داشته باشد. در حالی که چنین وظیفه‌ای برعهده او نبوده و حفظ این قبیل آیات برعهده دانش‌آموزان نیست.

○ **سؤال ۶۹.** معرفت عمیق و برتر، معرفتی است که و کلید دست‌یابی به آن است.

● **بررسی:** پاسخ به این سؤال فقط با حفظ عبارت کتاب میسر است. والا دانش‌آموز باید با خود فکر کند که این «عمیق و برتر» مربوط به چیست؟ «عمیق و برتر» در کجا و چه مورد؟ اما چون ما با این قبیل سؤال‌ها را وادار کرده‌ایم که جمله به جمله کتاب را حفظ کند، می‌فهمد که در کتاب پیش‌دانشگاهی در درس اول عبارت «معرفتی برتر و عمیق» آمده است.

ممکن است کسی بگوید که دانش‌آموز با چهار گزینه روبه‌روست و این گزینه‌ها مانع می‌شوند که او سرگردان شود و نداند که ذهنش را به کجا ببرد.

در پاسخ می‌گوییم: اما این قبیل سؤال‌ها سبب می‌شوند دانش‌آموز در هنگام درس خواندن به نحوی یادگیری خود را سامان دهد که هر عبارتی از کتاب را به خاطر بسپارد تا اگر عبارتی از کتاب آمد و کلمه‌ای از آن حذف شده بود، بتواند کلمه مورد نظر را به خاطر بیاورد و بنویسد.

○ **سؤال ۷۰.** آیات شریفه‌ی «خالق کل شیء فاعبده» و «ما امروا الا ليعبدوا الها واحداً» به ترتیب بیانگر توحید و توحید در بعد و توحید در بعد می‌باشد.

● **بررسی:** فاعبده در آیه اول بیانگر توحید عبادی و دارای هر دو بعد فردی و اجتماعی است و اختصاص به بعد فردی ندارد.

○ **سؤال ۷۱.** شست‌وشوی گناهان از درون آلوده انسان گنه‌کار، توبه نام دارد که به تعبیر می‌شود و کمک‌کننده به چنین تأثیری است و پیام: «المستغفر من الذنب و یفعله کالمستغفری برئه این است که یک مرحله از مراحل توبه است.

اولاً: عبارت «و کمک‌کننده به چنین تأثیری ایمان و عمل صالح است» عبارت مهمی است. آنچه در کتاب درسی آمده، این است «توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می‌سازد».

ثانیاً: در سؤال از متن عربی حدیث استفاده شده است و دانش‌آموزان ناچارند ابتدا حدیث را معنی کنند تا بتوانند به سؤال پاسخ دهند، در حالی که چنین تکلیفی در برنامه آموزشی آن‌ها نبوده است. راستی اگر از کتاب درسی متن عربی حدیث برداشته شود و فقط به ترجمه آن اکتفا گردد، در آن صورت دیگر سؤالی از آن طرح نخواهد شد؟

○ **سؤال ۷۲.** اعتقاد به حکیمانه بودن نظام هستی، ایجاب



می‌کند که خدای حکیم قادر را «حافظ و نگاهبان عالم وجود» بدانیم که این اعتقاد از تدبّر در آیه شریفه به دست می‌آید و اگر بگوییم: «پیاده کردن قوانین حاکم بر هستی به وسیله خدا است» مفهوم این جمله آن است که حوادث جهان، الهی است.

● **بررسی:** در پاسخ سؤال، متن عربی آیه‌ای آمده که ترجمه آن برعهده دانش‌آموزان نیست.

○ **سؤال ۷۳:** پیامبر گرامی اسلام که پایان بخش منادیگران مبعوث از سوی خداوند بود، محور رسالت خود را بر مبارزه با «شُرک و رهایی از نگاه به محدوده تنگ دنیا» اعلام فرمود که به ترتیب از دقت در آیه شریفه و آیه شریفه مفهوم می‌گردد.

● **بررسی:** در پاسخ قسمت دوم سؤال از متن عربی آیه‌ای استفاده شده که ترجمه آن برعهده دانش‌آموزان نیست.

○ **سؤال ۷۴:** به هم خوردن تعادل ترکیبی گازهای جو و پایان یافتن منابع معدنی، بازتاب و افزایش بهره‌برداری از منابع طبیعی منجر به تخریب ساختار طبیعی محیط زیست، از پی آمده‌های بود.

● **بررسی:** اولاً: در سؤال آمده که به هم خوردن تعادل ترکیبی گازها و ... بازتاب «توانایی تصرف در طبیعت» بوده است، در حالی که کتاب درسی، این حادثه را نتیجه حرص و طمع برخی انسان‌ها و استفاده نابه‌جا از این توانایی دانسته است. لذا این قسمت سؤال غلط است.

ثانیاً: عبارت «و افزایش بهره‌برداری ...» به ساده و روان شدن نیاز دارد.

○ **سؤال ۷۵:** پیام اسلام، پیامی برای است و تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه دین از آیه مفهوم می‌گردد.

● **بررسی:** از آیه‌ای در پاسخ استفاده شده که ترجمه آن برعهده دانش‌آموزان نبوده است.

○ **نتیجه:**

۱. از میان ۲۵ سؤال، ۱۳ سؤال بر مبنای آیاتی طراحی شده که درک معنای آن برعهده دانش‌آموزان نبوده است. یعنی دشواری سؤال متوجه آموخته‌های دانش‌آموزان نبوده است، بلکه مربوط به قسمتی می‌شده که دانش‌آموزان وظیفه ندارند آن را یاد بگیرند. اما چون همه ساله این گونه سؤال‌ها می‌آید، آنان ناگزیر می‌شوند که معنای این آیات را هم به خاطر بسپارند. در نتیجه، آنان میان اهداف آموزشی در مدرسه و سؤال‌های آزمون ورودی به دانشگاه‌ها تناقض می‌بینند.

۲. بخش اعظم دیگر سؤال‌ها متکی بر حفظ متن کتاب و درک کلمات داخل در عبارات است. این شیوه سؤال نیز سبب می‌شود که دانش‌آموز فقط به حفظ کردن رو آورد و حافظه‌گرایی در نظام آموزشی تشدید شود.

۳. ضروری است طراحان سؤال، علاوه بر مطالعه کامل کتاب درسی، برنامه درسی دینی و قرآن و نیز راهنمای معلم را در اختیار داشته باشند و متناسب با رویکردها، اهداف و روش‌ها و اصول مندرج در برنامه به طراحی سؤال بپردازند تا میان اهداف آموزشی درس و طراحی آزمون تضادی نباشد.

۴. در صورتی که کتاب دین و زندگی اقتضای طرح سؤالات متعارف برای کنکور را ندارد، لازم است دفتر برنامه‌ریزی و تألیف و مرکز آزمون‌سازی سازمان سنجش با همکاری یکدیگر راه‌حل مناسبی برای طرح سؤال پیش‌بینی کنند.

گروه آزمایشی علوم تجربی

○ **سؤال ۵۱:** «استراحت شبانگهی و روزی طلبی» از دقت در کدام آیه، مفهوم می‌گردد؟

● **بررسی:** اولاً: این سؤال از بخش اندیشه تحقیق درس آمده که در آنجا فقط شماره آیه به دانش‌آموزان داده شده است تا در منزل به قرآن نگاه کنند و پاسخ سؤال را بنویسند و روشن است که یادگیری معنای آیات برعهده دانش‌آموزان نبوده است. ثانیاً: دو کلمه «استراحت شبانگهی و روزی طلبی» ترجمه دو کلمه آیه است. دیگر نیازی نبود که در سؤال قید شود «از دقت در کدام آیه مفهوم می‌گردد؟» واقعاً چه ضرورتی دارد که دانش‌آموزان این دو کلمه را حفظ کنند؟ به نظر می‌رسد که طراح محترم سؤال تدریس نمی‌کند و نمی‌داند که برنامه درسی آموزش و پرورش از دانش‌آموزان چه می‌خواهد و دانش‌آموزان چگونه بخش‌های مختلف یک درس را می‌خوانند یا انجام می‌دهند. اگر ایشان تدریس می‌کند و این قبیل تکالیف را به دانش‌آموزان می‌دهد، وای به حال آن دانش‌آموزان!

○ **سؤال ۵۲:** تمام موارد، راه‌های کید و فریب دشمن قسم خورده مضمّم به انتقام‌گیری از فرزندان آدم است، به جز:

● **بررسی:** در این سؤال، هیچ یک از چهار گزینه پاسخ سؤال نیست. زیرا گزینه دو هم از راه‌های فریب شیطان محسوب می‌شود، گرچه در کتاب درسی نیامده باشد، در کتاب درسی چهار راه برای فریب شیطان ذکر شده که راه اول آن «آراستن و زیبا نشان دادن گناه» است. طراح محترم «آراستن و زیبا نشان دادن» را آورده و به جای گناه، عبارت «زمینه‌های دل‌فریب دنیا» را قرار داده است و با این کار، به دانش‌آموزان فهمانده که اگر عین کلمه کتاب را حفظ نکرده باشید، نمی‌توانید به سؤالات پاسخ دهید! یعنی دانش‌آموز را یک کامپیوتر فرض



کرده است که فقط به تغییر کلمات نگاه می‌کند و چون آن کلمه را نمی‌یابد، پاسخ را غلط می‌پندارد.

○ سؤال ۵۳. بین «میل به جاودانگی» و «بی‌ارزش شدن زندگی چند روزه دنیا» و «کفر به آیات پروردگار و لقای او»، رابطه علیت برقرار است که عنوان هر یک، به ترتیب و و می‌باشد.

● بررسی: گزاره‌ای که در سؤال آمده، غلط است. زیرا «میل به جاودانگی» علت «بی‌ارزش شدن زندگی چند روزه دنیا» و «کفر به آیات پروردگار و لقای او» نیست. طراح محترم چون به مجموعه عبارت کتاب توجه نکرده، چنین گزینه‌ای را تنظیم کرده است. کتاب درسی می‌گوید «از پیامدهای این نگرش (نگرشی که می‌گوید مرگ پایان زندگی است)، قرار گرفتن زندگی در بن‌بست و بسته شدن دریچه‌های امید به روی انسان است. انسانی که میل به جاودانگی وجودش را فرا گرفته، وقتی به چنین نگرشی می‌رسد، همین زندگی چند روزه نیز برایش بی‌ارزش می‌شود و...»

در حقیقت، مرگ را پایان زندگی پنداشتن و به آخرت معتقد نبودن، علت بی‌ارزش شدن زندگی دنیاست، نه میل به جاودانگی.

عجیب‌تر، آن که در این سؤال، میل به جاودانگی، علت کفر به آیات پروردگار و لقای او تلقی شده است.

○ سؤال ۵۴. یکی از حقایق برملا شده در رستاخیز «ثبوت راست‌گویی پیامبران» در ابلاغ دعوت الهی است که این حقیقت، از توجه به آیه شریفه دریافت می‌گردد.

● بررسی: اولاً: تعبیر «برملا شدن» برای آشکار شدن موارد منفی به کار می‌رود که فردی نمی‌خواسته آشکار شود، نه برای یک مورد مثبت، مثل ثبوت راست‌گویی پیامبران.

ثانیاً: این سؤال از بخش اندیشه درس انتخاب شده که یادگیری ترجمه آیات آن برعهده دانش‌آموزان نبوده است.

○ سؤال ۵۵. براساس روایات کدام مطلب در مورد ارواح مؤمنان صحت ندارد؟

● بررسی: این سؤال، مناسب طراحی شده است. زیرا به حفظ عین متن آیات نیاز نیست و دانش‌آموزانی که مفهوم احادیث را در ذهن داشته باشند، می‌توانند به این سؤال پاسخ دهند.

○ سؤال ۵۶. با توجه به آیه شریفه: «الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الأرض» سپس‌گذاری در عالم نسبت به تحقق وعده‌اش در وراثت زمین با مفهوم می‌گردد.

● بررسی: اولاً: ترجمه قسمتی از این آیه برعهده دانش‌آموزان نبوده و لذا نمی‌توانند به بخشی از سؤال که مربوط به این قسمت آیه است پاسخ دهند.

ثانیاً: جای خالی اول که باید با کلمه «متقین» پر شود، مربوط به قسمت‌های ابتدایی آیه است که در سؤال نیامده و لازمه پاسخ دادن دانش‌آموزان، از حفظ داشتن قسمت اول آیه است.

○ سؤال ۵۷. از سفارش و توصیه پیشوایان دین به رعایت آراستگی به تأثیر در پی می‌بریم که تجلی‌گاه است.

● بررسی: با توجه به جاهای خالی سوم و چهارم در این سؤال، هم‌گزینه سوم درست است و هم‌گزینه چهارم، از این‌رو سؤال مناسبی محسوب نمی‌شود.

○ سؤال ۵۸. راه‌رستگاری و سربلندی جامعه اسلامی در گرو انجام دو وظیفه مهم از سوی مسلمانان است که به ترتیب از دقت در آیه و به دست می‌آید و مستجاب نشدن دعاها بازتاب ترک می‌باشد.

● بررسی: در این سؤال، از آیاتی استفاده شده است که دانش‌آموزان موظف به یادگیری ترجمه آن‌ها بوده‌اند. به همین جهت سؤال مناسبی است.

○ سؤال ۵۹. پیام کدام آیه «افزایش سرمایه در پرتو انفاق و وام غیر مشروط» است؟

● بررسی: این سؤال از آیه‌ای استفاده کرده که در بخش اندیشه و تحقیق آمده و یادگیری معنای عبارت برعهده دانش‌آموزان نبوده است. لذا سؤال مناسبی نیست.

○ سؤال ۶۰. بین «اهداف» و «نیازها» رابطه حاکم است به این معنی که و دغدغه و دل‌مشغولی‌ها نشانه اند.

● بررسی: در این سؤال، جاهای خالی اول و دوم خوب طراحی شده‌اند. اما قسمت دوم سؤال که دارای یک جای خالی است، ارتباط نگارشی مناسبی با قسمت اول پیدا نمی‌کند و صرفاً برای سخت‌تر کردن سؤال، این قسمت اضافه شده است.

○ سؤال ۶۱. اگر گفته شود: خدای متعال، با دو ویژگی «تعقل» و «اختیار» انسان را با فرستادن دین، راهنمایی و هدایت کرده است، این مفهوم به ترتیب از دقت در کدام آیات، به دست می‌آید.

● بررسی: اولاً: عبارت مربوط به سؤال، روان نیست و نیازمند



اصلاح است.

ثانیاً: آیه اول در گزینه صحیح مربوط به بخش اندیشه و تحقیق است که یادگیری معنای آن برعهده دانش آموزان نبوده است.

○ سؤال ۶۲. مفهوم این کلام پیامبر گرامی اسلامی (ص) که می فرماید: «نحن معاشر الأنبياء أمرنا أن نكلم الناس على قدر عقولهم» با آیه شریفه مطابقت دارد که حاکی از می باشد.

● بررسی: در این سؤال، ارتباط میان آیه و حدیث و متن درس به خوبی برقرار شده است. اما متن عربی حدیثی آمده که ترجمه آن برعهده دانش آموزان نبوده است.

○ سؤال ۶۳. ایمان به خداوند و اعتقاد به معاد، شرط بازگرداندن محاکمات به خدا و پیامبر است که این مفهوم از دقت در آیه شریفه به دست می آید.

● بررسی: اولاً: معنای قسمتی از آیه ای که در گزینه صحیح آمده، برعهده دانش آموزان نبوده است.

ثانیاً: محتوای سؤال به درستی طراحی نشده است. آیه نمی فرماید در صورتی می توانید محاکمات را نزد خدا و پیامبر ببرید که مؤمن باشید. بلکه می فرماید شرط ایمان این است که برای محاکمات به خدا و رسول مراجعه شود. یعنی کسی که ادعای ایمان می کند، شرط ایمانش این است که به خدا و رسول مراجعه نماید.

○ سؤال ۶۴. جمله: «من أولى الناس بالمؤمنين من انفسهم» مقدمه طرح بود تا پیام محقق شود.

● بررسی: درک معنای متن عربی «من أولى الناس...» و «بلغ ما انزل اليك...» برعهده دانش آموزان نبوده است. لذا سختی سؤال فقط متوجه معنای عباراتی است که دانش آموز موظف به یادگیری آنها نیست و ارتباطی با محتوای دینی بحث ندارد.

○ سؤال ۶۵. «ورود سلیقه های شخصی در احکام دینی»، «به انزوا کشیده شدن شخصیت های اسلامی»، «ورود جاهلیت با لباسی جدید در زندگی اجتماعی مسلمانان»، به ترتیب بازتاب کدامیک از مشکلات اجتماعی پس از رحلت، رسول خدا (ص) بود؟

● بررسی: این سؤال، به نحو مناسبی طراحی شده است.

○ سؤال ۶۶. خداوند نعمت هدایت را با وجود کامل کرده است و پیامبر گرامی اسلام (ص) خود و را امت اعلام فرموده است.

● بررسی: این سؤال، به نحو مناسبی طراحی شده است.
○ سؤال ۶۷. با توجه به آیه شریفه: «و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون» کوچ کردن به قصه برهنگان واجب و هدف از این کوچ کردن است.

● بررسی: در این سؤال از آیه ای استفاده شده که درک معنای آن برعهده دانش آموزان نبوده و لذا سختی سؤال فقط متوجه ناتوانی دانش آموزان در ترجمه عبارت است.

○ سؤال ۶۸. تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت بدان جهت ضرورت دارد که و بهای انسان را که است به او تفهیم کنند.

● بررسی: اولاً: در این سؤال، ضرورت حکومت اسلامی را منحصر در ایجاد فرصت برای مؤمنان منتظر کرده. در حالی که دلایل ضرورت حکومت اسلامی که در کتاب آمده، چیز دیگری است. ایجاد فرصت برای مؤمنان منتظر از فواید تشکیل حکومت اسلامی است.

ثانیاً: قسمت دوم سؤال (و بهای انسان...) هم که جزء ضرورت تشکیل حکومت اسلامی تلقی شده، ارتباطی با یکدیگر ندارند و چنین ضرورتی در کتاب درسی نیامده است.

○ سؤال ۶۹. از دقت در آیه شریفه: «ان الله ربّي و ربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم» و کلمه مقدس «لا اله الا الله» به ترتیب کدام یک از ابعاد توحید، مفهوم می گردد؟

● بررسی: اولاً: در این سؤال، درک معنای متن عربی آیات، برعهده دانش آموزان بوده و بنابراین، از این حیث، بلا اشکال است.

ثانیاً: توجه شود که توحید افعالی، خود از زیرمجموعه توحید نظری است. بنابراین «ان الله ربّي» هم ناظر بر توحید نظری و هم ناظر بر توحید افعالی است. توحید عبادی و توحید عملی هم به یک معناست. بنابراین، عبارت «فاعبدوه» هم ناظر بر توحید عملی است و هم ناظر بر توحید عبادی. عبارت «لا اله الا الله» نیز ناظر بر هر دو توحید نظری و عملی است. لذا پس و پیش کردن این دو توحید در گزینه ها سبب غلط شدن یک گزینه نمی شود. بنابراین، گزینه های ۳ و ۴ هر دو صحیح هستند.

ثالثاً: آمدن چهار کلمه در گزینه ها و جدا کردن آن ها با خط تیره، برای دانش آموزان علامت آن است که با چهار عبارت در متن مواجه هستند و در آن صورت، آن ها فکر می کنند که فقط کلمه «نظری» مربوط به عبارت «لا اله الا الله» است که این هم صحیح نیست.





○ سؤال ۷۰. بیت «بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا همه جانت کنند» با کدام آیه شریف هم مفهوم نیست؟

● بررسی: اولاً: در گزینه‌ها از متن عربی آیاتی استفاده شده که ترجمه آن‌ها برعهده دانش‌آموزان نبوده است.
ثانیاً: گزینه دو صرفاً از این جهت با بیت «بندگی کن...» هم مفهوم تلقی نشده که مشتقات «عبد» یا «خلاص» در آن نیامده است و در جای دیگر کتاب به کار رفته است. در حالی که محتوای آیه بیش از محتوای آیات گزینه‌های دیگر با بیت ارتباط دارد.

○ سؤال ۷۱. «تخریب شخصیت، نا به سامانی‌های اجتماعی» و «مسئولیت‌گریزی» به ترتیب از توابع اعتقاد به و می‌باشد و رفتار خودخواهانه منجر به ویرانی محیط زیست، بازتاب انسان است.

● بررسی: پاسخ این سؤال فقط در صورتی امکان‌پذیر است که دانش‌آموزان عین عبارت کتاب را حفظ کرده باشند. زیرا مثلاً «آسیب رساندن به طبیعت»، هم با «محور قرار دادن میل و اراده» و هم با «آزادی مطلق پنداشتن اختیار» و هم با «نادیده گرفتن قانون‌مندی حاکم بر جهان» سازگار است.

○ سؤال ۷۲. توسعه فعالیت‌های اختیاری انسان معرفت به الهی است که برخاسته از است.

● بررسی: این سؤال، چون براساس مفاهیم کلیدی درس تنظیم شده، مناسب است.

○ سؤال ۷۳. رعایت دیدگاه متعادل نسبت به نعمت‌های دنیوی و اخروی و روی گردانی از گناهان که شکل‌دهنده به فکر و اندیشه برگرفته از قرآن است، به ترتیب پیام کدام آیات است؟

● بررسی: در این سؤال، از آیاتی استفاده شده که ترجمه آن‌ها وظیفه دانش‌آموز نبوده است. لذا سختی سؤال فقط متوجه متن عربی آیات است، نه محتوای آن‌ها.

○ سؤال ۷۴. اساس زندگی سیاسی و روابط اجتماعی بود که مبارزات مردم را بر محور برقراری شکل می‌داد و استمرار آن را امروز در کشورهای به پاخاسته، لمس می‌کنیم و آیه شریفه حاکی از آن است.

● بررسی: در گزینه صحیح این سؤال از آیه‌ای استفاده شده که ترجمه آن برعهده دانش‌آموزان نبوده است و سختی سؤال فقط متوجه متن عربی است، نه محتوای آیه.

○ سؤال ۷۵. «مقام الگویی پذیرندگان دعوت آخرین پیامبر» و «مأموریت به عمل مبتنی بر عدل» به ترتیب پیام کدام آیات است؟

● بررسی: در گزینه‌های این سؤال از آیاتی استفاده شده که ترجمه آن‌ها برعهده دانش‌آموزان نبوده و سختی سؤال فقط متوجه متن عربی است، نه محتوای آیه.

جمع‌بندی

۱. بیشتر سؤال‌ها متکی بر درک معنای آیات و ترجمه آن‌هاست. اگر حتی درک معنای همه آیات برعهده دانش‌آموزان می‌بود، نباید این تعداد از سؤال‌ها به آن اختصاص می‌یافت.
۲. ممکن است گفته شود که اگر به این صورت از آیات سؤال طرح نکنیم، درجه دشواری سؤال کاهش می‌یابد و عموم دانش‌آموزان در پاسخ به سؤال‌ها موفق می‌شوند.
اما این سخن دلیل موجهی برای این‌گونه طراحی‌ها نیست.

زیرا:

اولاً: این سؤال‌ها با اهداف برنامه درسی مخالف است و دانش‌آموزان را وادار به حفظ مطالبی می‌کند که در برنامه جایگاهی ندارد.

ثانیاً: عموم این سؤال‌ها جنبه حافظه‌ای، که پایین‌ترین سطح شناخت است، دارند و هر قدر هم که دشوار باشند، فقط کار حفظ کردن را سخت‌تر می‌کنند و در نتیجه، فرصت تفکر را از دانش‌آموزان می‌گیرند.

ثالثاً: بهتر است طراحان سؤال، به همان فرایند کتاب دین و زندگی توجه کنند. این کتاب براساس اهمیت دادن به ارزش‌یابی کتبی پایانی و آزمون تست طراحی نشده و برای ارزش‌یابی تکوینی اهمیت قائل شده است. لذا اشکالی ندارد که سطح دشواری سؤال‌ها در امتحان کتبی یا آزمون سراسری پایین باشد و دانش‌آموزان به راحتی بتوانند به سؤال‌ها پاسخ دهند. این اقدام سبب می‌شود که دانش‌آموزان در آزمون درس دین و زندگی با فراغ خاطر بیشتر شرکت کنند و نیازی به کلاس‌های کنکور و کتاب‌های گوناگون تست نداشته باشند و دبیران بتوانند با فراغ بال بیشتر در کلاس درس، به جنبه‌های نگرشی و رفتاری دانش‌آموز بپردازند و تأثیرگذاری درس را افزایش دهند.

نباید درس دین و زندگی را با درس ریاضی و فیزیک و تاریخ و جغرافی مقایسه کنیم و همان رقابتی را که در سایر درس‌ها نیاز داریم به این درس هم سرایت دهیم. همین قدر که درس دین و زندگی در آزمون سراسری باشد، کفایت می‌کند؛ اما آزمون سخت از این درس گرفتن، آن هم با طراحی سؤال‌هایی که با رویکرد کتاب مغایرت دارد، ما را از هدف اصلی دور می‌کند و تأثیر نگرشی و رفتاری این درس را به شدت کاهش می‌دهد.

ویژه نامه ضمن خدمت

عنوان دوره: آموزش و توسعه
فرهنگ نماز

کد دوره: ۳۰۰۶-۹۲۵۰ (۱۶ ساعت)

رازهای نماز

دکتر محمد مهدی اعتصامی
پژوهشگر و نویسنده



مقدمه

پیامبر اکرم (ص) فرمود: نماز ستون دین است که اگر قبول شود، عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود و اگر قبول نگردد، عبادت‌های دیگر هم قبول نمی‌گردد!

این بیان پیامبر گرامی نشان‌دهنده جایگاه نماز در دین و نقش ممتاز آن در دینداری یک مسلمان است. از این رو لازم و ضروری است که با حکمت نماز و چرایی آن هر چه بیشتر آشنا شویم تا این عمل گران‌قدر و پر ارزش را با معرفت کامل‌تر اقامه کنیم و آثار و ثمرات آن را روز به روز زندگی خود بیشتر مشاهده کنیم. در این مقاله به دو حکمت از حکمت‌های نماز پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: نماز، حکمت، یاد خدا، امر به معروف و نهی از منکر، تسبیح، حمد، دعا

مراد از حکمت یا فلسفه اعمال چیست؟

وقتی که از «حکمت»، «فلسفه» و «راز» یک عمل سخن

می‌گوییم، منظورمان هدف و مقصودی است که برای آن عمل پیش‌بینی شده است. اگر از کسی بپرسیم که «چرا این کار را می‌کنی؟» یا «حکمت و فلسفه این کار چیست؟»، در حقیقت از او خواسته‌ایم که هدف و مقصودش از آن کار را برای ما بازگو نماید.

روشن و واضح است که اعمال و رفتارهایی که خداوند از بندگانش خواسته است و امر فرموده که آن‌ها را انجام دهند، به این سبب بوده که بندگان، با انجام آن اعمال به اهدافی برسند. البته مجموعه دستورات و فرامین الهی که «دین» نامیده می‌شود برای سعادت جاویدان انسان و رساندن او به قله‌های کمال و خوبی‌ها و زیبایی است و هر یک از این فرمان‌ها، در داخل این مجموعه نقش خاصی را برعهده دارد و هدف ویژه‌ای را دنبال می‌کند.

نقش نماز در این مجموعه به گونه‌ای است که ستون خیمه دین شمرده شده؛ یعنی اگر نماز نباشد، دین فرو می‌ریزد و وجود خارجی خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر، هدف و مقصودی که برای نماز تعیین شده است و انسان با انجام درست نماز به آن دست می‌یابد آن چنان بزرگ و ارزشمند است که اگر نماز اقامه نشود و آن هدف به دست نیاید، اصل و اساس دین فرد فرو می‌ریزد و فقط اسمی از آن باقی می‌ماند.

با توجه به اهمیت نماز، دو حکمت از حکمت‌های نماز را به اختصار بازگو می‌کنیم:

● یاد خدا

قرآن کریم مؤمنان را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا** (احزاب، ۴۱ و ۴۲): ای مؤمنان خدا را بسیار یاد کنید و او را از بامدادان تا شامگاهان تسبیح کنید.

پیام اصلی این آیه بیان یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن، یعنی به یاد خدا بودن اوست. هر قدر که ایمان فرد عمیق‌تر و قوی‌تر باشد به یاد خدا بودن او نیز بیشتر است. اگر کسی بخواهد درجه ایمان خود را ارزیابی کند باید ببیند در طول روز چه قدر به یاد خداست و به او توجه دارد.

ممکن است بپرسند که چرا یاد خدا این قدر اهمیت دارد؟ در پاسخ می‌گوییم: برای این که میزان یاد و توجه به هر چیزی یا هر کسی نشان‌دهنده میزان اهمیت آن چیز و آن کس، نزد یادکننده است. هر یک از ما، در طول روز، هفته، سال و حتی زندگی، به اموری اهمیت می‌دهیم و همان امور دغدغه خاطرمان می‌شود و به اصطلاح، به آن‌ها دل مشغولیم، یعنی به «یاد» آن‌ها هستیم. یاد آن‌ها خاطرمان را پر می‌کند و در همان حال که به کارهای روزانه می‌پردازیم، توجه به آن‌ها از خاطرمان محو نمی‌شود. صبحانه می‌خوریم، به تماشای تلویزیون می‌نشینیم، رانندگی می‌کنیم، به محل کار می‌رویم،

وقتی که از «حکمت»، «فلسفه» و «راز» یک عمل سخن می‌گوییم، منظورمان هدف و مقصودی است که برای آن عمل پیش‌بینی شده است





گرچه اجزای اصلی نماز را «یاد خدا»؛ یعنی «تسبیح» و «حمد» تشکیل می‌دهد، اما خداوند نماز را به گونه‌ای تشریح فرموده است که انسان در میان تسبیح و حمد، به دعا نیز بپردازد

بخواهیم از یک انسان بد، نام ببرم او را به یاد می‌آوریم. یعنی یاد او مساوی با بدی‌ها و زشتی‌هاست. و همین یاد، سبب دوری ما از او می‌گردد. به‌طور مثال، یاد شیطان، فرعون، نمرود، چنگیز، ابوسفیان، یزید و مانند این‌ها همراه با تنفر و دور شدن است. اگر شناخت ما از یک فرد این‌گونه باشد که وی دارای صفات پسندیده و فضائل اخلاقی است، یاد او همراه با حبّ و دوستی به وی است. زیرا یاد وی، یاد زیبایی‌ها و کمالاتی است که هر انسانی در نهاد و سرشت خود، آن‌ها را می‌پسندد و دوست دارد. یاد پیامبر اکرم(ص)، امیرمؤمنان و سایر ائمه اطهار(ع) و همه کسانی که در مسیر این بزرگواران گام نهاندند، یاد کرامت‌های اخلاقی و زیبایی‌های معنوی است. لذا این یاد سبب جذب و کشیده شدن ما به سمت آنان می‌شود و عشق و محبت به آنان را در ما تقویت می‌کند.

از این‌رو، یاد خدا وقتی با معرفت و شناخت بیشتر صورت می‌گیرد مؤثرتر و کارسازتر است. یعنی از یک طرف ما را به خوبی‌ها و زیبایی‌های او بیشتر جذب می‌کند و عشق به محبت او را در دل، افزایش می‌دهد و از طرف دیگر ما را از بدی و زشتی‌ها بیشتر متنفر می‌کند و از شیطان دور می‌نماید.

پس باید روز به روز شناخت خود را به خداوند افزایش دهیم و معرفت خود را کامل‌تر کنیم. البته شناخت ذات خداوند برای بشر امکان‌پذیر نیست زیرا او وجود مطلق و بی‌نهایتی است که در دایره ذهن محدود ما نمی‌گنجد. اما می‌توانیم صفات خدا، رابطه جهان با خدا، خالقیت خداوند، هدایتگری خداوند و موضوعاتی از این قبیل را در حد توان خود بشناسیم و با این شناخت، یاد او و عشق و محبت به او را در خود تقویت کنیم. می‌دانیم که خداوند همه صفات کمالی و زیبا را دارد و آلا توانایی عطا کردن آن‌ها را به مخلوقات نداشت و هیچ نقص و زشتی‌ای را نمی‌توان به او نسبت داد. زیرا خدای ناقص، دیگر خدا نیست و خودش نیازمند به خالق است. افزایش معرفت ما به خداوند به درک عمیق‌تر همین حقیقت بستگی دارد که تا چه میزان صفات کمالی و زیبایی او را می‌شناسیم و تا چه میزان او را از بدی‌ها و زشتی دور می‌داریم. مثلاً وقتی می‌گوییم خدایا تو رحمانی، تو قادری و تو بخشنده‌ای، چه قدر به عمق این اوصاف پی برده‌ایم و آن‌گاه که می‌گوییم خدایا تو نیازمند نیستی، تو از چیزی متولد نشده‌ای و تو مانند نداری، تا چه میزان این مفاهیم را درک کرده‌ایم. میزان درک ما در عمق بخشی به یاد خدا و عشق و محبت ما به خدا ارتباط دارد.

ابعاد یاد خدا

وقتی که درجاتی از معرفت و شناخت خداوند برای ما به دست آمد، یاد خداوند نیز متناسب با آن معرفت شکل می‌گیرد و در ابعاد زیر ظهور می‌کند:

مشغول کار و شغل خود هستیم و خلاصه به هر کاری می‌پردازیم، یاد آن امر مهم از ذهنمان خارج نمی‌شود. انسان مؤمن، که به درجه‌ای از معرفت به خداوند دست یافته و شأن و منزلت خداوند را درک کرده است، به تدریج به جایی می‌رسد که هیچ‌گاه اندیشه و قلبش خالی از حضور خدا نیست. امیرمؤمنان فرمود:

«ما رأیت شیئاً الا و رأیت الله قبله و بعده و معه»^۲

به چیزی ننگریستم، مگر این که خداوند را قبل از آن و بعد آن و همراه آن دیدم.

این حدیث، علاوه بر این که در خصوص رابطه اشیا با خداوند معنایی بسیار دقیق دارد، حاکی از حضور دائمی خداوند در اندیشه امام علی(ع) نیز هست.

ثمره و میوه حضور خداوند در ذهن و یاد هر مؤمن، تعالی روحی و اخلاقی اوست. به طور مثال، در لحظه‌ای که انسان به یاد خداست و خدا در اندیشه‌اش حضور دارد، گناه نمی‌کند؛ زیرا احساس می‌کند که خداوند در حال مشاهده اوست. در نتیجه، حیا می‌کند که در پیشگاه خداوند مرتکب گناه شود.

پس، توجه می‌کنید که مقصود از یاد خدا، صرفاً گفتن کلمات ذکر نیست، گرچه آن کلمات هم جایگاه خود را دارند و به آن‌ها هم خواهیم پرداخت؛ بلکه مقصود اصلی حضور خداوند در خاطر و اندیشه و قلب فرد است.

نتیجه روی گردانی از یاد خدا

اگر کسی از خدا غافل شود از او دوری نماید و پشت کند، شیطان که وسوسه‌کننده به بدی‌هاست، همراه و هم‌نشین او می‌گردد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» (زخرف، ۳۶):

و هر کس از یاد خدای رحمان روی برتابد، شیطانی برای او می‌گماریم که هم‌نشین او باشد.

یعنی، وقتی انسان از حق دوری کرد، به مقابل حق که همان باطل باشد روی آورده است و کسی که یاد خدا را که یاد همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، از دل بیرون نمود، کار برای شیطان آسان می‌شود و او بدی‌ها و زشتی‌ها را در قلبش زمزمه خواهد کرد.

معرفت به خدا و یاد او

در این جا لازم است توضیح دهیم که یاد هر کسی با معرفت به آن چیز رابطه و تناسب دارد. اگر شناخت و معرفتی از کسی نداشته باشیم، یاد و خاطرش برای ما مطرح نمی‌شود و موضوعیت پیدا نمی‌کند. اگر شناخت ما از آن کس این‌گونه باشد که وی دارای صفات زشت و ناپسند است، هر وقت

الف) تسبیح

تسبیح، یعنی منزّه داشتن از نقص و بدی.^۳ وقتی می‌گوییم «سبحان الله» مقصودمان این است که خدا از هر نقص و بدی به دور است و عقلاً نمی‌توان برای وجودی که آفریننده جهان است و مخلوق نیست، نقص و عیبی فرض کرد.

همه مخلوقات جهان، با هستی و عمل خود منزّه بودن خداوند از هر عیب و نقص را حکایت می‌کنند و نشان می‌دهند.

قرآن کریم می‌فرماید:

«يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

(حشر، ۲۴):

آنچه در آسمان‌ها و زمین است خداوند را تنزیه می‌کنند و او عزیز و حکیم است.

مشرکان، کسانی بودند و هستند که برای خداوند شریک قائل می‌شدند و موجودات دیگری را در خالقیت در کنار خداوند قرار می‌دادند. قرآن درباره آنان می‌فرماید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (حشر، ۲۲).

صفاتمانند زمان داشتن، مکان داشتن، جهل، مرگ، عجز، نیاز به پدر و مادر، نیاز به فرزند، ظلم، بخل، ترس و حسادت که نشانه‌های نقص یک موجودند برای خدا مطرح نیست و او از این قبیل اوصاف به دور است و همه مخلوقات به این حقیقت اعتراف می‌کنند، گرچه ما انسان‌ها متوجه نشویم.

«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (اسراء، ۴۴)

تسبیح گوی تو نه بنی آدم‌اند و بس

هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

حکیم سنایی در یکی از اشعار زیبای خود که خداوند را وصف می‌کند، در برخی از ابیات، نقص و عیب را از خدا سلب می‌کند و می‌گوید:

بری از رنج و گدازی بری از درد و نیازی

بری از بیم و امید بری از عیب و خطایی

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

نتوان شبه تو جستن که تو در وهم نیایی

تسبیح دارای سه مرحله است:

۱. **تسبیح قلبی:** یعنی منزّه دانستن خداوند از هر عیب و نقص در قلب و دل.

۲. **تسبیح زبانی:** یعنی منزّه داشتن خداوند از هر عیب و نقص در زبان و گفتار. مانند گفتن «سبحان الله» (منزّه است خدا) یا گفتن عبارت‌هایی که یکی از نقص‌ها را از خدا دور می‌کند، مانند این عبارت سنایی که می‌گوید «بری از رنج و گدازی بری از درد و نیازی».

۳. **تسبیح عملی و رفتاری:** یعنی انسان با کردار و رفتار خود نشان دهد که خداوند منزّه از عیب و نقص است. به طور

مثال، کسی که در مشکلات و سختی‌ها بر خدا توکل می‌کند و برای رفع حاجت خود در مقابل دیگران دلیل نمی‌شود و گدایی نمی‌کند، در عمل نشان می‌دهد که خداوند عاجز و ناتوان نیست و توانایی حل مشکلات او را دارد.

تسبیح قلبی، اساس و پایه دو تسبیح دیگر است. اگر انسانی در قلب خود خداوند را از نقص‌ها منزّه بدارد، در گفتار و عمل هم چنین خواهد کرد.

نماز، جلوه‌گاه تسبیح خداوند

نماز، تمرین شبانه‌روزی تسبیح خداوند است. وقتی که انسان در طول زندگی، روزانه، حداقل پنج نوبت خداوند را تسبیح کند، به تدریج این حقیقت در قلب او بیشتر جای‌گزین می‌شود. نمونه‌هایی از تسبیح در نماز عبارت‌اند از:

یکم- در سوره توحید می‌گوییم: «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

خداوند فرزند ندارد و فرزند کسی هم نیست و هیچ کس نیز مانند او نیست.

دوم- به رکوع می‌رویم و می‌گوییم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ».

پروردگار بزرگ خود را منزّه می‌دانم و او را می‌ستایم.

سوم- در سجده می‌گوییم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ».

پروردگار والا مرتبه خود را منزّه می‌دانم و او را می‌ستایم.

چهارم- در تشهد می‌گوییم «لا شریک له».

برای او شریکی نیست.

ب) حمد

حمد، به معنای ستایش کردن است.^۴ وقتی که ما در کسی خوبی و زیبایی می‌یابیم او را ستایش می‌کنیم و به آن خوبی می‌ستاییم و از الفاظی مانند «آفرین»، «به، به»، «احسنت» و «بارک الله» استفاده می‌کنیم. بنابراین، وقتی می‌توان کسی را ستود که در او خوبی و زیبایی باشد و الا یک ستودن ریاکارانه می‌شود.

اگر نقاشی زیبایی می‌بینیم و به نقاش آن آفرین می‌گوییم، اگر شعر زیبایی را می‌خوانیم و به سراینده آن درود می‌فرستیم، اگر یک محصول صنعتی را مشاهده می‌کنیم و سازنده آن را تقدیر می‌کنیم و اگر انسان‌های عالم، عدالت‌گستر و شجاع را احترام می‌کنیم، همه این کارها نمودی از ستایش است.

البته ستایش برتر و حقیقی از آن خداست. زیرا او سرچشمه همه کمالات و زیبایی‌ها و نیکی‌های جهان خلقت است. آن نقاش، صنعتگر و شاعر توان خود را از خداوند گرفته‌اند و از خود چیزی ندارند. از این رو قرآن کریم می‌فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هر ستایشی برای خداست.

مقصود از یاد خدا، صرفاً گفتن کلمات ذکر نیست، بلکه مقصود اصلی حضور خداوند در خاطر و اندیشه و قلب فرد است



حمد نیز مانند تسبیح سه مرحله دارد:

۱. **حمد قلبی:** یعنی ستایش خداوند در قلب و دل، به دلیل خوبی‌ها و زیبایی‌های او.

۲. **حمد زبانی:** یعنی ستایش خداوند در زبان و گفتار، به دلیل خوبی‌ها و زیبایی‌های او.

۳. **حمد عملی و رفتاری:** یعنی انسان با کردار و رفتار خود نشان‌دهنده زیبایی‌ها و خوبی‌های خداوند باشد. به عبارت دیگر، انسان در عمل خداگونه شود و تجلی بخش صفات کمالی و زیبایی خدا شود. انسان می‌تواند در حد توان خود تجلی بخش صفاتی مانند حیات، علم، خلاقیت، عدالت، حکمت، رحمت، مهربانی، پاکی، صداقت، عزت و تدبیر گردد و در زندگی عملی خود این اوصاف را نشان دهد.

حمد قلبی مبنای دو حمد دیگر است. هر قدر انسان در قلب و باطن خود ستایشگر خداوند باشد، در زبان و رفتار خود نیز بهتر خداوند را خواهد ستود.

نماز، جلوه‌گاه حمد خداوند

همان‌طور که در نماز خداوند را تسبیح می‌کنیم، به حمد و ستایش او هم می‌پردازیم و تکرار این کار در طول شبانه‌روز و در سال‌های عمر، سبب نفوذ این حقیقت در قلب می‌شود و وقتی که قلب جایگاه حمد خداوند گردید، در عمل و رفتار نیز تجلی می‌کند.

نمونه‌هایی از حمد در نماز عبارت‌اند از:

یکم- در سوره حمد می‌خوانیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» هر ستایشی برای خداست که پروردگار جهانیان است. «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» خدایی که مهربان و بخشنده است. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» خدایی که مالک روز جزاست.

دوم- در رکوع می‌گوییم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» پروردگار بزرگ خود را منزه می‌دانم و او را می‌ستایم.

سوم- در سجده می‌گوییم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» پروردگار والا مرتبه خود را منزه می‌دانم و او را می‌ستایم.

پس ما در عمل رکوع، هم خدا را تسبیح می‌کنیم و هم حمد او را به‌جا می‌آوریم. او را از عیب و نقص منزه می‌دانیم و به خاطر زیبایی و کمال و خوبی‌اش، او را ستایش می‌کنیم.

● دعا

دومین حکمت و فلسفه‌ای که برای نماز تعیین شده، اظهار نیاز و حاجت و به درگاه خداوند و درخواست برآوردن حاجات از اوست. در حدیث نبوی (ص) آمده است: «الدَّعَاءُ مَخَّ الْعِبَادَةِ» دعا مغز عبادت است. (بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰) دعا و درخواست از خداوند، ریشه در نگرش توحیدی انسان مسلمان دارد. انسان مسلمان می‌داند که خالق و آفریننده جهان

خداست و اوست که هم‌اکنون و هر لحظه در حال اداره و تدبیر عالم هستی است و نظام جهان با علم و تدبیر او سامان یافته و با قدرت و اراده او ایجاد می‌شود. در این صورت، قدرتی در عالم نیست که بتواند مانع اراده الهی شود یا با خداوند مشارکت نماید. بنابراین، اوست که حاجات ما را می‌تواند برآورده سازد و به نیازهای ما پاسخ دهد. خداوند می‌فرماید:

البته، چون همواره علم ما ناقص و کوتاه است و از عواملی که سبب منفعت یا زیان حقیقی ما می‌شوند به طور کامل اطلاع نداریم،

أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (غافر، ۶۰): بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.

همچنین چگونگی درخواست از خداوند را آموزش می‌دهد؛ از جمله این که می‌فرماید:

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا (اعراف، ۱۸۰):

نیکوترین نام‌ها از آن خداست، پس او را با آن نام‌ها بخوانید. در هنگام دعا و نیایش، می‌توانیم خداوند را با نام‌های نیکویش صدا بزنیم و از او درخواست خود را طلب کنیم، به‌خصوص اگر بتوانیم اسمی را به کار ببریم که با درخواست ما تناسب داشته باشد. مثلاً بگوییم:

ای غفار، از گناهان من درگذر.

ای ستار، خطاهای مرا ببوشان.

ای منتقم، انتقام ستمدیدگان را از ظالمان بگیر.

ای علیم، ما را به زیور علم آراسته گردان.

یا مقلب القلوب، ثبت قلبی علی دینک.

همچنین می‌فرماید:

أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً (اعراف، ۵۵): پروردگار خود را با

حالت تضرع و زاری و در نهان بخوانید.

حالت زاری و تضرع، نشان‌دهنده عمق نیاز است. کسی واقعاً نیازمند چیزی است، هر چه این نیاز برای او مهم‌تر باشد، حالت تضرع او افزایش می‌یابد؛ یعنی وقتی که تشنگی و طلب فزونی گرفت، تضرع و زاری به دنبال آن می‌آید و آن‌گاه که این تشنگی و طلب حاصل شد، رسیدن به آب، ارزشمندی خاص پیدا می‌کند و اثر حیات‌بخش آن بر جان انسان تشنه می‌نشیند. بنابراین، تضرع، علامت آن تشنگی حقیقی است.

آب کم جو تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالا و پست

دعای نهانی، دعای با حضور قلب و بدون ریا و دورویی است.

البته خواندن برخی دعاها به صورت جمعی، منافاتی با نهانی بودن آن ندارد. مثلاً هنگامی که انسان در مجلس دعای کمیل شرکت می‌کند و با دیگران دعا را زمزمه می‌نماید، هماهنگ با دیگران خدا را می‌خواند و در همان حال، نیازهای شخصی خود

● دوری از فحشاء و منکر

از مهم‌ترین آثار و ثمرات نماز، دور شدن انسان نمازگزار از فحشاء و منکر است. البته این تأثیر بستگی دارد به چگونگی برگزاری نماز. به همان میزان که نماز با کیفیت بهتر و با حضور قلب بیشتر و با رعایت آداب و شرایط برگزار شود، تأثیر آن در دور شدن انسان از گناهان نیز بیشتر است. به همین جهت، چه بسا افرادی نماز می‌خوانند، اما تأثیر چندانی بر رفتار آنان ندارد. کم‌بودن تأثیر، به سبب آن است که نماز آن‌ها فقط در حد رفع تکلیف است و از کیفیت مطلوب برخوردار نیست.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَ اقِمِ الصَّلَاةَ، إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت، ۴۵):

نماز به پا دار، همانا که نماز دورکننده انسان از فحشاء و منکر است.

فساد و فحشاء با وسوسه شیطان و نفس اماره به بدی، به تدریج وارد خانه دل می‌شود و اگر انسان با او مبارزه نکند و او را بیرون نراند، در دل لانه می‌کند و بیرون کردن آن بسیار مشکل می‌شود. خداوند به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مواظب شیطان باشید که شما را نفریبد و به فساد و گناه گرفتار نسازد. شیطان، اولین‌بار که تصمیم به فریب حضرت آدم و حوا گرفت، می‌خواست از همین راه فساد وارد شود.^۱ قرآن کریم توضیح می‌دهد که شیطان می‌خواست کاری کند که آن‌ها برهنه شوند و عورت‌هایشان آشکار شود تا زمینه فساد و تباهی پدید آید. اما آدم و حوا که ابتدا فریب شیطان را خوردند و از میوه ممنوعه تناول کردند، فوراً خود را با برگ‌های درختان پوشاندند و مانع بی‌عفتی شدند. در حقیقت، بی‌حیایی و بی‌عفتی اولین راه فریب شیطان و آلوده کردن آدمیان به فساد است. البته شیطان راه‌های فراوان دیگری هم دارد. شیطان، بعد از آن که از درگاه خداوند رانده شد، سوگند یاد کرد که از راست و چپ و جلو و عقب در کمین انسان می‌نشیند و او را به گناه وسوسه می‌کند. خداوند به انسان‌ها هشدار می‌دهد که: ای فرزندان آدم مبدا شیطان فریبتان دهد و شما را از راه راست بیرون برد. او و گروه او از جایی که آن‌ها را نمی‌بینید وارد می‌شوند. آنان که کارهای زشت می‌کنند و می‌گویند چون دیگران انجام می‌دهند، ما هم انجام می‌دهیم، اینان در دام شیطان افتاده‌اند. هر عملی که خداوند آن را منع کرده و حرام دانسته است، «منکر» نامیده می‌شود. بنابراین منکر با حرام مساوی است. برخی از منکرها زشتی بزرگ و آشکار دارند که از این جنبه «فحشاء» نامیده می‌شوند.

چگونه نماز انسان را از گناه باز می‌دارد؟

برای رسیدن به پاسخ باید به حقیقت نماز و شرایط آن از قبیل شرایط لباس و بدن و مکان نمازگزار توجه کنیم. اگر

را در درون خود با خدا در میان می‌گذارد. شرکت در مجالس دعا، حال تضرع دعا را افزایش می‌دهد، همان‌طور که شرکت در نماز جماعت، حال و هوای معنوی خاصی ایجاد می‌کند.

در موضوع دعا، مباحث زیادی مانند شرایط پذیرش دعا، بهترین زمان‌ها برای دعا و آداب دعا وجود دارد که چون اصل این مقاله مربوط به دعا نیست، نمی‌توانیم به آن‌ها بپردازیم. همین قدر می‌گوییم که معصومین بزرگوار ما فرموده‌اند یکی از بهترین اوقات دعا، پایان نماز است.

امام باقر(ع) فرمود: «چون نمازت به پایان رسید، به نیایش و دعا بکوش»^۲

امام صادق(ع) فرمود: «سه وقت است که نیایش و دعا به درگاه خداوند حاجب و مانع ندارد: بعد از نمازهای واجب، هنگام نزول باران و آن‌گاه که نشانه اعجاز آمیزی از خداوند در زمین ظاهر شود.»^۳

نماز، جلوه‌گاه دعا

گرچه اجزای اصلی نماز را «یاد خدا»؛ یعنی «تسبیح» و «حمد» تشکیل می‌دهد، اما خداوند نماز را به گونه‌ای تشریح فرموده است که انسان در میان تسبیح و حمد، به دعا نیز بپردازد. نمونه‌هایی از دعا در نماز عبارت‌اند از:

۱. وقتی که سوره حمد را در نماز می‌خوانیم، به این

جملات می‌رسیم:

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ. (سوره حمد، ۶ و ۷): خدایا ما را به راه راست و استوار راهنمایی فرما، راه کسانی که به آنان نعمت بخشیدی، نه راه آنان که بر آن‌ها خشم گرفتی و نه راه گمراهان.

۲. قنوت، یکی از اعمال مستحبی نماز است که بر آن تأکید فراوان شده است. در هنگام قنوت، دست‌ها را در مقابل صورت بالا می‌بریم و دعا می‌خوانیم.

امام صادق(ع) فرمود: «هیچ بنده‌ای دست به جانب خدای عزیز بالا نمی‌برد، جز این که خداوند حیا می‌کند آن دست را خالی و پوچ برگرداند. از این‌رو آنچه می‌خواهد از فضل خویش در آن دست قرار می‌دهد. بنابراین هرگاه یکی از شما دست به دعا برداشت، به پایین نیآورد، جز این که به صورت خود بکشد.»^۴

۳. در تشهد، پس از حمد الهی و شهادت به یگانگی خداوند و بندگی و رسالت پیامبر اکرم(ص)، برای آن حضرت و اهل بیت گرامی ایشان دعا می‌کنیم و می‌گوییم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست.

همچنین مستحب است که پس از ذکر رکوع و سجده، صلوات بفرستیم.



انجام دهد و سایر افراد جامعه نیز مانند او همه روزه این کار را بکنند و مثل او نسبت به نماز اهتمام بورزند، طبعاً جامعه‌ای به‌دور از گناهان کبیره شکل خواهد گرفت.

آری توجه به خدا در چنین محیطی و از چنین افرادی، طبیعتاً باید انسان را از هر گناه کبیره و هر عملی که دین آن را زشت می‌داند، از قبیل قتل نفس، تجاوز به جان‌ها و به مال یتیمان، زنا و لواط باز دارد، و نه تنها از ارتکاب آن‌ها، بلکه حتی از تلقین آن نیز جلوگیری کند.^{۱۱}

از این بیان علامه چند نکته به دست می‌آید:

۱. چون انسان زندگی اجتماعی دارد، هر قدر تعداد بیشتری از افراد جامعه به اقامه نماز بپردازند، تأثیر نماز افزایش می‌یابد.
 ۲. هر مؤمنی، علاوه بر تربیت خود و برپایی نماز، باید بکوشد که جامعه خود را یک جامعه دینی سازد. تا نماز در جامعه اقامه شود و جامعه به یک جامعه مؤمن ارتقا یابد.
 ۳. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر یکی از وظایف انسان نماز گزار است. زیرا نماز گزار واقعی، نه تنها فحشاء و منکر را از وجود خود بیرون می‌کند، بلکه می‌کوشد که آن را از جامعه پیرامونی خود نیز بیرون نماید و خود و خانواده و جامعه خود را موحد و یکتاپرست سازد.
- همان‌طور که مقاله را با سخنی از رسول خدا (ص) آغاز کردیم، با این سخن از ایشان نیز آن را به پایان می‌بریم که فرمود:

«نمازهای روزانه مانند چشمه‌ساری است که مردم روزی پنج بار خود را در آن شست‌وشو می‌دهند.»^{۱۲}

پی‌نوشت

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹، ح ۵
۲. علم‌الباقین، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹
۳. جهان‌بینی توحیدی، استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۸۰ و ۸۱
۴. جهان‌بینی توحیدی، استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۸۰ و ۸۱
۵. جامع احادیث الشیعه، ج ۵، ص ۳۵۶، ح ۳۳۸۱
۶. همان، ص ۳۵۸، ح ۳۳۸۴
۷. جامع احادیث الشیعه، ج ۵، ص ۳۱۹
۸. اعراف، ۱۱ تا ۳۳
۹. تفسیر المیزان، ذیل آیه ۴۵، سوره عنکبوت
۱۰. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳
۱۱. تفسیر المیزان، ذیل آیه ۴۵، سوره عنکبوت
۱۲. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۲۷

منابع

۱. سر الصلاة، امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲. راز نماز، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء
۳. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۲، انتشارات صدرا
۴. راز نماز، محسن قرائنی مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۵. آداب نماز، امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۶. حکمت عبادات، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء
۷. اسرار الصلاة، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، انتشارات کیش مهر

مسلمانی شرایط نماز را به درستی رعایت کند و بکوشد که نماز را به صورت صحیح و با حضور قلب اقامه کند، در آن صورت است که آثار نماز در رفتار و کردارش ظاهر می‌شود و تأثیر گذار خواهد شد. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید: «اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند و در انجام آن تا حدی نیت صادق داشته باشد، این ادامه در کوتاه مدت به طور مسلم باعث می‌شود که ملکه پرهیز از فحشاء و منکر در او پیدا شود؛ به طوری که فرضاً اگر یک فرد، دیگری را موکل بر خود کند که دائماً ناظر احوالش باشد، و او را چنان تربیت کند که این ملکه در او پیدا شود و به زیور ادب عبودیت آراسته گردد، قطعاً تربیت او مؤثرتر از تربیت نماز نیست و به بیش از آنچه نماز دستور می‌دهد، دستور نخواهد داد.»^۹

اگر نماز را کوچک بشماریم و نسبت به آنچه در نماز انجام می‌دهیم، درک صحیح داشته باشیم و با توجه و حضور قلب نماز بخوانیم، نه تنها از گناهان، که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. اگر در انجام به موقع نماز در طول شبانه‌روز بکوشیم، بی‌نظمی را از خود دور خواهیم کرد.

اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، از آلودگی‌های ظاهری حفظ خواهیم شد. اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نماز گزار را به دقت رعایت کنیم، به کسب درآمد از راه حرام متمایل نخواهیم شد. حتی از مالی که آغشته به مال حرام است، دوری خواهیم کرد. اگر در تکبیرهای خود در نماز به بزرگی و عظمت خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، دیگران در نظر ما کوچک خواهند شد و جای خدا را در دل نخواهند گرفت.

امام علی (ع) درباره مؤمنان حقیقی می‌فرماید:

«عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^{۱۰}

«خدا در نفس آنان بزرگ است، پس غیر خدا در چشم آنان کوچک.»

اگر در رکوع و سجود، قلب خود را هم در مقابل خداوند خاضع کنیم و بدانیم که فقط اوست که لایق سجده کردن است، در مقابل مستکبران و ستمگران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

اگر عبارت «اهدنا الصراط المستقیم» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دیگران دل نخواهیم بست.

اگر عبارت «غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» را با توجه بگوییم، خود را در زمره کسانی که خداوند بر آن‌ها خشم گرفته است یا راه حق را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد.

مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید: «این عمل، مخصوصاً که مؤمن آن را در هر روز پنج بار به‌جا بیاورد و در طول زندگی ادامه دهد و البته اگر آن را همه روزه در یک جامعه صالح دینی



گرچه اجزای اصلی نماز را «یاد خدا» یعنی «تسبیح» و «حمد» تشکیل می‌دهد، اما خداوند نماز را به‌گونه‌ای تشریح فرموده است که انسان در میان تسبیح و حمد، به دعا نیز بپردازد

احکام نماز

حجت الاسلام محمود متوسل آرانی
کارشناس مسئول گروه تعلیم و تربیت دینی دفتر تألیف کتب درسی



مقدمه

انجام هر یک از دستورات دینی، به شکل درست و کامل، نیازمند شناخت احکام و آداب آن است. احکام، واجبات، یک عمل، مانند نماز، با روزه را بیان می کند و آداب، مستحبات آن را. در قرآن کریم و روایات اسلامی، بیشترین احکام و آداب، مربوط به اقامه نماز است که رکن دین شمرده شده است.

فقههای اسلام، این دستورات را استخراج نموده و در قالب رساله های توضیح المسائل در اختیار عموم نمازگزاران قرار داده اند. طبیعی است هر مسلمانی وظیفه دارد با انتخاب یکی از فقههای واجد شرایط و تهیه رساله او، با وظایف دینی به درستی آشنا شود و براساس آن عمل کند و نمی تواند به شنیده ها و دیده های خود از دیگران استناد کند و آن را ملاک عمل خود قرار دهد.

در این مختصر، تلاش شده است تا مسائل مورد نیاز و مبتلا به عموم مردم در امر نماز و مقدماتی همچون وضو و غسل استخراج گردد و براساس شماره مسئله یا سؤال مرتب شود...

مسائل وضو و غسل

مسئله ۲۴۸، در وضو، شستن صورت و دستها مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و بیشتر از آن، حرام است و اگر با یک مشت آب، تمام عضو شسته شود یک مرتبه حساب می شود، چه قصد بکند یک مرتبه را یا قصد نکند.

مسئله ۲۵۰، یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است، جای مسح است و هر جای این قسمت را به اندازه مسح کند کافی است. اگرچه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته، مسح نماید.

مسئله ۳۱۹، کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد مس نماید. هم چنین است بنا بر احتیاط واجب، مس اسم مبارک پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام.

مسئله ۳۲۹، اگر نمی شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و زحمت و مشقت هم ندارد، باید آب را به روی زخم برساند و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد بدون زحمت و مشقت، باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد یا آن که رساندن آب به روی زخم ممکن نیست یا زخم نجس است و نمی شود آن را آب کشید، باید اطراف زخم را بشوید و اگر جبیره پاک است روی آن را مسح کند و اگر جبیره نجس است یا نمی شود روی آن را دست تر کشید، مثلاً دوابی است که به دست می چسبد، پارچه پاک را، به طوری که جزء جبیره محسوب شود، روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر هم ممکن نیست، احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید.

توضیح: چیزی که با آن زخم و جای شکسته را می بندند و دوابی که روی زخم و مانند آن می گذارند جبیره نامیده می شود. مسئله ۳۶۱، در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست و سپس طرف چپ بدن را بشوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسئله به این ترتیب عمل نکنند، غسل او باطل است. برای آن که یقین کند هر سه قسمت، یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده است، باید هر قسمتی را که می شوید مقداری از قسمت های دیگر را هم با آن قسمت بشوید.

مسائل نماز

مسئله ۷۵۱، مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اول وقت نزدیک تر باشد بهتر است، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند. مسئله ۷۵۲، هر گاه انسان عذری دارد که اگر بخواند در اول وقت نماز بخواند، ناچار است با تیمم نماز بخواند، چنانچه بداند یا احتمال دهد که عذر او تا آخر وقت باقی است، می تواند در اول وقت نماز بخواند.

❖ مسئله ۷۵۶، اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است، نمی تواند نیت را به نماز عصر برگرداند بلکه باید نماز را بشکند و نماز عصر را بخواند و همین طور است در نماز مغرب و عشا.

❖ مسئله ۷۸۱، نماز مستحبی را می شود در حال راه رفتن و سواری (در ماشین، قطار، هواپیما و کشتی) خواند و اگر انسان در این دو حال، نماز مستحبی بخواند لازم نیست رو به قبله باشد.

❖ مسئله ۷۸۹، زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند ولی پوشاندن صورت (به مقداری که در وضو شسته می شود) و دست ها تا مچ و پاها لازم نیست. اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند و در حضور نامحرم پاها را نیز باید بپوشاند.

❖ مسئله ۸۶۱، اگر لباس های کوچک نماز گزار مثل عرقچین و جوراب که نمی شود با آنها عورت را بپوشاند نجس باشد، چنانچه از مردار و حیوان حرام گوشت درست نشده باشد نماز با آنها صحیح است و نیز اگر با انگشتری نجس نماز بخواند اشکال ندارد.

❖ مسئله ۴۳۲، زنی در اثنای نماز متوجه می شود که مقداری از موهایش پیداست و فوراً آن را می پوشاند، آیا نماز خود را باید دوباره بخواند یا خیر؟
ج: تا زمانی که ظاهر شدن مو عمدی نباشد، اعاده واجب نیست.

س: ۴۴۲: به دست کردن انگشتر طلا توسط مردان، به خصوص در نماز، چه حکمی دارد؟

ج: دست کردن انگشتر طلا برای مردان در هیچ حالی جایز نیست و نماز با آن هم بنا بر احتیاط واجب، باطل است.

❖ مسئله ۸۸۹، بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست و احتیاط در نماز نخواندن در آنجاست لیکن اگر خواند نمازش باطل نیست.

❖ مسئله ۹۱۳، وقتی انسان وارد مسجد می شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند کافی است.

❖ مسئله ۹۹۵، اگر در جایی که باید نماز را بلند خواند عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد صحیح است.

❖ مسئله ۱۰۰۵، در رکعت سوم و چهارم نماز می تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید، یعنی سه مرتبه بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله

اکبر» (و اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه بگوید کافی است) و می تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند. در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.

❖ مسئله ۱۰۸۶، اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و بدون این که مهر را بردارد دوباره به سجده رود اشکال دارد، بلکه نماز باطل است و باید اعاده کند.

س ۴۸۸، آیا طلب حاجات به زبان فارسی اشکال دارد؟

ج: دعا در قنوت به زبان فارسی اشکال ندارد، بلکه هر داعی را در قنوت می توان به هر زبانی خواند.

س ۴۸۹، سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک چه حکمی دارد؟

ج: سجده و تیمم بر آن دو اشکال ندارد. اگر چه احوط ترک تیمم بر سیمان و موزائیک است.

❖ مسئله ۱۱۳۸، انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی جواب سلام را به قدری طول دهد، که اگر جواب بگوید جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشد نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد، جواب دادن واجب نیست.

❖ مسئله ۱۱۶۴، اگر پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید که اذان یا اقامه را فراموش کرده است، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، مستحب است برای گفتن آنها نماز را بشکند

س ۵۰۴، گاهی هنگام خواندن نماز واجب متوجه کودکی می شویم که در حال انجام کار خطرناکی است، آیا جایز است بعضی از کلمات سوره حمد یا سوره دیگر یا بعضی از ذکرها را بلند بخوانیم تا کودک یا کسانی که در خانه هستند، متوجه شوند و خطر رفع گردد؟ اگر هنگام قیام نماز دست یا ابرو را برای فهماندن چیزی به کسی یا در جواب سؤال او تکان دهیم، آن نماز چه حکمی دارد؟

ج: اگر بلند کردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران، موجب خروج از هیئت نماز نشود، اشکال ندارد. مشروط به این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد، و حرکت دادن دست یا چشم و ابرو اگر مختصر و به نحوی باشد که با استقرار و آرامش یا هیئت نماز منافات نداشته باشد، موجب بطلان نماز نمی گردد.

❖ مسئله ۱۱۷۹، اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شک کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نکند.

● مسئله ۱۱۸۰، اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست، ولی اگر پیش از گذشتن وقت، شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، باید آن نماز را بخواند بلکه اگر گمان کند که خوانده، باید آن را به جا آورد.

● مسئله ۱۱۹۲، اگر امام جماعت در شماره رکعت‌های نماز شک کند، مثلاً شک کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، چنانچه مأوم یقین یا گمان داشته باشد که چهار رکعت خوانده است و به امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است، امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت خوانده است و مأوم در شماره رکعت‌های نماز شک کند، باید به شک خود اعتنا نماید.

● مسائل ۱۱۶۵، ۱۱۹۹، شک در شماره رکعت نمازهای دو رکعتی و سه رکعتی نماز را باطل می‌کند و در نمازهای چهار رکعتی ابتدا باید فکر کند، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کرد همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند. در شک میان سه و چهار باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد.

● مسئله ۱۲۱۵، کسی که نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و فقط سوره حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید و بعد از تشهد سلام دهد.

● مسئله ۱۲۳۸، برای حرفی که از آه کشیدن و سرفه پیدا می‌شود، سجده سهو واجب نیست، ولی اگر مثلاً سهواً آخ یا آه بگوید، باید سجده سهو نماید.

● مسئله ۱۲۴۴، اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و به جا آورد.

● مسئله ۱۲۵۰، دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بهتر است بگوید: «بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر را که گفته شد بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.

● مسئله ۱۳۴۳، مسافری که قصد کرده است ده روز در محلی بماند، اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود، چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد، روزه‌اش صحیح است و تا وقتی در آنجا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر یک نماز چهار رکعتی نخوانده باشد روزه آن روزه صحیح است، اما نمازهای خود را باید شکسته

بخواند و روزه‌های بعد هم نمی‌تواند روزه بگیرد.

● مسئله ۱۳۵۴، مسافری که می‌خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند، اگر بعد از آن که نه روز یا کمتر در آنجا ماند، بخواند دوباره نه روز دیگر یا کمتر بماند همین طور تا سی روز، روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.

● مسئله ۱۳۶۲، اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید، باید شکسته به جا آورد و اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضای آن نماز بر او واجب نیست.

● مسئله ۱۳۸۴، کسی که نماز قضا از همین روز یا روزهای پیش دارد می‌تواند قبل از خواندن نمازی که قضا شده نماز ادایی را بخواند و لازم نیست نماز قضا را جلو بیندازد.

● مسئله ۱۳۸۸، نماز قضا را با جماعت می‌شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلاً اگر نماز قضا صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.

● مسئله ۱۴۰۳، وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را افرادی خوانده دوباره با جماعت بخواند و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده، نماز دوم او کافی است.

● مسئله ۱۴۲۱، اگر مأوم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده یا کافر بوده، یا به جهتی نمازش باطل بوده مثلاً بی‌وضو نماز خوانده، نمازش صحیح است.

● مسئله ۱۴۲۷، اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگر چه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش به‌طور جماعت صحیح است و یک رکعت حساب می‌شود. اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد نمازش به‌طور فردی صحیح است و باید آن را تمام نماید.

● مسئله ۱۴۶۰، موقعی که مأوم نیت می‌کند، باید امام را معین نماید. ولی دانستن اسم او لازم نیست، مثلاً اگر نیت کند اقتدا می‌کنم به امام حاضر، نمازش صحیح است.

● مسئله ۱۴۸۹، مکروه است مأوم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.

● مسئله ۱۵۳۳، بعد از مرگ انسان، می‌شود برای نماز و عبادت‌های دیگر او که در زندگی به جا نیاورده است، دیگری را اجیر کنند یعنی به او مزد دهند که آنها را به جا آورد.

پی‌نوشت

* یادآوری می‌شود که نظر سایر مراجع نیز در این مسائل دیده شده و عموماً با نظر حضرت امام (ره) تفاوتی نداشته یا جزئی و اندک بوده است.

منبع

امام خمینی، توضیح المسائل دو جلدی (محشی)، انتشارات جامعه مدرسین قم

مقدمه

آیه شریفه «الابدکار الله تطمئن القلوب» (رعد، ۲۸/۱۳) حکایت از آن دارد که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد. دل پایگاه نفس آدمی است و آن‌گاه که دل آرام گیرد، نفس انسان نیز اطمینان می‌یابد. پس برای داشتن دلی آرام و قلبی مطمئن باید به ذکر باری تعالی پرداخت. ذکر اکبر خدا نیز نماز است و قرآن می‌فرماید: «و لذكر الله اكبر» (عنكبوت، ۴۵/۲۹)، نتیجه آن که چون گویندگان ذکر الهی، که دل‌هایی آرام و نفوسی مطمئن دارند، در کنار هم قرار می‌گیرند و خانواده‌ای را شکل بخشند، آن خانواده از آرامش برخوردار است و در آن خانه آرامش، صفا و صمیمیت موج می‌زند و مالا مال از نور خداست.

در خانه ما رونق اگر نیست صفا هست

هر جا که صفا هست در آن نور خدا هست

نماز خواندن و انجام عبادت، برای نمازگزار آرامش روانی پدید می‌آورد و دل مؤمن را امنیت می‌بخشد. آن‌هایی که در برگزاری نماز توفیق بیشتری داشته‌اند، به آرامش بیشتری نیز دست یافته‌اند. از جمله آن‌ها که علاوه بر انجام فرایض، مبادرت به خواندن نوافل نیز نموده‌اند، در بررسی‌های موردی از آن‌ها آرامش بیشتری را گزارش کرده‌اند و همین باعث شده است تا دیگران را نیز به انجام نوافل توصیه کنند. سخن چنین کسانی این است:

برخیز که عاشقان به شب راز کنند

گرد در و بام دوست پرواز کنند

هر در که بود فراز بر خود بندند

الا در دوست را که شب باز کنند

آنان خلوت عبادت خالص در شب و رازگویی با خداوند عالمیان را دریافته‌اند، چرا که شب فرصتی مناسب‌تر برای عبادتی بی‌ریاست. قرآن می‌فرماید: «ان ناشئة اللیل هی اشد وطأ و اقوم قلیلاً» (مزمّل، ۶/۷۳) پس فقط صاحبان خلوص و عاشقان عبادت خدا، شیرینی راز و نیاز با او را درمی‌یابند و می‌توان گفت:

شرح این واقعه را مرغ سحر داند و بس

تو چه دانی که شب سوختگان چون گذرد

پس برگزاری نماز به‌طور مداوم و محافظت بر آن، رمز دست یافتن به آرامش روانی است. اینک به اختصار برخی از نقش‌های نماز را در ایجاد آرامش روانی مرور می‌کنیم:

کلیدواژه‌ها: نماز، آرامش روانی، انسجام خانوادگی،

عزت‌نفس



در خانه ما رونق اگر نیست صفا هست

نماز آرامش روانی خانواده

دکتر محسن ایمانی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

● ترک گناه

آدمی آن گناه که به سجاده می‌نشیند تا با خدا راز گوید، باید هوشیار باشد. چرا که قرآن می‌فرماید: «لا تقرّبوا الصلّاة و انتم سکاری» (نساء، ۴۳/۴)، هنگامی که مست هستید، نزدیک نماز نشوید. پس لازمه مقبولیت و پذیرش نماز، دور بودن از ناهشیاری و مستی است.

نماز آدمی را از فحشا و منکرات باز می‌دارد. «انّ الصلّاة تنهی عن الفحشا و المنکر» (عنکبوت، ۴۵/۲۹) شرب خمر، مستی، غفلت و دیگر گناهان و آلودگی‌ها در پرتو نماز محو و نابود می‌شوند. با حذف گناهان فضای روح و روان انسان پاک و مصفا می‌شود و در نتیجه آرامش و اعتماد به نفس به دست می‌آید. نماز شست‌وشوگر روان از گناه است و قلبی که در آن تاریکی گناه نباشد از آرامش و اطمینان و صفا لبریز می‌شود. چنان که پیامبر(ص) فرموده انسانی که نمازهای پنج‌گانه را به جای می‌آورد، مانند آن است که هر روز در رودی پنج بار شنا کرده و از آلودگی‌ها به در آمده است. پس نماز مانع ابتلا به آلودگی و گناهان است و نیز به سبکی بار گناه آدمی می‌انجامد. زیرا قرآن می‌فرماید: «انّ الحسنات یذهبن السیئات» (هود، ۱۱/۱۴): به درستی نیکی‌ها، بدی‌ها و گناهان را می‌زدایند و از بین می‌برند و نماز یکی از برترین حسنات است.

پس احساس گناه را می‌توان عامل ایجاد اضطراب و ناامنی و گناه‌نکردن یا انجام عملی که گناه و احساس گناه را تخفیف بدهد و وسیله ایجاد آرامش دانست. در این صورت، اگر فردی گناهی مرتکب شد انجام نماز، که یکی از حسنات ممتاز است، گناه او را تخفیف می‌دهد و آدمی در اثر گناه‌نکردن یا داشتن احساس تخفیف گناه، آرامش پیدا می‌کند. بنابراین، نماز عامل مهمی در جهت دست یافتن به آرامش روانی است و چون این امر در خانه رخ دهد و یکایک اعضای خانواده نمازگزار باشند، همگی در خانه از آرامش روانی برخوردار می‌شوند و در پناه آن با موفقیت زندگی می‌کنند، زیرا احساس گناه در همه آنان کاهش می‌یابد.

امروزه مسئله بزهکاری، به‌ویژه بزهکاری‌های نوجوانان در سراسر جهان، با ترویج فرهنگ خواندن نماز و گسترش آن علاج‌پذیر است و لاقبل می‌توان آن را به میزان قابل توجهی کاهش داد. تجارب نگارنده در کانون اصلاح و تربیت تهران نیز حاکی از آن است که در میان بزهکارانی که در کانون نگهداری می‌شدند، نوجوانان نمازگزار کمتر بودند. پس بیایید با توجه دادن به نوجوانان و دیگر اعضای خانواده به نماز، تحقق بخشیدن به خانواده‌ای بسامان را زمینه‌سازی نماییم. چرا که با مرتکب‌نشدن جرم توسط اعضای خانواده، آرامش بر آن حکم فرما می‌شود و دیگر کسی نگران ارتکاب جرم توسط دیگری نیست و از عاقبت بد دیگری نمی‌هراسد، زیرا که نماز آنان را از فرجام بد مصون داشته است.

● وحدت شخصیت و انسجام خانوادگی

خواندن نماز موجب دست یافتن به وحدت شخصیت می‌شود. شخصیت برخوردار از توحید به گونه‌ای است که جنبه‌های گوناگون آن با یکدیگر در تضاد نیستند. یعنی فرد آنچه که در اعتقاد به آن باور دارد، در عمل نیز براساس همان باورها عمل می‌کند و چون این‌گونه رفتار می‌کند در خود تضاد نمی‌یابد و در نهایت به یک‌پارچگی (خویشتن) می‌رسد به نحوی که جنبه‌ای از شخصیت فرد، جنبه دیگر شخصیت او را تأیید می‌کند و انسان به هنگام برخورد با او احساس می‌کند که با فردی هماهنگ و بسامان مواجه شده است. حال باید پرسید نماز چگونه موجبات تحقق وحدت را در شخصیت آدمی فراهم می‌آورد؟ انسان مؤمن به هنگام نماز سخن از خدای واحد و یگانه به میان می‌آورد، او را الله خطاب می‌کند و رب عالمیان می‌نامد (آیه قل هو الله احد به نحو بارزی حکایت از وحدت باری تعالی دارد). (اخلاص، ۱/۱۱۲) و همین باور داشتن به خدای یگانه، پیام‌آور وحدتی درونی برای آدمی است. آنچه که باعث تشمت و تفرقه می‌شود، ایمان داشتن به خدایان و ارباب گوناگون است. قرآن می‌فرماید:

أرباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار؟ (یوسف، ۳۹/۱۲)
آیا داشتن رب‌های متفرق خوب است یا ایمان داشتن به خداوند واحدی که قهار است؟ قرآن وجود خدایی جز خدای یگانه را نفی می‌کند و می‌فرماید: «لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدنا» (انبیاء، ۲۲/۲۱). بر فرض محال، اگر چنین می‌شد درون آدمی نیز به علت تعدد آله به فساد دچار می‌شد و آنان که اکنون، به وجود ارباب متفرق قائل‌اند، از وحدت درونی بی‌بهره و در شخصیت خود دارای تضادند.

اعضای خانواده نیز اگر همه با یکدیگر به اقامه نماز بپردازند و همه به وحدت درونی دست یابند، در بیرون نیز با یکدیگر همگونی و هماهنگی خواهند داشت و همین آرامش روانی را برای آنان در پی خواهد داشت، زیرا نه با یکدیگر تضاد دارند و نه والدین با فرزندان خویش اختلافی جدی خواهند داشت. سؤال این است که چه کسانی بیشتر فرزندان را در اضطراب مضاعف قرار می‌دهند؟ آن‌ها که در درون خویش تضادی دارند یا آن‌ها که با دیگری دارای تضاد هستند. نماز، تضادهای درونی فرد را کاهش می‌دهد. زیرا که به شخصیت فرد وحدت و یک‌پارچگی می‌بخشد و دیگر آن که افراد وحدت یافته در سایه نماز را با یکدیگر منسجم و متحد می‌سازد. لذا بین آن‌ها تفرقه و تضادی جدی و عمیق وجود ندارد و تعارض مهم هم در خانواده دیده نمی‌شود. بنابراین، در اثر نبود تعارض، در محیط خانه کمتر شاهد بروز اضطراب خواهیم بود. به این ترتیب امنیت بیرونی در محیط خانواده حاصل امنیت درونی اعضای آن است که در پرتو انوار الهی ظهور و بروز پیدا می‌کند.

پیامبر(ص) فرموده انسانی که نمازهای پنج‌گانه را به جای می‌آورد، مانند آن است که هر روز در رودی پنج بار شنا کرده و از آلودگی‌ها به در آمده است



آن‌ها شکرانه بازوی توانا را گرفتن دست ناتوان می‌دانند و دست افتادگان را به هنگام ایستادن می‌گیرند و به این ترتیب آن‌ها که از اعتماد به نفس بیشتری برخوردارند، در محیط خانواده، زمینه افزایش اعتماد به نفس را در دیگر اعضای خانواده فراهم می‌کنند تا آن‌ها هر چه بیشتر استعداد های خویش را به کار گیرند و به درجه بالاتری از شناخت معبود و عبادت دست یابند و به خود شکوفایی برسند، به نحوی که همه استعدادها و توانایی‌های خویش را برای عبادت خدا به فعلیت برسانند. نماز در این راه نقش مدد رسانی را بر عهده دارد. انسانی که به خود شکوفایی رسیده از آرامش بیشتری برخوردار است. اولیای الهی مصداق بارز چنین حالتی هستند، زیرا توانسته‌اند همه توان خویش را در راه عبادت معبود به کار گیرند.

● بالارفتن عزت نفس

پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نماز را معراج مؤمن می‌داند و می‌فرماید: الصلاة معراج المؤمن (بحار الانوار، ۳۰۳/۷۹). انسانی که عروج یافته و اوج گرفته از عزت نفس برخوردار است. عزت نیز با رفتن به پیشگاه معبود حاصل می‌شود و به تعبیر سعدی انسان جز با رفتن به درگاه الهی عزت نمی‌یابد.

عزیزی که از درگهش سر بتافت
به هر در که شد هیچ عزت نیافت

و اگر می‌گویند «عزت طلب و بزرگی آموز» همه حکایت از آن دارد که آدمی برای عزتمندی خویش ارزش فراوانی قائل است و آن‌ها که نفس خویش را دارای عزت می‌دانند به خطاها و امور ناپسند کمتر تن می‌دهند. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته» (بحار الانوار، ۷۸/۶۷): هر کس که نفسش در پیشگاه او ارزشمند باشد شهوات در نزد او خوار و بی‌مقدار است.

کارل راجرز که بنیان‌گذار روش مشاوره غیرمستقیم است، اظهار می‌دارد دانش آموزی که از عزت نفس بالاتری برخوردار است کمتر تن به تقلب می‌دهد، برعکس اگر شخص احساس بی‌ابرویی کند، راحت‌تر تن به ارتکاب جرم می‌سپارد. نماز، که آدمی به هنگام ادای آن سر بر آستان معبود می‌ساید و پیشانی خویش را به رسم تواضع و بندگی به خاک می‌گذارد، باعث می‌شود تا موجبات رستگاری انسان فراهم شود. این سجده که خضوع (تواضع بدنی) است و خشوع (تواضع قلبی)، به اعتلای آدمی می‌انجامد. «قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون» (مؤمنون، ۱/۲۳). در اثر بندگی آدمی به مقامی بالا و والا می‌رسد و به قول صائب تبریزی:

ذره به آفتاب رسید از فتادگی
بنگر که از کجا به کجا می‌توان شدن

نماز، تضادهای درونی فرد را کاهش می‌دهد. زیرا که به شخصیت فرد وحدت و یک پارچگی می‌بخشد و دیگر آن‌که افراد وحدت یافته در سایه نماز را با یکدیگر منسجم و متحد می‌سازد



پس نماز می‌تواند وحدت و امنیت درونی و بیرونی را فراهم آورد و محیط خانواده را متحد و یک پارچه سازد تا همگی به راحتی بتوانند به ریسمان الهی چنگ زنند و متفرق نگردند «و اعتمصوا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» (آل عمران، ۱۰۳/۳). در این صورت، ملاحظه می‌شود افرادی که به وحدت درونی دست یافته‌اند در وحدت بخشیدن به محیط بیرونی (که یکی از مصداق‌های آن خانواده است) توفیق بیشتری دارند و وحدت در خانواده یکی از رموز آرامش آن است.

● افزایش اعتماد به نفس

نماز خواندن موجبات افزایش اعتماد به نفس را فراهم می‌آورد، زیرا وقتی آدمی با خدا سخن می‌گوید از او استعانت می‌جوید (ایاک نعبد و ایاک نستعین) (فاتحه، ۵/۱) و توان بیشتری را در خود احساس می‌کند که ناشی از اتکالی به خدای تعالی است و داشتن چنین نقطه اتکالی اعتماد به نفس را در فرد افزایش می‌دهد. او در این حال خود را به سان قطره‌ای می‌داند که با دریا پیوند خورده است.

قطره دریاست اگر با دریاست
ور نه او قطره و دریا دریاست

به این ترتیب درمی‌یابیم که آدمی از خویشستن مفهوم بهتری خواهد داشت و تصور وی از خود در مرتبه بالاتری قرار می‌گیرد و مفهوم خود در نزد او تعالی می‌یابد و این همه موجب افزایش اعتماد به نفس در فرد می‌گردد. از سوی دیگر خواندن نماز باعث افزایش موفقیت‌های او در زندگی می‌شود. زیرا نماز، نقش مدد رسانی دارد، چنان که قرآن می‌فرماید و استعینوا بالصبر و الصلاة (بقره، ۴۵/۲): از نماز و روزه کمک بجوید. انسان برخوردار از امدادهای ناشی از اقامه نماز، فردی موفق‌تر است و موفقیت‌های روزافزون، اعتماد به نفس و افزایش آن را در پی دارد و نماز گزاران پیوسته امیدوار به امدادهای الهی هستند. اولیای الهی که خوب نماز می‌خوانند، نه می‌ترسند و نه محزون می‌شوند «الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (یونس، ۶۲/۱۰): و آدمی که نه می‌ترسد و نه محزون است، از آرامش روانی برخوردار است.

در محیط خانواده‌ای که اعضای آن نماز را برپا می‌دارند و همگی دارای اعتماد به نفس اند فضای آرامی حاکم است و اعتماد به نفس یکدیگر را تقویت می‌نمایند. آنان همچون ظروف مرتبطی هستند که به هنگام برداشتن آب از یکی از آن ظرف‌ها، ظرف‌های دیگر جای خالی آن را پر می‌کنند، با این تفاوت که در اینجا، اعتماد به نفس خود آنان کاهش نمی‌یابد. در حالی که وقتی ظرف‌های مرتبط، جای خالی شده آن ظرف را پر می‌کنند، از میزان موجود آبشان کاسته می‌شود.

و سعیدی رمز برخورداری از فیض را افتادگی می‌داند و می‌گوید:

افتادگی آموز اگر طالب فیضی

هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

پس تواضع در مقابل خالق رمز کمال آدمی است و انسان برخوردار از کمال در همه‌جا و از جمله در محیط خانواده احترام دیگران را پاس می‌دارد و نیاز به داشتن عزت‌نفس و برخورداری از احترام، به نظر «مازلو» یکی از نیازهای اساسی روانی آدمی است که با تأمین آن سلامت روانی انسان تأمین می‌گردد، به نحوی که او را از تعادل روانی برخوردار می‌سازد.

در خانه‌ای که پیر و جوان و کودک و خردسال همه از احترام و عزت‌نفس بهره گرفته‌اند همه می‌توانند از آرامش روانی برخوردار باشند. در خصوص احترام به پیران و کودکان پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - می‌فرماید: «لیس منا من لم یرحم صغیرنا و لم یوقر کبیرنا» (مستدرک الوصائل، ۳۹۸/۸): از ما نیست کسی که به کودکان ما ترحم و لطف نکند و بزرگ‌ترهای ما را محترم نشمارد. پس در خانه‌ای که همه در برابر معبود متواضع‌اند و حرمت یکدیگر را نمی‌شکنند، همه از عزت‌نفس برخوردارند و ضمن برخورداری از آرامش روانی تن به جرائم نیز نمی‌دهند. اما دور شدن از وادی بندگی و انجام ندادن فرایض دینی، آدمی را به بندگی این و آن می‌کشاند و این در اثر نداشتن آگاهی و بصیرت است و اقبال لاهوری در وصف آنان می‌گوید:

آدم از بی‌بصری بندگی آدم کرد

گوهری داشت ولی صرف قباد و جم کرد

گویی از خوی غلامی ز سگان پست‌تر است

من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم کرد

انسان‌های ره‌یافته جز بر درگاه معبود ازلی سر نسایند و پیوسته به عبادت او می‌شتابند. علی - علیه‌السلام - فرمود: لا تکن عبید غیرک لقد جعلک الله حراً: بنده دیگری مباش به‌درستی که خدا تو را آزاده آفریده است. هم‌چنین خداوند عزت را از آن خود، رسول خود و بندگان مؤمن خویش می‌داند و می‌فرماید: و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین (منافقون، ۸/۶۳).

● معنا دادن به زندگانی

ویکتور فرانکل که خود بنیان‌گذار مکتب معنا‌درمانی است، در کتاب خود که آن را «انسان در جست‌وجوی معنا» نامیده است، بر این باور است که انسان آن‌گاه از سلامت روانی برخوردار می‌شود و آن‌گاه آرامش را لمس می‌کند که در زندگانی خود احساس معنا کند. او در وهله نخست عشق را عامل ایجاد چنین معنایی می‌داند و عشق به یک آرمان و عشق به دیگری

موردنظر اوست. او خود می‌نویسد یک‌بار یک عالم یهودی، که معنای زندگانی را از دست داده بود، نزد آمد و من با ایمانی که در وجودش بود زندگی او را معنی‌دار ساختم. او به درمانگرها توصیه می‌کند که در موقع درمان بیماران روانی تلاش کنید که زندگی آن‌ها را معنی‌دار نمایید. زیرا بیمار روانی کسی است که معنای زندگی را از دست داده است.

عبادت و نماز نیز می‌تواند زندگی آدمی را معنا بخشد و برای آدمی حیاتی طیب را فراهم آورد که مالا مال از معناست. قرآن در این خصوص می‌فرماید: «من عمل صالحاً من ذکر او انشی و هو مؤمن فلنحیینه حیاة طیبة» (نحل، ۹۷/۱۶): هر کسی، اعم از زن و مرد، عمل صالح انجام دهد او را به حیاتی پاک و طیب زنده می‌گردانیم.

فرانکل می‌گوید: آنان که دارای زندگی معنی‌دار بودند، افراد مقاومی بودند که خود را تسلیم مرگ و خودکشی نمی‌کردند. یعنی عشق به زندگی آنان معنا داده بود و او رمز پایداری آنان را در عاشق بودن آن‌ها می‌داند. چه نیکو گفته است حافظ:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است در جریده عالم دوام ما

برترین عشق نیز عشق به خالق است و نزدیک‌ترین حالت آدمی به خداوند هنگامی است که سر به سجده می‌نهد. در اینجاست که می‌توان به یکی از رازهای طولانی بودن سجده‌های امام زین‌العابدین - علیه‌السلام - پی برد و سخنان پر حلاوت عشق را خوش و زیبا تفسیر نمود و به قول حافظ گفت:

از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند

پس نماز، که برترین جلوه‌های عشق را به نمایش می‌گذارد، می‌تواند در خانواده، زوجین را به یکدیگر علاقه‌مند و عطوف نماید و آنان که عشاق خدایند، جلوه‌های دیگر خالق را نیز دوست می‌دارند و به همسر و فرزندان خویش به مثابه نشانه‌های خالق می‌نگرند و در میان آن‌ها عشق و علاقه فراوان است و به تعبیر قرآن «رحماء بینهم» (فتح، ۲۹/۴۸) را مدنظر قرار می‌دهند و چون به شکرگزاری معبود می‌پردازند، نمی‌توانند نسبت به مخلوق خدا شاکر نباشند. چرا که «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق». در خانه‌ای که تشکر و سپاس‌گزاری از یکدیگر وجود داشته باشد دل‌سردی‌ها و ناپایداری‌ها ره نمی‌یابد و این ابزار عشق و علاقه و سپاس و تشکر احساس تعلق به جمع خانواده را پدید می‌آورد، که یکی دیگر از نیازهای اساسی روانی است که با تأمین آن تعادل و بهداشت روانی فرد تحقق می‌یابد. نماز، اگرچه به معنای بندگی در برابر خالق است، اما دل آدمی را رقت می‌بخشد و او را به سوی محبت به مخلوق سمت و سو می‌دهد و جمعی صمیمی را در محیط خانه پدید می‌آورد،



چرا که اگر مسلمان از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - الهام نگیرد و رقیق القلب نباشد، اعضای خانواده و دیگران از گرد او پراکنده می‌شوند و قرآن خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: «لو كنت فظا غليظ القلب لا نفصوا من حولك» (آل عمران، ۱۵۹/۳): ای پیامبر هر آینه اگر تو سخت دل بودی مردم از گرد تو می‌پراکنند.

وجود دل‌های پر محبت و با صفا کانون خانواده را گرم و روابط عاطفی را در آن مستحکم می‌سازد و آدمی در برخورد با افراد صمیمی و مهربان کمتر احساس آزرده‌گی و سرخورده‌گی می‌کند و خود را در محیطی آرام و سرشار از روابط گرم می‌یابد، زیرا عبادت و نماز به زندگی او معنا داده و آرامش بخشیده است.

● کاهش فشارهای (استرس‌های) روانی

نماز موجب کاهش استرس‌های می‌گردد و فشارهای روحی را کم می‌کند. زیرا آن‌گاه که آدمی در برابر خالق متعال می‌ایستد و لب به نماز و دعا می‌گشاید و او را رحمن و رحیم خطاب می‌کند، امید به رأفت و رحمت در دلش موج می‌زند و آن‌گاه که اشک ندامت از چشمانش جاری می‌شود و دردهای خویش را با خدا باز می‌گوید، پالایش روانی انجام می‌شود و انسان خود را سبک‌تر از قبل می‌یابد، چون به بندگی خدا تن می‌دهد و با تأکید می‌گوید: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (فاتحه، ۵/۱): فقط تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو یاری می‌جوییم. در این صورت، وی شانه را از فشار بار بندگی غیر، خالی می‌کند. زیرا این استرس و فشار ناشی از بندگی غیر خداست که آدمی را می‌آزارد. لذا آن‌گاه که شهادت می‌دهد که خدایی غیر از خدای یکتا نیست «اشهد ان لا اله الا الله» احساس آرامش می‌کند.

در نماز اذکاری وجود دارد که آدمی با بیان و تکرار آن کلمات ارزشمند و تلقین آن‌ها بر نفس خود، به آرامش می‌رسد و بهداشت روانی او تأمین می‌گردد. افراد فاقد استرس‌های روانی، در خانواده و در برخورد با دیگران فشار و دشواری کمتر متوجه آنان می‌شود و خانواده نیز از فضایی آرام و کم استرس برخوردار می‌گردد.

درمان یا کاهش افسردگی

آن‌کس که خوب و نیکو نماز می‌گذارد، کمتر دچار افسردگی می‌شود. فردی که به افسردگی مبتلا شده است نیز می‌تواند با استعانت از نماز، میزان افسردگی خود را کاهش دهد. بیان چنین اثری برای نماز به معنای آن نیست که افراد افسرده جهت درمان نیازی به روان‌شناسی یا روان‌پزشک ندارند، بلکه در حین بهره‌گرفتن از روش‌های روان‌درمانی از نماز و عبادت نیز می‌توانند برای کاهش یا درمان افسردگی خود بهره‌گیرند. پژوهش‌های انجام شده نیز حکایت از صحت این ادعا دارد.

اریک فروم در کتاب روان‌کاوی و دین می‌نویسد: نیاز دینی نیاز به یک الگوی جهت‌گیری و مرجعی برای اعتقاد و ایمان است و هیچ‌کس را نمی‌توان یافت که فاقد این نیاز باشد. تجلی این نیاز را در حین انجام نماز به خوبی می‌توان دید. تأمین چنین نیاز راه یافتن به سلامت را زمینه‌سازی می‌کند و یافته‌های محققین نیز مؤید این مدعاست.

چنان‌که پژوهشگرانی در سال‌های اخیر در جوامع اسلامی مثل ایران و مالزی جهت اتخاذ شیوه‌ی روان‌درمانی برای بیماران مسلمان مبتلا به مشکلاتی نظیر اضطراب، افسردگی و داغدیدگی دست به تجربه تازه‌ای زده‌اند. مطالعات تجربی آنان نشان می‌دهد که با به‌کارگیری روان‌درمانی مثل استفاده از آموزش‌های قرآنی و احادیث و ترغیب به نماز و دعا و ذکر، که یک نوع مراقبه است و بحث درباره موضوعات مذهبی بیماران، نسبت به گروه مشابهشان که درمان‌های غیرمذهبی دریافت داشته‌اند، به بهبود بیشتر و درمان سریع‌تری دست می‌یابند (اظهر ۱۹۹۵ و ارمه و ذاراب ۱۹۹۴ و ابهری ۱۳۷۵).

آدمی به هنگام اقامه نماز، در برابر خالق می‌ایستد و با خدای خویش غم دل باز می‌گوید. مثلاً در حین قنوت می‌گوید اللهم اغفر لی الذنوب التي تحبس الدعاء (مصباح‌الکفعمی، ۵۵۵): خداونداه، آن گناهانم را که باعث حبس دعا شده‌اند ببخش یا می‌گوید: اللهم اغفر لی الذنوب التي تنزل البلاء (همان): خداونداه، آن گناهانی از مرا ببخش که موجب نزول بلا شده‌اند. بیان این خواسته‌ها و نیازها و بازگفتن رازها و طلب مغفرت همگی موجبات کاهش غم می‌شود و آدمی به هنگام بیان غم‌ها احساس می‌کند که سبک می‌شود و امری تحقق می‌یابد که روان‌شناسان به آن پالایش روانی می‌گویند و این حالت موجب کاهش افسردگی فرد می‌شود و اگر آدمی پیوسته با خدای خویش راز و نیاز کند و غم دل باز گوید، هرگز مبتلا به افسردگی نمی‌شود، چنان‌که اولیای الهی نه می‌ترسند و نه محزون می‌شوند. یعنی در آنان حزن و افسردگی راه ندارد و اگر کسانی افسرده و حزين هستند، راز آن را باید در فاصله‌های بیابند که از اولیای الهی دارند و به تعبیر دیگر فاصله بیشتری از خدا دارند و گفته‌اند:

دوست نزدیک‌تر از من به من است

وین عجب‌تر که من از وی دورم

پس در خانه‌ای که همه نماز گزارند و همه غم‌های خویش را با خدا باز می‌گویند، همه از افسردگی به دورند و از سلامت روانی برخوردارند.

در خانه‌ای که همه در برابر معبود متواضع‌اند و حرمت یکدیگر را نمی‌شکنند، همه از عزت نفس برخوردارند و ضمن برخورداری از آرامش روانی، تن به جرائم نیز نمی‌دهند



منبع

مجموعه مقالات نماز و خانواده (شانزدهمین اجلاس سراسری نماز)، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۸۷



احمد محفوظی
پژوهشگر و نویسنده

هرگز حدیث حاضر و غایب شنیده‌ای نقش نماز در روابط اجتماعی

مقدمه

انسان موجودی است مدنی‌الطبع و چند بعدی. فطرتش او را به طیف‌گرایی می‌کشاند و او را از درون‌گرایی به برون‌گرایی گسیل می‌دارد. هجرت آدم از جنت و سکونت در ارض و سیر مراحل کوچ به روستا، شهرک، شهر و دست‌یابی به تمدن و تشکیل انجمن، شورا و مجمع، نظریه جمع‌گرایی را تأیید می‌کند. گرچه «نماز» ارتباط انسان با خداوند منان است، عامل پیوند و هم‌بستگی انسان‌ها با یکدیگر نیز هست. در طول تاریخ یک قانون و یک سنت حاکم بوده است و آن این‌که روابط اجتماعی افراد یک مجموعه که بر اساس مادیات و جذب منافع، استوار بوده است دوامی نیافته و چند صباح بعد، شیرازه آن‌ها از هم گسیخته است. لیکن ارتباطات جمعی که بر پایه خدا و خدا محوری استوار بوده و مفاهیم:

۱. و اعتمسوا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا (آیه ۱۰۳، سوره

به تعبیر مقام معظم رهبری، نماز یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه‌روز است، به انسان برنامه می‌دهد و از او تعهد می‌خواهد، به روز و شبش معنا می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد



آل عمران)

۲. یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون (آیه ۲۰۰، سوره آل عمران)
را جزو دستور کار جمع خود قرار داده است، علاوه بر ایجاد حس اعتماد بین مجموعه، پایداری را در پی داشته است. مظهر اعلای این ارتباط جمعی را در مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)، که از اقوام و ملل با زبان‌های متفاوت گرد می‌آیند، مشاهده می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: نماز جماعت، ارتباط جمعی، انضباط اجتماعی

راهکارهای اجرایی ارتباط جمعی در پرتو نماز
عوامل ذیل و راز و رمزهای نماز به منزله راهکارهای اجرایی در تحقق ارتباط جمعی مرتبط با نماز قلمداد شده

است:

(۱) نقل است پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - بعد از اتمام نماز، روبه مأمومین می نشست تا بعد از ارتباط با خدا، ارتباط عاطفی با مخلوق هم پیدا شود و اگر مأمومی دیده نمی شد، سراغ او را می گرفتند، در صورتی که بیمار یا گرفتار بود، مشکل او را مرتفع می ساختند. (۲) سفارش شده است دست خالی به مسجد نروید، زیرا نیازمندانی که به مسجد مراجعه می کنند نومید از خانه خدا بیرون نروند. پرداخت زکات مال به فقرا، به همراه اقامه نماز، جمع بین حسن هاست. عملکرد حضرت علی - علیه السلام - که در حال رکوع، انگشترش را به سائل داد، تأییدی بر ایجاد عاطفی بین مصلی و مستمند است (قرائتی: ۸۳)

(۳) در سوره شوری، آیه ۳۸ در بیان صفات مؤمنین آمده است: «والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون» به مشورت، پس از امر برپایی نماز اشاره شده و قطعاً مشورت و شورا وابسته به یک مجموعه است و تسهیل روابط جمعی را در پی خواهد داشت. در دوران قیام ملت علیه طاغوت، در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۶ مشورت، در مسجد صورت می گرفت.

(۴) انسان به غیر از برادر تنی، به برادر دینی هم نیاز دارد و بر اساس آیه ۱۱، سوره توبه، مشرکین، اگر توبه کنند و نماز برپای دارند و زکات را پرداخت کنند در جایگاه برادر دینی قرار خواهند گرفت. یکی از پل های ارتباطی برای وصول به سیستم برادر دینی، نماز است.

(۵) ارزش انسان این گونه توصیف شده: انسان مخلوقی است که به همراه خلق به سوی خالق، هم سو با طبیعت و خلقت، حرکت می کند و نماز این توصیف را معنی می بخشد.

(۶) مصلی اگر نماز فردای بخواند با زبان خود می گوید: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» فقط تو را عبادت می کنیم و فقط از تو کمک می جوئیم. بیان این گونه، از اتصال انسان با دیگران حکایت می کند (تفسیر نمونه، ج ۱: ۴۴). اگر این گونه نمی بود باید می گفت: «ایاک اعبد و ایاک استعین». همین نماز گزار که به تنهایی نماز می خواند، به لحاظ ارتباط با هم نوعان و خیرخواهی برای همگان، می گوید «اهدنا الصراط المستقیم» ما را به راه راست هدایت کن. همین بیان بندگان خواهی در سلام آخر نماز نیز مشهود است: «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» سلام بر نماز گزاران و بر بندگان نیکوکار خداوند. شهید مطهری می فرماید: «در سوره حمد که جزء قطعی نماز



مظهر اعلاى این ارتباط جمعی را در مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) که از اقوام و ملل با زبان های متفاوت گرد هم می آیند، مشاهده می کنیم

است می گوئیم: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» خدایا ما تنها تو را می پرستیم، خدایا ما تنها از تو کمک و استعانت می جوئیم. یعنی می گوئیم: خدایا من تنها نیستم، من با همه مسلمان های دیگر هستم. ضمناً انسان، وابستگی و پیوستگی خودش به جامعه اسلامی را در حال عبادت و بندگی اعلام می کند. خدایا، من فرد نیستم، تک نیستم، من عضوم، جزئی از کل و عضوی از پیکر هستم. «ما هستیم، نه من». در دنیای اسلام «من» وجود ندارد «ما» وجود دارد. (گفتارهای معنوی: ۵ - ۹۴).

(۷) اقامه گر نماز با همه بندگان صالح خدا اعلام صلح و صفا می کند. اعلام همزیستی مسالمت آمیز با همه افراد شایسته می کند. در حال نماز می گوید: من با هیچ بنده شایسته ای سر جنگ ندارم، چون اگر با بنده شایسته ای سر جنگ داشته باشم خود ناشایسته ام.

(۸) در مسئله ۱۴۰۲ رساله توضیح المسائل امام (ره) آمده است: مستحب است که انسان صبر کند نماز را به جماعت بخواند. نماز جماعت، از نماز اول وقت فرادی که آن را طول بدهند، بهتر است. این سه معیار، حاکی از عنایت ویژه به ارتباط جمعی و ارتباط انسان هاست و جماعت بر تکروی رجحان دارد.

(۹) برای اتصال قطره به دریا، شارع مقدس توصیه می کند زمانی که جماعت برپا می شود و نماز گزار نمازش را فرادا خوانده است، آن را با جماعت اعاده کند (مسئله ۱۴۰۳، توضیح المسائل امام رحمه الله علیه).

(۱۰) نماز گزارانی که به بیماری و سواس مبتلا هستند مرض آنها با دوی نماز جماعت حل می شود، به این طریق می فرماید: کسی که در نماز و سواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از سواس راحت می شود، باید نماز را با جماعت بخواند (همان، مسئله ۱۴۰۵).

(۱۱) در عید فطر که شادمانی روزه داران بعد از یک ماه روزه داری فراهم می شود، شارع مبین توصیه می کند نماز عید را در زمان غیبت امام - علیه السلام - به جماعت و به قصد رجاء بخوانند (همان، مسئله ۱۴۰۷)، همین سفارش در عید قربان نیز به چشم می خورد تا پیوند نماز گزاران عید قربان استحکام بیشتری یابد.

(۱۲) «یدالله مع الجماعه»، در بینش فقهی برای رفع خشک سالی و نزول باران و فرود آمدن رحمت الهی از آسمان، به نماز استسقاء فرمان می دهد تا دل های شکسته مردمان، دفع صد بلا بکنند. گرچه نمازهای مستحبی از جماعت استثناست، ولی جماعت مردم در نماز استسقاء توصیه شده اند تا با نماز جماعت دل ها را بیشتر به هم پیوند دهند (همان، مسئله ۱۴۰۷).

۱۳) در بخش نامه فقهی، اصل جماعت است و فردی گویی فرع. هر گاه نماز گزار به نماز مستحبی اشتغال دارد و از سوی دیگر نماز جماعت برپا شد در صورتی که اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت می‌رسد، به وی اجازه داده است نماز مستحبی را رها کند و به دریا بپیوندد یعنی مشغول نماز جماعت شود.

۱۴) فرامین مستحبی، پیرامون اقامه نمازهای واجب به صورت جماعت حاکی از داشتن ثواب مضاعف، به طوری که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت از نمازش ثواب ۱۵۰ نماز را دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعت آنها ثواب ۶۰۰ نماز دارد، یا حاضر نشدن به جماعت، از روی بی‌اعتنایی جایز نیست و شایسته نیست که نماز گزار بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند. این‌ها همه از نقش کاربردی نماز بر محور ارتباط جمعی حکایت می‌کند.

راهکارهای اجرایی انضباط اجتماعی در پرتو نماز

قبل از ارائه راهکارهای اجرایی انضباط اجتماعی، ضروری است واژه «انضباط» را بررسی کنیم. انضباط از باب انفعال در فرهنگ‌های لغات به معانی ذیل آمده است:

۱. سامان گرفتن، خوب نگاه داشته شدن، نظم داشتن؛
۲. سامان‌پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب؛
۳. پیروی کامل از دستورهای نظامی، «دیسپلین در زبان فرانسوی DISCIPLINE» مقابل بی‌انضباطی (فرهنگ معین)؛
۴. پیوستگی (غیاث اللغات)؛
۵. نظم و انتظام و ترتیب و درستی، عدم هرج و مرج (فرهنگ ناظم الاطباء).

در اسرار الصلوة، تألیف حاج میرزا جواد ملکی تبریزی (ترجمه رضا رجب‌زاده)، ص ۴۹۱ آمده است:

حکمت اصلی در تشریح نماز جماعت، اتحاد قلوب مؤمنین در امر خداست و برای این اتحاد، فواید بسیاری از قوت اسلام و مسلمین و غیر آن، است. گذشته از این، نماز جماعت در تکمیل نفوس و قوت آنها در سیر الی‌الله و جلب فیوضات الهی، بسیار مؤثر است.

مثل اجتماع قلوب، مثل اتصال آب‌های قلیل به یکدیگر است که چون به یکدیگر متصل شوند از صورت آب قلیل در می‌آیند و کر می‌شوند، که دیگر به اندک نجاستی، طهارتش را از دست نمی‌دهد.

مسئله نظم، در زندگی یک اصل است و نظم، عامل پیشرفت و بی‌نظمی، عامل شکست انسان‌ها در طول حیات بوده است.

شخص بی‌نظمی که خود را به موقع به ایستگاه راه‌آهن نرساند لکوموتیو و قطار از دسترسی او خارج می‌شود. داوطلب بی‌نظمی که خود را به موقع به جلسه آزمون ورودی دانشگاه نرساند، از ورود به دانشگاه محروم می‌گردد.

در سوره ماعون می‌خوانیم «فویل للمصلین، الذین هم عن صلاتهم ساهون» وای بر نماز گزارانی که در عمل به نمازشان بی‌نظم‌اند، نه ارزش برای آن قائل‌اند، نه به اوقاتش اهمیت می‌دهند، نه ارکان و شرائط و آدابش را رعایت می‌کنند و نماز را از وقت فضیلتش به تأخیر می‌اندازند. (تفسیر نمونه، ج ۲۷: ۳۶۵).

اما راهکارهای اجرایی ذیل، تقویت و انسجام انضباط اجتماعی را موجب می‌شود:

۱) وقت‌شناسی برای برپائی نمازهای یومیه در موعد مقرر و آن هم تأکید بر احراز دخول وقت، در انسان ایجاد نظم می‌کند.

۲) اگر نماز گزار پیش از وقت، نماز بخواند و در بین نماز بفهمد که به موقع شروع نکرده است چون بی‌نظمی کرده تنبیه می‌شود و نمازش باطل اعلام می‌گردد (توضیح المسائل امام، مسئله ۷۴۵).

۳) اگر مصلی نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب عمدا بخواند چون ترتیب را به هم زده است نمازش باطل است (همان، مسئله ۷۵۵).

۴) چنانچه نماز گزار، ترتیب نماز را، که خود یک اصل است، عمداً به هم بزند، فی‌المثل سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، چون مرتکب بی‌نظمی شده، نمازش از درجه اعتبار، ساقط می‌گردد. رعایت موالات هم در نماز، از این قاعده مستثنا نیست. نماز گزار نباید بین اجزای نماز همانند رکوع، سجود و تشهد به اندازه‌ای فاصله بیندازد که بگویند نماز نمی‌خواند (همان، مسئله ۱۱۴).

۵) اطاعت مأموم از امام، انضباط اجتماعی را در افراد پرورش می‌دهد. مأموم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید. (مسئله ۱۴۶۷). نباید عمداً پیش از امام به رکوع و سجود برود. در این صورت مرتکب معصیت شده است ولو نمازش را صحیح منظور نمایند (مسئله ۱۴۷۰). چنانچه پیش از امام، سهواً سر از رکوع بردارد و امام هم در حال رکوع باشد، به منظور ایجاد نظم و وحدت در بین نماز گزاران، باید به رکوع برگردد. هر چند رکوع، رکن است و افزایش رکن، باعث ساقط شدن نماز از درجه اعتبار می‌شود. در اینجا ارفاق شده است و نماز مأموم را باطل اعلام نمی‌کنند (مسئله ۱۴۷۱).

برای اتصال قطره به دریا، شارع مقدس توصیه می‌کند زمانی که جماعت برپا می‌شود و نماز گزار نمازش را فرادا خوانده است، آن را با جماعت اعاده کند



۶) اگر در صف‌های جماعت جا باشد، کراهت دارد انسان تنها بایستد (مسئله ۱۴۸۸) در دریا، گروهی که با هم شنا کنند صحیح نخواهد بود شناگری در گوشه‌ای تنها شنا کند. قطعاً به هنگام خطر جان سالم به‌در نخواهد برد.

۷) نماز، انسان را از کار زشت و فحشا باز می‌دارد. اگر انسان نماز خواند و مرتکب فحشا و منکر شد از نداشتن نظم و هماهنگی بین دل و زبان او سرچشمه می‌گیرد، به قول سعدی:

هرگز حدیث حاضر و غایب شنیده‌ای؟

من در میان جمع و دلم جای دیگرست.

۸) در آیه ۳۱، سوره اعراف می‌خوانیم: «خذوا زینتکم عند کل مسجد»، زیرا زینت مساجد جلوه‌ای از آراستگی و انضباط اجتماعی است (قرآنی، ص ۱۰۲).

۹) پاک‌ی از مصادیق آراستگی و اصول انضباطی است. لباس نمازگزار باید پاک باشد، اگر کسی عمدتاً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش مردود و مطرود است (توضیح المسائل امام، مسئله ۷۹۹).

۱۰) پرهیز نمازگزار از لباس غضبی، زمنیه رعایت حقوق و نظم اجتماعی را فراهم می‌کند. در صورت بی‌توجهی به غضب و عمد در کار، نمازش محلی از اعراب نخواهد داشت (همان، مسئله ۸۱۵).

۱۱) به هنگام پرداختن به غسل جنابت به منظور آماده شدن برای نماز، چنانچه نمازگزار از سیستم غسل ترتیبی استفاده نکند و عمدتاً به ترتیب سر و گردن، طرف راست و طرف چپ بدن را نشوید غسل او پذیرفته نخواهد بود (همان، مسئله ۳۶۱).

۱۲) حضور یافتن مردم در نماز جمعه و رعایت آداب آن علاوه بر ایجاد ارتباط جمعی بین نمازگزاران، با برپائی همایش عبادی - سیاسی مردم و گردهمایی معنوی آنان، به ما درس انضباط اجتماعی و وحدت و استواری می‌آموزد.

۱۳) ویل دورانت مورخ و دانشمند آمریکائی، درباره زیبایی نماز، در جوامع اسلامی که نشئت گرفته از انضباط اجتماعی است، در کتاب «تاریخ تمدن، عصر ایمان» می‌گوید: در جامعه‌های اسلامی، مؤذن از گلدسته بالا می‌رود و به وسیله اذان مسلمانان را به نماز دعوت می‌کند. به راستی چه نیرومند و شریف است که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می‌کند. چه خوب است انسان به هنگام نیم‌روز از کار باز ایستد و چه بزرگ و باشکوه است که خاطر انسان در سکوت شب به جانب خداوند توجه کند. چه خوش آهنگ است صدای مؤذن که جان‌های محبوس در پیکر خاکی را به سوی خالق بخشنده و مهربان دعوت می‌کند. هنگام نماز، هر مسلمانی باید از کار خود دست

بردارد، خود را تطهیر کند، رو به جانب کعبه بایستد و رسوم و تشریفات نماز را به همان صورت که مسلمانان دیگر، در اوقات مختلف روز عمل می‌کنند به انجام برساند (نماز از دیدگاه دانشمندان...، ص ۳۰).

۱۴) در راه تحقق بخشیدن به انضباط اجتماعی، عوامل بازدارنده‌ای همانند اعتقاد به امتیازات نژادی و طبقاتی و ملی‌گرایی وجود دارد. نماز، این عوامل بازدارنده را از میان برمی‌دارد زیرا در صفوف نماز، نمازگزاران از هر نژاد، رنگ و ملیت که باشند برابرند. در کنار هم بر خاک می‌افتند و با هم برمی‌خیزند (نماز، مؤسسه در راه حق، بخش اول).

۱۵) به تعبیر مقام معظم رهبری، نماز یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه‌روز است، به انسان برنامه می‌دهد و از او تعهد می‌خواهد، به روز و شبش معنا می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد. جمع‌بندی راهکارهای اجرایی در تسهیل روابط جمعی و تقویت انضباط اجتماعی، می‌تواند فرهنگ بی‌تفاوتی را، که یکی از ابزارهای موفقیت دشمن در زمینه تهاجم فرهنگی اوست، حذف نماید و به عبارت دیگر، حذف فرهنگ بی‌تفاوتی از طریق راهکارهای اجرایی نماز، موجب استمرار و بیمه انقلاب اسلامی و حاکمیت صالحان و خنثی شدن ترفند دشمنان اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهد شد. حسن ختام این نوشتار را با حسن مطلع این عبارت به پایان می‌بریم که زندگی بدون نماز، یعنی حیات بدون تحرک، سرباز بدون اسلحه، آبشار بدون آب، کوه بدون قله، هوای بدون اکسیژن، آتش بدون حرارت و باد بدون برودت.

در زندگی بدون نماز، انسان به‌صورت میت متحرک، ماشین کوکی و همانند عشق دروغین درمی‌آید. آخرین نظریه فلاسفه شرق و غرب این عبارت است که انسان در زندگی مادی، زمانی از پوچی و سرگردانی نجات می‌یابد که به دامان «نماز» پناه ببرد.*

حکمت اصلی در تشریح نماز جماعت، اتحاد قلوب مؤمنین در امر خداست و برای این اتحاد، فواید بسیاری از قوت اسلام و مسلمین و غیر آن، است



پی‌نوشت

مجموعه مقالات نماز و زندگی (هشتمین اجلاس سراسری نماز)، انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۷۷

منابع

۱. امام خمینی (ره)، توضیح المسائل
۲. قرآنی، محسن، ۱۱۴ نکته درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۷۲
۳. کارگر، رحیم، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۷۵
۴. شهید مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی
۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه
۶. مؤسسه در راه حق، نماز، قم، ۱۳۶۱

لحظه‌ای که سراب در

دریا غرق می‌شود

نقش نهادهای تربیتی در فرهنگ‌سازی اقامه‌ نماز

دکتر فریال آمار
دکترای ادبیات فارسی



مقدمه

اقم الصلوة لذکری: نماز بخوانید تا یاد مرا زنده کنید.^۱ دین پدیده‌ای آسمانی است که روی آوردن به آن ریشه در فطرت دارد و با سرشت انسانی درهم آمیخته است. لذا دین‌خواهی و دینداری یکی از شاخصه‌های رفتار انسانی در هر زمان و مکان قلمداد شده است.

الا بذکر الله تطمئن القلوب؛ یاد خدا دل‌ها را مطمئن می‌کند.^۲

انسان عصاره هستی و دارای قوا و استعداد‌های مختلف است. مهم‌ترین ویژگی انسان، جنبه الهی و ملکوتی اوست که او را در کل نظام هستی ممتاز نموده و محور نظام خلقت قرار داده است. از آنجا که انسان موضوع تربیت است و موجودی اثرگذار و اثرپذیر و دارای قدرت اختیار، انتخاب و اراده آزاد است، برای شکوفایی و به فعلیت رسیدن قوا و استعداد‌های فطری‌اش، نیاز به تربیت دارد و تنها تربیت دینی است که می‌تواند نیازهای مختلف او را

تأمین کند و زمینه تکامل همه جانبه او را به خصوص در بعد معنوی و الهی فراهم نماید. نماز، از میان مؤلفه‌های گوناگون تربیت دینی، از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است زیرا بهترین ابزار رام‌کننده طبیعت و احیای فطرت است.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، اقامه نماز، خانه، مدرسه، دوره‌های تحصیلی

جامعه و فرآیند اقامه نماز

الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر^۳
عوامل تربیتی به صورت یک چرخه در تربیت تأثیر می‌گذارند و همه آنها می‌توانند در سایه تربیت دینی در کنار یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل داشته باشند. از آنجا که تکامل معنوی مردم جزء حقوق اجتماعی شهروندان محسوب می‌شود، اولین مسئولیت در جامعه، ایجاد ارتباط

برای حصول مقصود و نیل به اهداف از طرف خانواده توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است.

❖ خانواده وقتی برای ایجاد انگیزه مثبت به نماز را در فرزند دارد که متزلزل و ناپایدار نباشد.

❖ خانواده متشکل و مستحکم باید از تعادل و تکامل و پویایی برخوردار باشد، زیرا یک محیط راکد و فاقد طرح و برنامه و روش نمی تواند موفق باشد.

❖ فرزند را بشناسد و برای شکوفایی فطرت او متناسب با توانایی های او برنامه ریزی کند.

❖ تلاش والدین جهت تأمین نیازهای مادی فرزندان موجب افزایش رضایت آنها از اوضاع فردی و خصوصی می شود و در تقویت نگرش مثبت به نماز تأثیر می گذارد.

❖ کودکان را قبل از بلوغ به نماز تشویق کنند.

❖ اهتمام والدین در جلوگیری یا کاهش منازعات و ایجاد روابط دوستانه توأم با احترام متقابل، موجب تثبیت نگرش های مطلوب دینی از جمله نماز می گردد.

❖ والدین به دلیل داشتن نقش الگویی، خود از شناخت و معرفت دینی برخوردار باشند و به شناخت خود عمل کنند تا بتوانند با ایجاد تصویر درست از دین و دینداری در ذهن کودک در دو حوزه عاطفی و شناختی فرزند تأثیر بگذارند.

مدرسه و فرآیند اقامه نماز

مدرسه از یک طرف ارزش ها، هنجارها، نگرش های اجتماعی، مذهبی و... را از طریق کتاب های درسی و فعالیت های فوق برنامه به صورت رسمی و آگاهانه به دانش آموزان انتقال می دهد و از طرف دیگر، معلمان با ورود دانش آموزان به مدرسه و در تعامل با آنان الگو قرار می گیرند و رفتارها، ارزش ها، هنجارها و نگرش های معلمان را نسبت به مسائل مختلف از جمله نماز از طریق مشاهده و تقلید فرا می گیرند. در نتیجه رفتار و نگرش آنها نسبت به مسائل مختلف دستخوش تغییر می شود. حال این تغییر می تواند در جهت تقویت ارزش ها، هنجارها و نگرش های دانش آموزان نسبت به مسائل مختلف از جمله نماز صورت گیرد و یا برعکس در جهت تضعیف آنها حرکت کند.

در جمع بندی نتایج تحقیقات در بخش عوامل مؤثر



خانواده باید زمینه ای را فراهم کند که از میل فطری کودک پرده برداری نماید و حقایق فطری دینی او را به ثمر رساند

یا تنظیم ارتباط افراد با خداوند است. قرآن کریم در این خصوص می فرماید اگر ما شما را در روی زمین متمکن کردیم باید اقامه نماز و ایتای زکات و امر به معروف و نهی از منکر را ترویج نمایید. فرمان به انجام این امور ضمن بیان وظیفه جامعه، شکر نعمت تشکیل حکومت صالحان نیز به شمار می آید. بر این اساس، تلاش مجریان نظام جامعه اسلامی برای ادای این حق و انجام این وظیفه، می تواند از دو راه در جهت احیای فطرت ثمربخش باشد:

۱. ایجاد مقتضیات یا تقویت عوامل تسهیل کننده: جامعه می تواند با ارائه زیبایی ها؛ یعنی طرح ارزش ها از طریق به کارگیری عاطفه، احساس و محبت، که همان تولی است (زیرا شروع تربیت با محبت شکل می گیرد)، زمینه تکامل معنوی افراد را به بهترین وجه فراهم سازد.

۲. رفع موانع یا کنترل عوامل بازدارنده: جامعه می تواند از طریق نفی ضد ارزش ها، که همان تبری و برائت از هر آلودگی است، مسیر عبودیت را برای افراد جامعه هموار نماید.

خانواده و فرآیند اقامه نماز

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا^۴

از نظر بینش اسلامی خانواده یکی از آیات بزرگ خداست که از بین نمی رود ولی تضعیف می شود. اهمیت نقش خانواده از آنجا ناشی می شود که تربیت یک امر درونی است نه بیرونی، یک امر اکتشافی است نه اکتسابی. لذا خانواده باید زمینه ای را فراهم کند که از میل فطری کودک پرده برداری نماید و حقایق فطری دینی او را به ثمر رساند. خانواده برای ادای حق خطیری که به عهده او گذاشته شده است از راه های زیر می تواند در جهت انجام وظیفه خود گام بردارد:

❖ انتخاب راه و زمینه سازی برای رشد؛

❖ آماده کردن و ارائه ابزار، در حدی که افراد بتوانند با تلاش و استعداد کافی در جهت رشد و شکوفایی خود گام بردارند؛

❖ دادن امکانات و امتیازات و ره گشایی برای مرحله بالاتر، به نحوی که افراد قادر باشند به رشد مطلوب خود دست یابند.

با عنایت به جمع بندی نتایج تحقیقات انجام گرفته،



داد و با پشتیبانی دو نهاد فوق الذکر به اهداف مورد نظر دست یافت.

مرحله انس دینی، دوره پیش از دبستان

اولین مرحله تربیت دینی انس دینی است. کودکان در سال‌های اولیه زندگی با مشاهده اقامه نماز و تلاوت قرآن و انجام فرایض دینی اطرافیان به تقلید از آنها می‌پردازند. این تقلیدهای کودکانه به تدریج کودک را به سوی تعلقات دینی سوق می‌دهد و زیربنای الفت دینی را فراهم می‌سازد. نقش خانواده در این مرحله از اهمیت خاصی برخوردار است. تشویق کودک در زمان تقلید حرکات نماز، شرکت در نماز جماعت، حضور در اجتماعات دینی و... در تقویت انس دینی تأثیر به‌سزایی دارد. در این مرحله شایسته است وزارت آموزش و پرورش با اختصاص بخشی از مطالب جزوه‌های آموزشی مراکز پیش‌دبستانی به نماز،

درون نظام آموزش و پرورش در زمینه شرکت دانش‌آموزان در مراسم نماز جماعت مدارس از نظر دانش‌آموزان موارد زیر احصا شده است:

- داشتن ارتباط انسانی مسئولان مدرسه با دانش‌آموزان؛
- بودن امکانات مطلوب رفاهی، شامل نمازخانه تمیز و شیک، وجود آب گرم در زمستان، بودن وسایل گرمایشی و سرمایشی در نمازخانه؛
- شرکت کردن مسئولان و معلمان مدرسه در نماز جماعت؛

• دادن آموزش عملی نماز در کتب درسی دینی؛ برخوردار بودن دبیران دینی از شخصیت و توانایی علمی و تطبیق داشتن گفتار آن‌ها با عملشان؛

• پرداختن فعالیت‌های فوق برنامه و تفریحات و بازدیدها و مورد تشویق قرار گرفتن، به‌ویژه تشویق‌های معنوی (احترام)؛

• حل شدن تعارضات روحی و روانی دانش‌آموزان توسط مشاوران و مربیان مدارس.

همچنین با توجه به یافته پژوهش‌ها ثابت گردید که رابطه مستقیم و معناداری بین نگرش مثبت و مطلوب دانش‌آموزان نسبت به نماز با میزان تشویق مدارس در این امر^۵، میزان فعالیت مرتبط با نماز در مدارس^۶، جو مذهبی مدارس، حضور کارکنان مدارس در نماز جماعت^۸ و امکانات مرتبط با نماز^۹ وجود دارد.

تعامل خانه و مدرسه در فرآیند اقامه نماز

پرستش نه تنها در نهاد هر انسان وجود دارد بلکه هدف آفرینش انسان به شمار می‌رود^{۱۰}. بر این اساس اگرچه همه نهادها در قبال شکوفایی این امر فطری و ترویج فرهنگ نماز، که یکی از برترین جلوه‌های پرستش است، مسئولیت دارند اما خانواده و مدرسه؛ یعنی مهم‌ترین متولیان تعلیم و تربیت فرزندان کشور اسلامی، رسالت بیشتری را برعهده دارند و تعامل بین این دو نهاد مهم نتایج مؤثری را در پی خواهد داشت. برای تبیین کیفیت تعامل خانه و مدرسه می‌توان گفت که در تربیت دینی پنج مرحله به‌طور طبیعی و به‌صورت مستمر و منظم سپری می‌شود که می‌توان این مراحل را با مراحل رشد به قرار ذیل تطبیق



رسالت خطیر خود را در پرورش تربیت دینی کودکان ایفا نماید و خردسالان را به صورت تشریحی و تصویری با نماز آشنا سازد.

مرحله عادت دینی، دوره دبستان

در این مرحله لازم است بر استمرار عمل کودکان نظارت شود. تکرار اعمال از جانب کودکان در این دوره، علاوه بر نفوذ در شخصیت آنها، زمینه استواری و پایداری آن عمل را در روح و جان آنان فراهم می‌نماید. از آنجا که یکی از خصوصیات مهم دوره دبستان، عادت‌پذیری است مدرس باید همت خود را در این دوره در ایجاد عادت‌های ارزشمند مصروف نماید.

اگرچه در سال‌های اولیه این دوره، وجوب اقامه نماز بر دختران و تا پایان این دوره بر پسران مطرح نیست ولیکن از طریق حضور دانش‌آموزان در نمازخانه و اقامه نماز نوعی عادت و استمرار بر عمل در آنها به وجود می‌آید و این عمل به صورت طبیعت ثانویه در سرشت کودکان جای می‌گیرد. یکی از دلایل تأکید انجام اعمال دینی بر مبنای اعدادی از قبیل چهل، هفتاد، صد و... همین تقویت عادت دینی است. ضمناً نباید از این امر غفلت نمود که آموزش مسائل شرعی در خصوص نماز نیز باید به تدریج از همین دوره آغاز شود.

نقش خانواده در این مرحله نیز بسیار حائز اهمیت است. زمینه‌سازی برای زودتر بیدار شدن در صبحگاهان و تأکید بر اقامه نماز در اول وقت از مهم‌ترین اموری است که خانواده با عنایت به آن می‌تواند نقش خود را در این دوره به طور مؤثر ایفا نماید.

معرفت دینی، دوره راهنمایی

سیزده سالگی دوره رشد انتزاعی یا رشد تجربی فکر محسوب می‌شود. کودکی که در دوره پیش‌دبستانی و دبستان با آداب دینی انس پیدا کرده و عادت دینی در او به وجود آمده است در این مرحله باید معرفت دینی پیدا کند. برای نیل به این مقصود لازم است از طریق دلیل و استدلال و با تجزیه و تحلیل مسائل دینی، زمینه تفکر دینی فراهم گردد. در این دوره نوجوانان غالباً از علت مسائل سؤال می‌کنند و می‌خواهند حکمت مسائل را بدانند. کودکی که تا به حال نماز خوانده است و اکنون نیز به

اقامه نماز ادامه می‌دهد در این مرحله می‌خواهد بداند که نماز چه اثری بر شخصیت او دارد؟ در نزد خداوند چه آثاری بر آن مترتب است؟ و اصولاً چرا باید نماز بخواند؟ برای پاسخ به سؤالات نوجوانان، خانواده و مدرسه، علاوه بر معرفی منابع معتبر و ارائه شواهد مستدل و نمونه‌های مستند (از طریق معرفی متخصصین متعهد جهت پاسخ‌گویی به سؤالات و تجزیه و تحلیل مسائل دینی)، لازم است با استفاده از سخنان بزرگان اندیشه و فرهنگ اسلامی که در ادبیات غنی فارسی موجود است و داستان‌هایی که در فرهنگ ما وجود دارد و اشعار ارزشمند سعدی، مولوی، حافظ و... ضرب‌المثل‌ها، خاطرات و موضوعات تاریخی زمینه ایجاد جذابیت، آشنایی با رازها و اسرار نماز و تفکر جهت نیل به معرفت دینی را فراهم نمایند.

شاکله دینی، دوره متوسطه

پس از کسب معرفت دینی، باید معارف کسب شده در تمام زوایای وجود جوان نفوذ کند و دین در وجود او کاملاً متجلی و متبلور شود تا شخصیت بارز دینی پیدا کند. مدرسه به مثابه یکی از مهم‌ترین متولیان تعلیم و تربیت، شایسته است در این دوره آموزش نماز را با تأکید بر روح، حقیقت و حکمت نماز و اجزای آن، بر عهده گیرد و دانش‌آموزان را به استفاده از منابع اصلی مانند قرآن کریم، سنت معصومین (ع)، اولیا و بزرگان دین در جهت دستیابی به حکمت نماز تشویق نماید.

همچنین لازم است در این دوره زمینه عمل همه جانبه به اعتقادات دینی برای جوانان فراهم شود. به همین دلیل محدودیت دانش‌آموز و فعالیت‌های او باید مورد توجه قرار گیرد. به معلمان گرامی پیشنهاد می‌شود برای افزایش غیر مستقیم معرفت دینی و تقویت پیوند جوانان با معارف دینی، فعالیت‌های تحقیقی و کارهای هنری دانش‌آموزان را گسترش دهند. هنگام آموزش با طرح پرسش‌هایی در ضمن تدریس و درخواست اظهار نظر از افراد یا گروه‌ها و مشارکت و فعالیت در کار گروهی، فرصت تقویت تفکر و پرورش دینداری را برای دانش‌آموزان فراهم نمایند.

نقش خانواده و اطرافیان نیز در این دوره بسیار حساس است، زیرا با هدایت جوان به سوی انتخاب دوستانی

شایسته و معاشرت با افراد با تقوا، او را در دست یابی به شاکله دینی مدد می‌رسانند. در حدیث است که یکی از برکات مسجد و نماز، پیدا کردن چنین دوستانی است.

خودجوشی دینی، دوره پیش‌دانشگاهی و پس از آن

در این مرحله، در صورتی که شخصیت فرد از نظر دینی کاملاً شکل گرفته باشد و ایمان در قلب او نفوذ پیدا کرده باشد آثار آن به صورت نیروی خودجوش دینی در عمل هویدا می‌شود. به عبارت دیگر مرتبه اصلی هدایت، که ایمان است، به وسیله افعال در قلب مستقر می‌شود، زیرا ایمان به خدا، قطعاً در زندگی فردی و اجتماعی انسان آثار عملی خواهد داشت. راز تقارن عبارت «الذین آمنوا» با «عملوا الصالحات» در قرآن کریم نیز همین مطلب است. زیرا عمل صالح به منزله میوه درخت ایمان شمرده می‌شود و حوزه تسلط ایمان نه تنها بخشی از وجود آدمی بلکه همه هستی اوست و هیچ بعدی از ابعاد وجود انسان یافت نمی‌شود که از حوزه نفوذ آن به دور باشد.

البته تذکر این نکته ضروری است که نه تنها ایمان منشأ عمل صالح قلمداد می‌شود بلکه ایمان و عمل بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ یعنی همان‌طور که ایمان سرچشمه عمل صالح است عمل صالح نیز در تقویت ایمان مؤثر است. به همین دلیل قرآن کریم یکی از مهم‌ترین آثار نماز را دوری از گناه معرفی می‌نماید^{۱۱} و ضایع شدن نماز را زمینه شیوع هر گونه فساد و پیروی از انواع شهوات می‌شمارد.^{۱۲} تقویت رفتارهای دینی از طریق هدای جویز و تکریم فرزندان در حضور هم‌سالان از مهم‌ترین اقدامات خانواده و مدرسه در این مرحله به شمار می‌رود. در همین مرحله است که انسان نه تنها خود را هر لحظه در پیشگاه الهی خواهد دید بلکه حرکت هستی و شتاب آفرینش را نیز به سوی او روان می‌بیند و همه هستی را به منزله مآذنه‌ای خواهد دید که دمدام ندای توحید و دعوت به عبودیت حق و سرود بندگی از آن به گوش می‌رسد و در این حالت است که او نیز هماهنگ با همه هستی به دنبال گم‌گشته خود می‌گردد و سعی می‌کند با محبوب‌ترین اعمال در نزد خداوند، یعنی نماز، رضای خالق را کسب کند و با نماز، که بهترین وسیله تقرب است، خود را به او نزدیک سازد.

نتیجه‌گیری

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به معاویه بن وهب که درباره بهترین وسیله تقرب و محبوبیت بندگان به پروردگار پرسیده بود، فرمودند: «ما اعلم شیئاً بعد المعرفة افضل من هذه الصلوه: بهترین وسیله تقرب و محبوبیت بندگان به پروردگار پس از معرفت خدا، نماز است»^{۱۳}.

تعلیم و تربیت دو مقوله تفکیک ناپذیرند و تنها در پرتو این تفکیک ناپذیری است که نقش معنایی و رسالت مفهومی خویش را به درستی ایفا می‌نمایند. جوانی که در جریان مراحل فوق به‌طور صحیح تحت تربیت قرار گیرد، دیگر طعمه تهاجم فرهنگی بیگانگان قرار نمی‌گیرد و دچار از خود بیگانگی و مسخ فرهنگی نمی‌شود. اگر جوانان تنها دارای علم دینی باشند ممکن است دچار لغزش شوند ولی اگر شاکله دینی داشته باشند مقاومت خواهند کرد و اگر خودجوشی دینی پیدا کنند تسخیر ناپذیر خواهند شد.

بدیهی است تعلیم و تربیت، که اساسی‌ترین عامل حیات هر جامعه است، وقتی مؤثر واقع خواهد شد که عموم عوامل مؤثر در آن به معاضدت و معاونت یکدیگر اقدام کنند؛ یعنی خانواده، مدرسه، مساجد و مجامع مذهبی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سینما (که از عوامل عمده تعلیم و تربیت شمرده می‌شوند) و نخبگان فکری در هر یک از این مؤسسات و مراکز، استراتژی تعلیم را با برنامه یا بدون برنامه، خودآگاه یا ناخودآگاه، لقاء کنند و با هم مشارکت داشته باشند. هم‌چنین کلیه مواد آموزشی باید به تحقق اهداف تربیت دینی یاری رسانند و به تقویت و تثبیت آن - البته به صورت کارکرد ثانویه - همت گمارند.

پی‌نوشت

۱. سوره طه، آیه ۱۴
۲. سوره رعد، ۲۸
۳. سوره حج، ۴۱
۴. سوره طه، ۱۳۲
۵. حسنی درمیان، ۱۳۷۵، عسگری، ۱۳۷۷
۶. قربان و خواب‌نما، ۱۳۷۴، فرش، ۱۳۸۰
۷. قنبری، ۱۳۷۴، فرش، ۱۳۸۰
۸. زندگی آبادی، ۱۳۷۲، قربان و خواب‌نما، ۱۳۷۴، جهانیان ۱۳۷۶، عسگری، ۱۳۷۷، رضائیان و سراجی، ۱۳۸۰
۹. نورانی و مالک ایمچه، ۱۳۷۵، جمالی سنگری، ۱۳۷۹، غیجی، ۱۳۸۰
۱۰. سوره ذاریات، ۵۶
۱۱. سوره عنکبوت، ۴۵
۱۲. سوره مریم، ۵۹
۱۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۷۵

در تربیت دینی پنج مرحله به‌طور طبیعی و به‌صورت مستمر و منظم سپری می‌شود که می‌توان این مراحل را با مراحل رشد تطبیق داد



مقدمه

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات، ۵۶): جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام.
و فلسفه بعثت پیامبران را نیز عبادت و مبارزه با طاغوت می‌شمارد: وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل، ۳۶): ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید.
قرآن نماز را از مشترکات ادیان دانسته و برای آن در نهضت‌های انبیا(ع) جایگاهی والا قائل است. به نمونه‌هایی از آن توجه کنید:

حضرت ابراهیم(ع)

۱. هدف از مأموریت حساس و دشوار خود از سرزمین خوش آب‌وهوای فلسطین به سرزمین سوزان حجاز را اقامه نماز اعلام می‌کند:
رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُونِهَا بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زُرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ (ابراهیم ۳۷): پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند.
۲. با پسرش اسماعیل به بازسازی کعبه برمی‌خیزد و در

با بررسی موضوع نماز در قرآن و نهج‌البلاغه، به اهمیت و جایگاه آن در جغرافیای دین پی می‌بریم. واژه «صلوة» و مشتقات آن بیش از ۹۰ بار و واژه‌های مرتبط به نماز مثل عبادت، رکوع، سجده، وضو، غسل، تیمم، مسجد، قبله، قیام، قعود، قنوت، تسبیح، تکبیر، اذان، وقت، ذکر، حمد و شکر بیش از ۹۰۰ بار در قرآن آمده است و این هزار مورد نشانگر نقش بی‌نظیر این فریضه است که رسول خدا آن را ستون خیمه دین، کلید بهشت، سیمای دین و مرز کفر و اسلام دانست

مقاله حاضر ضمن بررسی برخی از آیات نماز، به جایگاه آن در نهج‌البلاغه نیز نگاهی اجمالی دارد.

کلیدواژه‌ها: نماز مطلوب، قرآن، نهج‌البلاغه، آثار نماز،

انبیاء(ع)

نماز در قرآن

تاریخ نماز به آفرینش انسان برمی‌گردد. قرآن کریم فلسفه خلقت جن و انس را عبادت می‌داند:

خورشید،

سرچشمه روزهاست

نماز در قرآن و نهج‌البلاغه

حجت‌الاسلام سید جواد بهشتی

پژوهشگر و نویسنده

پایان برای قبولی کار خود دعا می کند:

وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (بقره: ۱۲۷) و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند (و می گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی.

۳. از جانب خداوند مأمور می شود تا به اتفاق پسرش اسماعیل مسجد را برای طواف کنندگان، اعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه کنند:

وَ عَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (بقره: ۱۲۵) و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.

۴. آرزو و آرمان بزرگ ابراهیم (ع) برای نسل آینده و فرزندان این است که خدایا مرا و ذریه ام را از اقامه کنندگان نماز قرار ده:

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ (۴۰ ابراهیم): پروردگار، مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز: پروردگارا و دعای مرا بپذیر.

حضرت موسی (ع)

۱. در صدر مأموریتش عبادت و اقامه نماز می درخشد: **إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه، ۱۴):** منم، خدایی که جز من خدایی نیست، پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار.

۲. هدف خود را از مبارزه با فرعون و تشکیل حکومت دینی جامعه ای سرشار از تسبیح خدا و لبریز از ذکر خدا اعلام می کند: **كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَ نَذْكُرَكَ كَثِيرًا (طه ۳۳ و ۳۴):** تا تو را فراوان تسبیح گوئیم و بسیار به یاد تو باشیم.

۳. پس از پیروزی انقلاب از جانب خداوند مأمور می شود شهری جدید با معماری جدید بسازد که اقامه نماز اصلی ترین برنامه شهروندان باشد: **وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَ اجْعَلُوا بِيوتِكُمْ قِبْلَةً وَ اَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (یونس، ۸۷):** و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود در مصر خانه هایی آماده سازید و خانه های خود را پرستشگاه - یا روبه روی هم - قرار دهید و نماز را برپا دارید و مؤمنان را مژده ده.

۴. و زمانی که برای دریافت الواح تورات به کوه طور می رود یکی از فرمان های خدا را نماز می باید:

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ اَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (بقره، ۸۳): و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل

پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان یتیمان و بی نوايان نیکی کنید و به مردم نیک بگویید. نماز را برپا دارید و زکات بدهید. سپس (با این که پیمان بسته بودید) همه شما - جز عده کمی - سرپیچی کردید (و از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید.

۵. و در فرمانی دیگر به برگزاری نماز جماعت مأمور می شوید: **وَ اَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (بقره، ۴۳):** و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگذارید).

حضرت مریم (س)

۱. مادرش نذر می کند طفلی را که در شکم دارد به خدمت مسجد بگمارد:

إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (آل عمران، ۳۵): (به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت: خداوند، آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم، که «محرر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی.

۲. مادر نام دختر را مریم یعنی عبادت کننده می گذارد: **فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (آل عمران، ۳۶):** ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت) گفت خداوند، من او را دختر آوردم - ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاه تر بود - و پسر، همانند دختر نیست (دختر نمی تواند وظیفه خدمت گزاری معبد را همانند پسر انجام دهد). من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندان او را (وسوسه های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می دهم.

۲. سرپرستی اش را پیامبری بزرگ به عهده می گیرد: **فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا (آل عمران ۳۷):** خداوند، او را به طرز نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد) و کفالت او را به «زکریا» سپرد.

۴. مریم نوجوان در پرتو عبادت طعام آسمانی دریافت می کند و پیامبر خود را شگفت زده می کند:

كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (آل عمران، ۳۷): هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آن جا می دید. از او پرسید ای مریم، این را از کجا آورده ای؟! گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد.

۵. از طریق فرشتگان مطلع می شود که برگزیده شده است: **وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ**



وَاضْطَفَاكَ عَلَيَّ نِسَاءَ الْعَالَمِينَ (آل عمران، ۴۲): و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم، خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.

۶. پس از گزینش مسیر کمال او در بندگی تعریف می‌شود: يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران، ۴۳) ای مریم، (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده به جا آر و با رکوع کنندگان، رکوع کن.

حضرت عیسی (ع)

به فرمان خدا در آغاز تولد به زبان می‌آید و اعلام می‌کند که من بنده خدا هستم، به من کتاب داده شده و من فرستاده خدایم و خداوند تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش فرموده است: وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (مریم، ۳۱): و مرا - هر جا که باشم - وجودی پر برکت قرار داده است و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.

حضرت زکریا (ع)

۱. با دیدن طعام آسمانی در کنار مریم عذرا دست به دعا برداشت و از خداوند فرزند طلب کرد: هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل عمران، ۳۸): در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد خداوند، از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی.

۲. در حال نماز بود که مژده فرزنددار شدن را شنید: فَتَادَتُهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران، ۳۹): و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد (کسی) که کلمه خدا [مسیح] را تصدیق می‌کند و رهبر خواهد بود و از هوس‌های سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.

۳. متحیر بود که چگونه در سن پیری صاحب فرزند شده است که پیام آمد تا سه روز جز ذکر خدا مگو و پیوسته به تسبیح بپرداز: قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تَكَلَّمَ النَّاسُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمًا وَ اذْكَرُ رَبِّكَ كَثِيرًا وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ (آل عمران، ۴۱): (زکریا) عرض کرد پروردگارا، نشانه‌ای برای من قرار ده. گفت نشانه تو آن است که سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم سخن نخواهی گفت (و زبان تو، بدون هیچ علت ظاهری، برای گفت‌وگو با مردم از کار می‌افتد). پروردگار خود را (به شکرانه این نعمت بزرگ)، بسیار یاد کن و به هنگام صبح و

شام، او را تسبیح بگو.

حضرت شعیب (ع)

آن قدر نماز در عملکرد این پیامبر می‌درخشید که مردم به او می‌گفتند: آیا نماز تو ما را از پرستش بت‌ها و این که هرگونه که دوست داریم در دارایی خود تصرف کنیم باز می‌دارد:

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَمْ لَكِ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْخَلِيمُ الرَّشِيدُ (هود، ۸۷): گفتند ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی!

حضرت لقمان (ع)

حکمت‌های این شخصیت بزرگ و مربی حقیقی زبانزد است. جالب اینجاست که در صدر سخنان خود به فرزندش نماز را قرار می‌دهد:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان، ۱۷): پسر، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است!

حضرت محمد (ص)

۱. رسول خدا فرمود: اولین چیزی که خداوند بر اتمم واجب فرمود نماز بود، از این روست که می‌بینیم از روز اول بعثت نماز را به جماعت برگزار می‌کرد. دیری نپائید که ابوجهل کمر بست تا این نماز را تعطیل کند که آیاتی از سوره علق به آن اشاره دارد: أَرَأَيْتَ الَّذِي يُنْفِي؛ عَبْدًا إِذَا صَلَّى (علق، ۹ و ۱۰): آیا دیدی آن کس را که باز می‌داشت بنده‌ای را آن‌گاه که نماز می‌گزارد؟ ۲. چون از مکه به سوی مدینه حرکت کرد نزدیک مدینه به روستای قبا رسید و منتظر ماند تا امیرالمؤمنین برسد. در همین چند روز مسجد قبا را ساخت و قرآن آن را این‌گونه توصیف می‌کند:

لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَيَّ التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رَجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ (توبه، ۱۰۸): مسجدی که از روز نخست بر پرهیزگاری بنیان شده شایسته‌تر است که در آنجا نماز کنی. در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، زیرا خدا پاکیزگان را دوست دارد.

۳. به محض ورود به مدینه به رغم کارهای فراوانی که داشت اولویت خود را ساختن مسجد قرار داد و مسجدالنبی را ساخت.

۴. با پیش آمدن جنگ‌ها، نماز و جنگ را درهم آمیخت و جنگی متفاوت از همه جنگ‌های دنیا را که آمیزه‌ای از حماسه و عرفان بود، به نمایش گذاشت، به طوری که خداوند او را موظف کرد در میدان جنگ در برابر دیدگان دشمن نماز را به جماعت



گفتند ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟!!

برگزار کند:

وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ
وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَ لِنَاتِ طَائِفَةٌ
أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ (نسا
ع، ۱۰۲): و هنگامی که در میان آن‌ها باشی و (در میدان جنگ)
برای آن‌ها نماز را برپا کنی، باید دسته‌ای از آن‌ها با تو (به نماز)
برخیزند و سلاح‌هایشان را با خود بگیرند و هنگامی که سجده
کردند (و نماز را به پایان رساندند)، باید به پشت سر شما (به
میدان نبرد) بروند و آن دسته دیگر که نماز نخوانده‌اند (و مشغول
پیکار بوده‌اند) بیایند و با تو نماز بخوانند. آن‌ها باید وسایل دفاعی
و سلاح‌هایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند.

۵. به دلیل اهمیت نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان،
خداوند او را موظف کرد که خانواده‌اش را به نماز سفارش کند
و بر این امر پایداری ورزد: وَ أَمُرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا
(طه، ۱۳۲): خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن
شکیبای باش.

امام رضا (ع) فرمود: پس از نزول این آیه پیامبر تا نه ماه
هنگام هر نماز که می‌شد در خانه علی (ع) و دخترش حضرت
فاطمه را می‌زد و نماز را یادآوری می‌فرمود (تفسیر صافی).

۶. و آن‌گاه که به حکومت رسید خداوند نماز را در صدر
برنامه‌های حکومت صالحان قرار داد:

الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ
أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج، ۴۱):
همان کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز
را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر
می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.

اسرار و آثار نماز

احکام دین و دستورات شریعت چون از جانب خدای حکیم
صادر شده دارای حکمت و دلیل و فلسفه است و در قرآن و در
رهنمودهای پیامبر و امامان به بسیاری از آن‌ها اشاره شده است
و در طول زمان عالمان بزرگی مجموعه‌هایی تحت عنوان علل
الشرائع تدوین نموده‌اند. بدیهی است که پرستگری در نهاد هر
انسانی است و دین پاسخ‌گوی پرسش‌های مردم است. البته نباید
فراموش کرد که گاهی انگیزه پرستشگر دانستن و فهمیدن نیست
بلکه قصد او انکار یک موضوع یا استهزاء و به سخریه گرفتن آن یا
ایجاد شبهه و آلوده کردن افکار است، که نمونه‌های بسیاری از این
نوع پرستش‌ها در قرآن و احادیث به چشم می‌خورد.

نکته دیگر این است که ما براساس عقل سلیم اصول
اعتقادی خود را پذیرفته‌ایم و تسلیم دستورات الهی هستیم و به
آن تعبد داریم و با این احساس به سراغ فلسفه احکام می‌رویم
نه این که دربند فلسفه حکمی باشیم و تا آن را ندانیم عمل

نکنیم، بلکه بیان اسرار و آثار احکام بصیرتی به ما می‌دهد تا با
انگیزه‌های بیشتر به احکام خدا پایبند باشیم.

اینک به برخی از آیات قرآن پیرامون حکمت‌ها و آثار نماز
می‌پردازیم:

۱. نماز تشکر از خداست

قرآن کریم همه انسان‌ها را مخاطب قرار داده است و
می‌فرماید به شکرانه این که خدا شما را آفرید، زمین را برایتان
گسترده و آسمان را برافراشت و از آسمان برایتان باران فرستاد و
گیاهان را برایتان رویاند تا رزق شما باشد، خدا را عبادت کنید:
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ
أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا
لِلَّهِ أُنْدَادًا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره، ۲۱ و ۲۲): ای مردم، پروردگار
خویش را که شما و پیشینیان شما را آفریده پرستید، باشد که
پرهیزگار شوید. آن که زمین را برای شما بستری [گسترده] و
آسمان را بنایی - سقفی برافراشته - ساخت و از آسمان آبی فرو
آورد پس به آن [آب] از میوه‌ها روزی برای شما بیرون آورد،
پس برای خدا همتایان قرار مدهید و خود می‌دانید [که خدا
بی‌همتا است].

۲. نماز راه درست زندگی است

وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (بس، ۶۱): و این که مرا
پرستید، که این است راه راست.

۳. نماز نجات‌بخش در بحران‌ها و مشکلات است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ
الصَّابِرِينَ (بقره، ۱۵۳): ای کسانی که ایمان آورده‌اید از صبر و
نماز کمک بجویید، که همانا خداوند با صابران است.

۴. نماز نهیب‌زننده و بازدارنده انسان از زشتی‌ها و

بدی‌هاست

وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ
اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (عنکبوت، ۴۵): و نماز را برپا دار،
که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر
است و خدا می‌داند چه می‌کنید.

۵. نماز عامل قرب به خداست

وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ (علق، ۱۹): سجده نما و (به خدا) تقرب
جوی.

نماز عامل اعتدال و بهداشت روان است

قرآن می‌فرماید: انسان به گونه‌ای است که وقتی سختی و
مصیبت به او می‌رسد بی‌قراری و جزع و فرع می‌کند و چون به
رفاه می‌رسد از دیگران دریغ می‌دارد، مگر نمازگزاران:

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِقًا هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِذَا مَسَّهُ
الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (معارج،



۱۹ تا ۲۳): به یقین انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده است؛ هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می‌شود (و بخل می‌ورزد)، مگر نمازگزاران آن‌ها که نمازها را پیوسته به‌جا می‌آورند.

ویژگی‌های نماز مطلوب

راز این که بسیاری از ناکارآمدی نماز شکایت دارند این است که نمازی را که قرآن از ما خواسته انجام نمی‌دهیم، نمازی که قرآن از ما می‌خواهد دارای این خصوصیات است:

۱. با آگاهی و شناخت

از آغاز اذان تا پایان نماز اذکاری که به‌زبان جاری می‌کنیم حدود ۳۵ جمله است؛ جملاتی کوتاه با مضامینی بلند. نمازگزار باید پیوسته شناخت خود را نسبت به این اذکار افزایش دهد و نماز را با آگاهی و نه غفلت به‌جا آورد: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ ... (نساء، ۴۳): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید.

۲. با اخلاص و به‌دور از ریا

نیت رکن نماز است و نمازگزار از آغاز تا پایان باید توجه داشته باشد که قصدش از این کار جلب رضا و خشنودی خداست: قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام، ۱۶۲): بگو نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. قرآن کریم در سوره ماعون نمازگزار را با کار را بی‌دین معرفی می‌کند: الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ: همان کسانی که ریا می‌کنند.

۳. با خشوع و احساس کوچکی

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (مؤمنون، ۱ و ۲): به راستی که مؤمنان رستگار شدند، (۱) همانان که در نمازشان فروتن‌اند.

۴. با حضور قلب

قرآن کریم نسبت به نمازگزارانی که سهل‌انگارند و در نماز حضور قلب ندارند به شدت هشدار می‌دهد: فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (ماعون، ۴ و ۵): پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافل‌اند.

۵. به جماعت

قرآن به زنان و مردان خداپرست فرمان می‌دهد که این فریضه را به جماعت بخوانید و پیامبر عزیز اسلام از روز اول با دو نفر (امیرالمؤمنین و حضرت خدیجه) نماز را به جماعت خواند: وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ (بقره، ۴۳): و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارد). يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل

عمران، ۴۳): ای مریم، خدای خود را با فروتنی فرمانبردار باش و با نمازگزاران سجود و رکوع کن.

۶. در وقت معین شده

قرآن می‌فرماید نماز واجبی است وقت‌دار و وقت جزء جوهره نماز است: إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (نساء، ۱۰۳): نماز بر مؤمنان فریضه‌ای زماندار است تا نمازگزار بیاموزد که از وقتش بهترین استفاده را بکند و برای وقتش برنامه‌ریزی کند. آیات متعددی در قرآن می‌فرماید نماز را در این وقت‌ها بپادارید و فقیهان بزرگ ما می‌فرمایند نماز قبل از وقت باطل و نماز در اول وقت بهترین است. نماز با تأخیر ثواب کمتر دارد:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفُلًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَّ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ (هود، ۱۱۴): و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب که نزدیک روز است برپا دار (نماز صبح را در نیمه اول روز و ظهر و عصر را در نیمه دوم آن و مغرب و عشا را در اوایل شب بخوان)، که به یقین نیکی‌ها (که نماز در رأس آن‌هاست) گناهان را از بین می‌برد (پلیدی گناه را از نفس، مفاسد آن را از آفاق، سیاهی آن را از نامه عمل و استحقاق عذاب را از عامل می‌زداید)، این تذکری است برای یادکنندگان.

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (اسراء، ۷۸): از اول زوال خورشید (از دائرة نصف‌النهار، درباره هر شخصی نسبت به محیط خود) تا نهایت تاریکی شب (تا نیمه آن) نماز را برپا دار (چهار نماز فریضه یومیه: ظهر و عصر و مغرب و عشاء و بیست و یک رکعت نافله‌های آن‌ها را اقامه کن) و نیز قرآن صبح را (نماز صبح و نافله صبح را)، همانا قرآن صبح مشهود (فرشتگان شب و روز برای نوشتن آن) است.

همراهان نماز

غالباً نسخه طیب حاوی چند قلم داروست که اگر همه داروها با هم استفاده شود بهبودی حاصل می‌شود. خدای حکیم در کتاب خود نسخه‌های شفابخشی به انسان راهنمایی کرده که در صورت عمل به همه آن‌ها درمان می‌یابد. نتیجه این که چنین موضوعات در قرآن حکیمانه و معنادار است.

با بررسی‌هایی که به عمل آمده نماز در قرآن در کنار ۵۰ موضوع قرار گرفته است که به چند نمونه توجه می‌کنیم:

۱. سوره بقره، آیات ۳ تا ۵، اوصاف متقین را بیان می‌کند در این تصویر ایمان به غیب، نماز، انفاق، ایمان به قرآن، ایمان به کتاب‌های آسمانی و یقین به آخرت در کنار هم قرار گرفته‌اند: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ



قرآن نماز را از مشترکات ادیان دانسته و برای آن در نهضت‌های انبیا(ع) جایگاهی والا قائل است

بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ: آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند و آنان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می آورند و به رستخیز یقین دارند. آنان بر طریق هدایت پروردگارشان اند و آنان رستگاران اند.

۲. سوره مؤمنون، آیات ۱ تا ۹، اوصاف مؤمنین را به نمایش گذاشته و خشوع در نماز، دوری از بیهوده گویی، پرداخت زکات، پاکدامنی، امانتداری، وفای به عهد و در پایان پاسداری از نماز کنار هم چیده شده است. جالب این که در این مجموعه دوبار نماز را مطرح می کند. آری این نسخه شفا بخش الهی است که نمازگزار نه تنها در اندیشه برگزاری نمازی خوب بلکه برای تمام رفتار، منش و اخلاق خود باید برنامه داشته باشد. چنین نمازگزاری چون آهن ربا مردم را به نماز مشتاق می کند:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ زَوَاةَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ: مؤمنان رستگار شدند آن ها که در نمازشان خشوع دارند و آن که از لغو و بیهودگی روی گردانند و آن ها که زکات را انجام می دهند و آن ها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی عفتی) حفظ می کنند، تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوز کنند و آن ها که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند و آن ها که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند.

نماز در نهج البلاغه

امیرالمؤمنین (ع) اولین نمازگزار و تجسم واقعی بندگی بود و با جمله فزت و ربّ الکعبه در محراب عبادت جان نورانی اش به ملکوت پر کشید. رهنمودهای مولا درباره نماز در نهج البلاغه فراوان است، که به چند فقره آن می پردازیم:

۱. تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَ حَافِظُوا عَلَيْهَا وَ اسْتَكْتَبُوا مِنْهَا وَ تَقَرَّبُوا بِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا أَلَّا تَسْمَعُونَ إِلَىٰ جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سَأَلُوا مَا سَأَلْتَكُمْ فِي سَفَرٍ قَالُوا لِمَ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَ إِنَّهَا لَتَحْتُ الدُّنُوبَ حَتَّ الْوَرِقِ وَ تَطْلِقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبْقِ وَ سَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالْحَمَّةِ تَكُونُ عَلَىٰ بَابِ الرَّجُلِ فَهِيَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا عَسَىٰ أَنْ يَنْبَقِيَ عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ وَ قَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ وَ لَا قَرَّةٌ عَيْنٍ مَنْ وُلِدَ وَ لِأَمَالٍ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ رَجُلٌ لَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا يَتَّبِعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِتْيَانِ الزَّكَاةِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَصَبًا

بالصلاة بعد التَّبَشِيرِ لَهُ بِالْحَجَّةِ لِقَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ أَمْرَ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطَبْرَ عَلَيْهَا فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَ يَصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ (خطبة ۱۹۰).

نماز را به پا دارید، محافظت آن را برعهده گیرید، زیاد به آن توجه کنید و فراوان نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا تقرب جوئید، زیرا نماز «به عنوان فریضه واجب در اوقات مختلف شبانه روز بر مؤمنان مقرر شده است»، مگر به پاسخ دوزخیان در برابر این پرسش که «چه چیز شما را به دوزخ کشانیده است» گوش فرانداهید که می گویند «ما از نمازگزاران نبودیم...»

نماز گناهان را هم چون برگ های پائیزی می ریزد و غل و زنجیرهای معاصی را از گردن ها می گشاید.

پیامبر (ص) «نماز را به چشمه آب گرمی که بر در خانه کسی باشد و شبانه روزی پنج بار خود را در آن شست و شو دهد تشبیه کرده است» که بدون تردید چرک و آلودگی در بدن چنین کسی باقی نخواهد ماند.

گروهی از مؤمنان که زینت و متاع این جهان و چشم روشنی آن؛ یعنی فرزندان و اموال، آنان را به خود مشغول نداشته اند، حق نماز را خوب شناخته اند. خداوند سبحان می گوید: «هردانی هستند که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد».

رسول خدا (ص) بعد از بشارت به بهشت، خویش را در مورد نماز به تعب و مشقت انداخته بود، زیرا خداوند به او فرموده بود: «خانواده خویش را به نماز فرمان ده و در برابر آن شکیبا باش» لذا آن حضرت اهل بیت خود را به نماز امر می کرد و خود نیز در انجام آن شکیبایی داشت.

۲. در وصیت نامه ای که علی (ع) برای فرزندان و همه دوستانش در طول تاریخ نوشته است به نماز توصیه می کند: اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودٌ دِينِكُمْ: خدا را خدا در مورد «نماز» چرا که ستون دین شماست (نامه ۴۸).

۳. به کارگزارانش نماز را به عنوان محور و ملاک کارها معرفی می کند: صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَتْهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَ لَا تَعْجَلْ وَقْتَهَا لِفَرَاغٍ وَ لَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاسْتِغْثَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ (نامه ۲۷):

نماز را در اوقات خودش به جای آر نه آن که به هنگام بیکاری در انجامش تعجیل کنی ... و به هنگام اشتغال به کار آن را تأخیر اندازی و بدان که تمام اعمال تابع نماز خواهند بود.

در وصیت نامه ای که علی (ع) برای فرزندان و همه دوستانش در طول تاریخ نوشته است به نماز توصیه می کند: «اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودٌ دِينِكُمْ»؛ خدا را خدا در مورد «نماز» چرا که ستون دین شماست



پی نوشت

عزیزی، عباس، نماز در آیینة حدیث، نشر فجر قرآن، قم، ۱۳۸۵

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

گزارش: آزاده شاکری



کارگاه آموزشی «الگوی اسلامی آموزش علوم»

آموزش حکمت بنیان

اشاره

«شیوه آموزشی سکولاریستی (دانش بنیان)، دانش آموزان را جزئی نگر بار می آورد ولی تربیت علمی اسلام (آموزش حکمت بنیان) دانش آموزان را کل نگر و نظام مند تربیت می کند. در این صورت علاوه بر دانش افزایی، توانمندسازی نیز انجام می گیرد و دانائی متریبان به دارایی ایشان تبدیل می شود. چنین دانش آموختگانی در تحلیل حوادث و شرور عالم از سایرین موفق تر و از آرامش و تعادل نسبی بیشتری برخوردارند.»

این‌ها بخشی از سخنان حسن جعفریان، در کارگاه آموزشی «الگوی اسلامی آموزش علوم» بود. کارگاهی که به همت مدیریت مدرسه چهارده معصوم (ع) منطقه ۴ آموزش و پرورش شهر تهران و در پاسخ به نگرانی دبیران از ناکارآمد بودن سیستم آموزشی رایج در تربیت اسلامی دانش آموزان برگزار شد. آن چه در ادامه می خوانید گزارشی از این کارگاه آموزشی است:

نخستین جلسه کارگاه آموزشی «الگوی اسلامی آموزش علوم» با حضور دبیران دروس مختلف رشته‌های تجربی، ریاضی و انسانی در سالن جلسات دبیرستان دخترانه «چهارده معصوم (ع)» منطقه ۴ تهران برگزار شد.

مقایسه راهبردهای آموزشی «دانش بنیان» و «حکمت بنیان»، تفاوت‌های این دو راهبرد آموزشی، آسیب شناسی سیستم آموزشی موجود در مدارس کشور و ارائه الگوی آموزشی مطلوب بر مبنای فلسفه اسلامی تعلیم و تربیت، از جمله مهم ترین مباحث مطرح شده در این جلسه بود.

«حسن جعفریان» محقق و مدرس طرح در آغاز جلسه گفت: «مدارس ما به شیوه «دانش بنیان» اداره می شوند. شیوه‌ای که در صورت موفقیت، متخصص یا فرد ماهر تربیت می کند و به جامعه تحویل می دهد. در این مدارس دین به مثابه یک عنصر فرهنگی، آموزش داده می شود و کتاب دینی، کتابی است که در عرض فیزیک، شیمی و سایر علوم و به صورت هم تراز با آن‌ها یاد داده می شود و برنامه درسی علوم طبیعی در قبال تربیت دینی دانش آموزان کاملاً خنثی عمل می کند.»

تربیت علمی اسلام، حکیم پرور است، درحالی که شیوه آموزشی سکولار، دانش بنیان و متخصص پرور است



آموزش دین و آموزش علم در چنین مدرسی به مثابه دو خط موازی هستند که هیچ وقت به هم نمی رسند و خروجی این مدارس، متخصصان و متدینان سکولار خواهند بود. این پژوهشگر تعلیم و تربیت اسلامی در ادامه افزود: «عده‌ای از سر دل سوزی اما ناآگاهانه دچار نوعی عوام زدگی و قشری گرایی شدند. برای همین سعی کردند با سیاست «تذهیب»، شیوه موجود را اصلاح کنند. یعنی با بیان حدیث یا آیه قرآن در کلاس درس یا الحاق تصاویر مذهبی به کتاب‌های دروس علوم طبیعی، خواستند مشکل را حل کنند.»

از سوی دیگر برخی مؤلفان و مدرسان دروس دینی هم برای تبیین عدم تناقض میان علم و دین، معارف دین را به فرمول‌های علمی و تبیین‌های مادی تقلیل دادند تا دانش آموز را به قبول معارف و احکام به‌طور علمی و مستدل تشویق نمایند. من اسم این عمل را سیاست «تحویل» می گذارم. «جعفریان» با اشاره به سوء برداشتها و کج اندیشی‌هایی که درباره نسبت علم و دین در جامعه وجود دارد، شیوه آموزشی «دانش بنیان» را مبتنی بر تعارض یا دست کم توازی علم و دین و ارمان تمدن مدرن خواند و گفت: «در مدرسه «دانش بنیان» دانش آموز «باسواد و مطلع» تربیت می شود. دانش آموزان باهوش تر نیز، صاحب سطحی بالاتر از فضل و توانایی می شوند ولی علم و معرفت حقیقی که امری وجودی است، تحصیل نمی شود. برای همین از توسعه وجودی یا رشد معنوی- به تعبیر قرآن شرح صدر- خبری نیست. یعنی در نظام تعلیم و تربیت رسمی ما دانائی به دارائی تبدیل نمی شود. به تعبیر فلسفی، علم و عالم به اتحاد نمی رسند و آرمان «ربّ زدنی علماً» محقق نمی گردد. درحالی که تعلیم و تربیت سکولار، دانشمندپرور است، هدف تربیت علمی اسلام، حکیم پروری است.»

مدرس کارگاه با اشاره به انتقال تدریجی و پنهان علائق ایدئولوژیک و ارزش‌های مقبول علم مدرن به دانش آموزان، در این باره توضیح داد: «در بین دانش آموختگان ماهر مدارس دانش بنیان، می توان آثاری از پیامدهای اخلاقی علم جدید را از قبیل عصیان، تکبر و سفاهت دید. عصیان یعنی ناشکیبایی و تابی در برابر امر قدسی و برنامه الهی. تکبر نیز خودپرترینی



و احساس اشرافیت علمی و تفکر قارونی است که در تخریب جامعه، از اشرافیت اقتصادی چیزی کم ندارد!

منظور از سفاقت که جریزه نیز گفته می‌شود، استقامت نداشتن ذهن، شک‌زایی و شبهه‌افکنی است. به عبارت دیگر، ذهن افراد مبتلا به سفاقت، بر حق مستقر نبوده و به دلیل پابند نیست.

«جعفریان»، پیامدهای سوء معرفت‌شناختی راهبرد آموزشی «دانش بنیان» را نیز چنین بیان کرد: «کسانی که از مدارس «دانش بنیان» دانش آموخته می‌شوند، دچار نوعی «علم‌زدگی» و «تجربه‌گرایی افراطی» هستند. یعنی تقلیل دادن و منحصر کردن معرفت به تجربه که دست کم محرومیت ایشان از سایر حوزه‌های معرفت بشری (فلسفی، عرفانی و...) را در پی خواهد داشت.

هم‌چنین روی آوردنشان به تعالیم دینی به مثابه گزاره‌های معرفت‌بخش و معیار تشخیص خوب و بد نخواهد بود. البته خود این در نوعی «مادی‌گرایی» یا «عینی‌گرایی» علمی ریشه دارد. یعنی آبشخور این معرفت‌شناسی را باید در هستی‌شناسی علم جدید جست‌وجو کرد. این موضوع درباره‌ی اصلت سود مادی در نزد تربیت‌شدگان این نوع مدارس نیز صادق است.

ایشان «آموزش حکمت بنیان» را در واقع الگوی اسلامی آموزش علوم معرفی کرد و توصیه مهم این نظریه فلسفی در حوزه تعلیم و تربیت رسمی را «آموزش تاریخ و فلسفه علوم جدید» دانست. وی معتقد است برخلاف راهبرد آموزشی «دانش بنیان» که دانش آموز را «جزئی‌نگر» بار می‌آورد، راهبرد «حکمت بنیان» متعلم را «کل‌نگر» و «نظام‌مند» تربیت می‌کند. از آثار مثبت کل‌نگری و تفکر نظام‌مند، ارتقای قدرت تحلیل شرور در جهان هستی است که در صورت ناتوانی، افسردگی، اضطراب و ناامیدی را به دنبال خواهد داشت. ناگفته نماند که فلسفه اسلامی (حکمت متعالیه) به خوبی از عهده تبیین و تحلیل موضوع شرور در آفرینش برآمده است.

«جعفریان» بنیان اصلی نظریه فلسفی «آموزش حکمت بنیان» را تفسیر و تبیین طولی یا مشاهده عمودی (صعودی) پدیده‌های طبیعی برشمرد و توضیح داد: «در این الگو، ضمن پاسخ به چگونگی علل مادی و قابل، به چرایی (علت غایی) و چه کسی (علت فاعلی) نیز توجه می‌شود. غفلت از پاسخ به این دو پرسش اساسی (چرایی و چه کسی)، آموزش سکولاریستی (دانش بنیان) را رقم زده است.

در حقیقت در این راهبرد آموزشی، علم فیزیک جدیدی تولید نمی‌شود، بلکه با رویکرد تربیتی، آموزش فیزیک به نحوی مثبت متحول می‌شود. در آموزش سکولار یا دانش بنیان نیز به تفسیر عرضی پدیده‌ها توجه می‌شود، یعنی دانش آموز از

علل مادی پدیده‌ها آگاه می‌شود. البته به این معنا نیست که در آموزش حکمت بنیان، علل مادی پدیده‌های طبیعی نادیده گرفته می‌شود، بلکه در تفسیر طولی، علل مادی و قابل در طول علل فاعلی و ایجاد بررسی می‌شوند.

مدرس کارگاه با اشاره به نفی تعارض علم و دین و هم‌گرایی آن دو در فلسفه تربیتی اسلام گفت: «از دیدگاه فلاسفه اسلامی، قرآن و طبیعت به مثابه «کتاب تشریح» و «کتاب تکوین» الهی هستند و هر دو قابل تفسیر و شناخت پذیرند. بر این مبنا، عالمان دین، «قول خدا» را و دانشمندان تجربی، «فعل خدا» را تفسیر می‌کنند. به همین علت علم به معنای کشف واقع، اساساً دینی است. لیکن درک ناقص و تحلیل نادرست کلام مسیحیت از این حقیقت، به تعارض یا دست‌کم توازی و تفکیک علم و دین منجر شده است که آثار مخرب آن در تکنولوژی و نوع بهره‌مندی تمدن غرب از علوم قابل مشاهده است.

«جعفریان» در بخش پایانی کارگاه با بیان مثالی، به مقایسه آموزش «دانش بنیان» و «حکمت بنیان» پرداخت: «در تبیین پدیده طبیعی مثل بارندگی، با نگاه سکولاریزم تربیتی، علل مادی ایجاد باران بیان می‌شود که هم‌چنان که از تولید باران مصنوعی به روش تجربی بارورسازی ابرها صحبت می‌شود. این مشاهده و تفسیر کاملاً افقی و عرضی است.

حال تصور کنید، این دانش‌آموزان را هنگامی که با توصیه دبیر دینی به خواندن نماز استسقا^۶ مواجه می‌شوند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت جز سرگردانی و حیرت، رهاوردی از این نوع آموزش به دست نمی‌آورند. بگذریم که حالات دیگری مثل تمسخر و به بازی گرفتن دعا و نماز نیز قابل پیش‌بینی است.» مدرس کارگاه «تربیت علمی با رویکرد اسلامی»، نگاه قرآن را به پدیده طبیعی بارش، این‌گونه توصیف کرد: «نظر به آیات ۴۳ سوره نور و ۴۸ سوره روم، خالقیت خدا و ربوبیت او را در کنار هم مطرح می‌کند. قرآن کریم ضمن توجه به نظام اسباب و مسببات و علل مادی ریزش باران به علت فاعلی؛ یعنی خالقیت، بلکه بالاتر از آن به تدبیر عالم و ربوبیت تکوینی الهی نیز نظر داشته است.

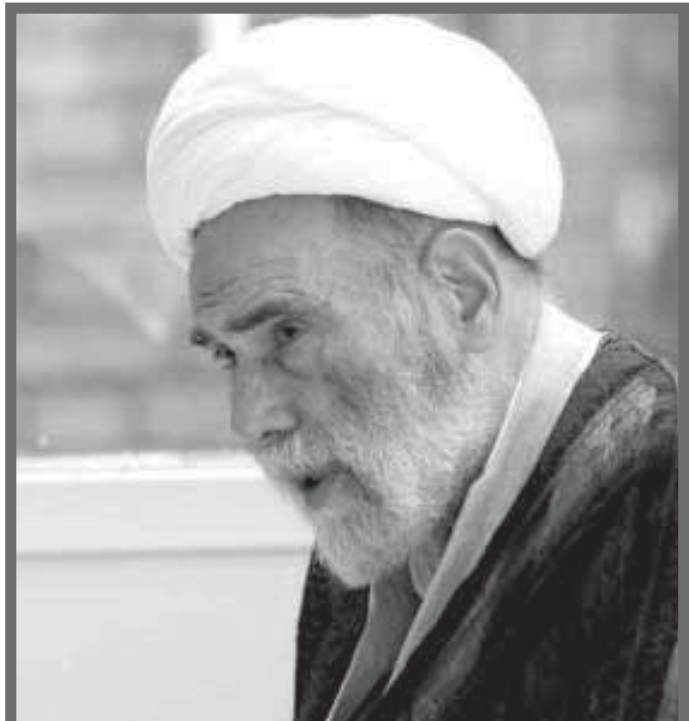
به تعبیر ما، تفسیر و تبیین این پدیده در کلام وحی، طولی و صعودی است، نه عرضی و هم‌چنین درباره تولد انسان، رشد گیاهان و... در قرآن مجید. این یک معرفت حقیقی و علم قطعی است.»

نخستین جلسه کارگاه «تربیت علمی با رویکرد توحیدی»، ضمن آسیب‌شناسی اجمالی از جریان حاکم بر تعلیم و تربیت رسمی ایران، به معارف کلیات الگوی اسلامی آموزش و برنامه‌ریزی درسی (آموزش حکمت بنیان) اختصاص یافت که با استقبال دبیران حاضر در کارگاه همراه بود.

بنیان اصلی الگوی آموزش حکمت بنیان، تفسیر طولی و مشاهده صعودی پدیده‌های طبیعی است. یعنی توجه به علل مادی در طول علل فاعلی و غائی

اشاره

«تربیت» از «غیرت» نشأت می‌گیرد و تربیت به معنای روش رفتاری و گفتاری دادن است و به‌طور غالب و معمول این روش در چهار محیط قرار می‌گیرد: محیط خانوادگی، محیط آموزشی، محیط شغلی و محیط رفاقتی. بحث ما راجع به محیط آموزشی است که به‌طور غالب انسان در این محیط در ابعاد گوناگون اعتقادی، قلبی، نفسی و عملی ساخته می‌شود. در بین تمام محیط‌های چهارگانه، اثرگذاری محیط آموزشی از جهاتی قوی‌تر است. هم از جهت مقطع سنی که معمولاً انسان بیشترین اثرپذیری را دارد؛ هم چنین از جهت نگرشی که شاگرد به استاد دارد، که برتری علمی استاد اثرگذار است و موجب تقویت اثرگذاری بر انسان می‌شود. خصوصاً اگر این برتری همراه با چاشنی محبت هم باشد. در این مقاله تلازم میان «تعلیم» و «تربیت» مورد بحث قرار می‌گیرد که از مجموعه سخنرانی‌های جلسات اخلاق اسلامی فقیه عالی‌قدر حضرت آیت‌الله العظمی شیخ مجتبی تهرانی است که از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم‌له استخراج شده است.



درس توحید از زبان شیطان!

تربیت فرزند و غیرت انسانی و الهی در سخنان عالم ربانی، آیت‌الله العظمی شیخ مجتبی تهرانی مدظله

ضرورت پرهیز از دانشمندان مرز شکن

بین تعلیم و تربیت یک نوع تلازم است. در روابط گوناگون آنجایی که تعلیم هست، خواه‌ناخواه همراهش تربیت نیز هست. یک وقت، اشتباه نشود، شاگرد نباید فقط سراغ این برود که این درس مشکل است، این استاد هم خوب تدریس می‌کند و خوش‌بین است، پس بروم و از او بیاموزم. چون ممکن است این استادی که خوب تدریس می‌کند، از طرفی مفید باشد، ولی از ناحیه‌ای هم مضر باشد و نقش تخریبی داشته باشد.

در روایات ما روی همین معنا تأکید شده است. علی (ع) فرمود: «قَطَعَ ظَهْرِي رَجُلَانِ مِنَ الدُّنْيَا رَجُلٌ عَلِيمٌ اللِّسَانِ الْفَاسِقِ»؛ دو دسته کمر مرا در این دنیا شکستند؛ یکی همین دانشمندان خوش بیان اما فاسق است. بعد هم می‌فرماید: «فَاتَّقُوا الْفَاسِقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ». (بحار ۱۰۶/۲) بپرهیزید و بر حذر باشید

از این فاسقان دانشمند. یک روایت هم از پیامبر اکرم (ص) بود که حضرت به علی (ع) فرمودند: «يَا عَلِيُّ هَلَاكَ أُمَّتِي عَلَيَّ يَدِي كُلُّ مُنَافِقٍ عَلِيمٍ اللِّسَانِ» (همان) نابودی و هلاکت امت من به دست این‌هایی است که خوش‌بیان‌اند اما از نظر عملی، مرزهای الهی را رعایت نمی‌کنند.

با ارزش‌ترین و بی‌ارزش‌ترین علم

شخصی خوب درس می‌گوید. تعلیم او خوب است، اما در مسائل تربیتی نقش تخریبی دارد؛ در معارف ما از نظر ارزشی به این علم بها نمی‌دهند. در روایات اصلاً به این علمی که او می‌آموزد بها نمی‌دهند. روایتی است در نهج‌البلاغه که علی (ع) فرمود: «أَوْضَحَ الْعِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ»؛ بی‌ارزش‌ترین دانش، دانشی است که فقط در زبان جا گرفته باشد. دقت کنید که





حضرت «علم» می گوید، علم خاصی را مطرح نمی کند.

«العلم» اسم جنس است. جنس دانش مدنظر است. فیزیک، شیمی، تاریخ، جغرافی و هر علمی را شامل می شود. بعد هم می فرماید: «وَأَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَالْأَرْكَانِ». (نهج البلاغه/قصار ۲۹) یعنی برترین علم، آن است که در همه اندام هویدا و آشکار باشد. چون روش می دهد. آموزندگی دارد و آموزندگی رفتار، قوی تر از آموزندگی زبان است.

دو راهی انتخاب استاد!

دو معلم و دو استاد هستند؛ هر دو یک درس را می گویند، اما فهمیدن درس یکی برای من آسان تر است و دیگری نه، فهمیدن درسش برای من مشکل است. آن استادی که خوش بیان است و درس را از او آسان تر می فهمم، از نظر عملی اثر سوء روی من دارد، اما استاد دیگر این اثر سوء را ندارد. حالا کدام یکی را انتخاب کنم؟ این فشار دارد اما نقش تخریبی ندارد؛ دیگری فشار ندارد، اما نقش تخریبی دارد. معارف ما می گوید آن استادی را انتخاب کن که نقش تخریبی ندارد. روایات متعددی داشتیم و یکی دو مورد نبود. دلیل آن هم معلوم است. به این دلیل که این مفاهیم از نظر سیر وجودی من، به درد من نمی خورد. آن چه که در سیر وجودی ام به درد من می خورد، روش رفتاری و گفتاری است که بنده می گیرم. آن است که به درد من می خورد، آن است که سازنده شاکله روحیه من است. شکل روحی من را درست می کند.

تبلیغات به نفع علیم اللسان ها!

یکی از چیزهایی که واقعاً مورد تأسف ماست، همین است که تمام توجه جامعه می رود به سمت «علیم اللسان ها!» متأسفانه الان در جامعه ما حرف اول را همین دسته اول می زنند؛ یعنی کسانی که از نظر قدرت بیان در سطح بالا هستند، ولی از نظر تربیتی اثر منفی و نقش تخریبی دارند. اگر هم کسی غیر از این باشد، او دیگر حرف اول را نمی زند؛ حرف اول را همان علیم اللسان ها می زنند. ثقل و سنگینی به نفع آن طرف است. در حالی که معارف ما بر خلاف واقعیاتی است که امروز ما در جامعه به نام جامعه اسلامی می بینیم. خودتان هم می بینید و هم می دانید که چگونه برای آن ها تبلیغات شیطانی - لعنت الله علیه - صورت می گیرد.

استاد دینی بی دین!

در اینجا من یک تقسیم بندی می کنم. یک وقت هست به طور کلی از معلم و شاگرد و جنبه تعلیمی بحث می کنیم و علم

هر چه می خواهد باشد، فرقی نمی کند؛ بحث ما هم تا اینجا کلی بود. اما یک وقت هست مطلب از این بالاتر است؛ بحث درباره معلم دینی و استاد معارف است. حالا می رویم سراغ این. چنین معلمی اگر منحرف باشد، از دو حال خارج نیست؛ حالت اول این است که آن چه را از نظر علمی می آموزد صحیح است و انحرافی از نظر آموزش علمی اش ندارد، اما از نظر عملی مخرب است. شک نیست که چنین معلمی از معلمی که غیر علم دین را می آموزد مضرتر است و از نظر رفتاری بیشتر تخریب می کند. ما در این مورد روایات زیادی داریم. علی (ع) فرمودند: «الْعِلْمُ بِغَيْرِ الْعَمَلِ وَ بَالٍ». (غرر الحکم/۵۴) در جای دیگر حضرت فرمود: «عِلْمُ الْمُنَافِقِ فِي لِسَانِهِ» (همان/۹۵۴) و باز فرمودند: «عِلْمُ الْمُؤْمِنِ فِي عَمَلِهِ» (همان/۲۵۱) براساس این روایات، معلمی که درس دین می دهد ولی از نظر تربیتی اثر تخریبی دارد، به تعبیر بسیار ساده، بذر نفاق را در درون آن شاگرد می افشاند، چون این بچه می فهمد و تفاوت قول و عمل را در این استاد می بیند.

این استاد، بذر نفاق را از همان موقع که می خواهد فراگیری داشته باشد و از نظر روحی روانی، ساختار وجودی پیدا کند، در دل این شاگرد می افشاند، وای به حال این ها! «أَشَدُّ النَّاسِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (بحار/۳۸/۲) این ها هستند. سخت ترین عذاب را روز قیامت دارند. من در این خصوص روایات زیادی دیدم، اما نمی خواهم وارد این بحث شوم. این خودش یک بحث مستقل دارد. نمی خواهم وارد شوم که دیدگاه اسلام راجع به این افراد چیست؟ اما بدانید که وضع این ها خیلی خراب است.

درس توحید از زبان شیطان!

چنین استادی نقش سازندگی ندارد و نقش تخریبی دارد. با این که آن چه را که می آموزد صحیح است. اصلاً فرض ما این است که معارف می گوید و معارف صحیح هم می گوید؛ معلم دینی است، درست هم می گوید؛ اما از نظر رفتاری می بینیم که مرز الهی و مرز انسانی را رعایت نمی کند. نه تنها نقش سازندگی ندارد و نقش تخریبی دارد؛ بلکه نقش تخریبی او بیش از آن کسی است که علم غیردین می آموزد. استاد ما، امام خمینی (رض) یک وقت این را نقل می کرد و در صحبت ها می فرمود: «درس توحید از زبان شیطان!» ایشان خیلی زیبا می فرمود. این جزء کلمات قصار ایشان بود؛ درس توحید است، اما از زبان شیطان!

استاد دینی منحرف

حالت دوم آن است که کسی به عنوان استاد معارف، علوم

دینی تدریس می‌کند، اما آنچه می‌گوید اشتباه است، آن اولی درست می‌گفت، اما گفتارش با رفتارش تطبیق نداشت. ولی این دومی، گفتار و تدریسش هم انحراف دارد. ظاهراً دیگر خیلی روشن است که چنین استادی چقدر خطرناک و مضر است و چقدر در شاگرد نقش تخریبی دارد. من یک روایت می‌خوانم. روایت مفصلی است از امام حسن عسگری (ع) در باب همین دانشمندان سوء. حضرت می‌فرماید: «وَهُمْ أَضْرُّ عَلَيَّ صُغْفَاءِ شَيْعَتِنَا مِنْ جَيْشِ يَزِيدَ عَلَيْهِ الْعِنَةُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَاصْحَابِهِ»؛ این دانشمندان سوء نسبت به ضعفای شیعه ما، شرشان بیشتر است تا لشگر یزید علیه حسین (ع)؛ حضرت بعد سرش را هم می‌فرماید که چیست.

اما ضعفا یعنی چه؟ منظور از ضعفا پیکره ظاهری نیست؛ بلکه جنبه‌های روحی مطرح است. یعنی آن کسانی که هنوز یک ایمان مستقر پایداری از نظر درونی پیدا نکرده‌اند که بیدی نباشند که با این بادها بلرزند. شاگرد در این سن این چنین است. چون بحث ما مربوط به چهارده، پانزده ساله‌هاست. آیا این‌ها از نظر ایمانی ضعیف نیستند؟ شکی نیست که به‌طور غالب ضعیف هستند و هنوز ایمان در قلب آن‌ها به صورت استوار پا نگرفته است. بله، از نظر درونی و از جهت فطرت ایمان دارند، اما هنوز در وجود آن‌ها آن‌طور به فعلیت نرسیده است که بتوانند در برابر شبهات اعتقادی مقاومت کنند. حالا این استاد سر کلاس آن‌ها می‌رود و برایشان از «دین» می‌گوید و مسائل انحرافی را مطرح می‌کند! این چه جنایتی دارد می‌کند؟!

حضرت می‌گوید این فرد از آن لشگریان یزید علیه امام حسین (ع) و اصحابش بدتر و مضرتر است. من این‌ها را می‌گویم که حواستان را جمع کنید. ای کسانی که آمده‌اید به عنوان معلم دینی و معارف در مراکز آموزشی و دارید مسائل انحرافی را مطرح می‌کنید، این را بدانید که شما از لشگر یزید بدترید! حالا علت آن را هم می‌گویم: «فَأَنَّهُمْ يَسْلُبُونَهُمُ الْأَرْوَاحَ وَالْأَمْوَالَ»؛ مگر لشگر یزید چه کار می‌کرد؟ آن‌ها جان و مال حسین (ع) و اصحابش را گرفتند و کشتند و بردند! غیر از این بود؟! اما این دانشمندان سوء چه می‌کنند؟ «وَهُؤُلَاءِ عُلَمَاءُ السُّوءِ يَدْخُلُونَ الشَّكَّ وَالشُّبُهَةَ عَلَيَّ صُغْفَاءِ شَيْعَتِنَا فَيُضِلُّونَهُمْ» (بحار/۲/۸۸) اینها پایه‌های ایمانی این بچه‌ها را می‌لرزاند؛ ارزش روح بالاتر است یا جسم یا پول؟! کار لشگریان یزید این بود، اما کار این‌ها این است که با این تدریس‌هایی که دارند، ضعفای شیعه ما را منحرف می‌کنند.

خاطر جمعی از محیط آموزشی اشتباه است!

در این چند محیطی که ما گفتیم، آن محیطی که خیلی نقش دارد، چه در سازندگی و چه در تخریب، «محیط آموزشی» است. من حالا سفارش می‌کنم به اولیا که حواستان جمع باشد!

این کودک تا موقعی که تحت نظر شما بود، تا حدودی توانسته بودید از نظر اعتقادی و عملی رو به راهش کنید؛ حالا که او را به مدرسه فرستادید، خیال نکنید هم‌چنان پایدار می‌ماند. وقتی در محیط آموزشی برود، بدانید که آن‌جا قوی‌تر از شماست. آن محیط قوی‌تر از محیط خانوادگی شماست. این‌طور نباید باشد که خیالتان راحت شود. من خصوصاً به آن دسته‌ای می‌گویم که هم دل‌سوز هستند و هم از نظر تربیت دینی و از جهات انسانی به‌فکر فرزندان‌شان هستند. اگر فرزندان را در بهترین مدرسه هم گذاشتید، خاطر جمع نشوید و دستتان را روی دست نگذارید. این اشتباه است. حتی اگر از جهت دینی بهترین مدرسه‌ها را هم انتخاب کردید، نباید خیالتان آسوده شود. چون یک موقع چشم باز می‌کنید و می‌بینید همین بچه‌ای که در آن محیط بوده، وامصیبتاست!

تربیت فرزند در کلام امام صادق (ع)

در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید در این چهارده سال، نباید فرزند را رها کنی، حضرت سه تا «هفت سال» تعیین کردند؛ هفت سال اول بگذار بازی کند. هفت سال دوم ادبش کن. هفت سال سوم ملازمش باش. یک بار دیگر روایت را بخوانیم: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعًا وَ الزَّمَّةَ نَفْسِكَ سَبْعَ سِنِينَ» (بحار/۱۰۱/۹۵) یعنی چهارده سالگی‌اش که تمام شد، از پانزده سالگی تا بیست و یک سالگی او را جدایش نکنی؛ ملازمش باش. یعنی از خاطر جمعی خبری نیست! تازه من فرض این بود که محیط آموزشی‌اش، محیط خوبی است که با خاطر جمع او را آنجا گذاشته‌ای؛ چه رسد که جو حاکم بر محیط آموزشی‌اش، مغایر جو تربیتی خانوادگی او باشد.

من روایتی می‌خوانم، خصوصاً راجع به کسانی که می‌خواهند آموزش‌های دینی بدهند یا استاد معارف هستند. علی (ع) فرمودند پیغمبر تربیت شده خداست و مربی او خدا بوده است؛ مربی من هم پیغمبر بوده؛ حالا من می‌خواهم مربی مؤمنین باشم. یعنی مگر می‌شود هر کس مربی باشد؟! در این روایت هست که: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَدَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ»؛ پیغمبر را خدا تربیت کرد؛ «وَهُوَ أَدَّبَنِي»؛ مرا هم پیغمبر تربیت کرد؛ «وَأَنَا أُدَّبْتُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْرَثْتُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ» (بحار/۴۷/۲۶۸) من هم مؤمنین را تربیت می‌کنم. یعنی انسان باید استادی را پیدا کند که مؤدب به آداب الهی و انسانی باشد. این را بدانید که حرف اول را «ادب» می‌زند، نه «علم» به معنای مفاهیم. اگر غیر از این فکر می‌کنید، بدانید که اشتباه می‌کنید. چون علم بدون ادب و تعلیم بدون تربیت، بعداً وزر و وبال می‌شود؛ وبال می‌شود روی گردنت! بعد می‌بینی فرزندان با پوشش برتر اسلامی رفت در این مرکز آموزشی، دو ترم نگذشته بی‌حجاب بیرون آمد! آن وقت چنان به چه کنم، چه کنم بیفتی که مفری پیدا نکنی!!!

ای کسانی که آمده‌اید به عنوان معلم دینی و معارف در مراکز آموزشی و دارید مسائل انحرافی را مطرح می‌کنید، این را بدانید که شما از لشگر یزید بدترید!





در دامن آفتاب مدینه

حکایت‌هایی از کیمیای سعادت و جوامع الحکایات
انتخاب: ناصر نادری

اشاره

در فصلی که در آنیم، رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله و سلم و شهادت امام حسن مجتبی علیه‌السلام و نیز شهادت امام رضا علیه‌السلام در آن قرار گرفته است. از این رو حکایت‌هایی از دو کتاب ارزشمند «کیمیای سعادت» و «جوامع الحکایات» در این باب انتخاب شده است، که در پی می‌آید.

سجده طولانی

و یک بار رسول (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) نماز می‌کرد. چون به سجده شد، حسین (علیه‌السلام) پای به گردن وی درآورد. رسول (ص) چندان توقف کرد که صحابه پنداشتند که مگر وحی آمده است که سجود دراز می‌باید کرد. چون سلام باز داد، پرسیدند «که وحی آمده است که سجود دراز می‌باید کرد؟» گفت: «نه، نه! که حسین مرا شتر خویش ساخته بود، نخواستم که بر وی بریده کنم.»

پی‌نوشت

۱. بریده کردن: بُریدن، منقطع کردن

منبع

کیمیای سعادت، ابوحامد محمد غزالی طوسی، ص ۱۳

بهای مهتر دوران

آورده‌اند که وقتی رسول (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) در وقت نماز دیگر^۱ از حجره طاهره قصد مسجد کرد تا نماز دیگر بگذارد، کودکان مهاجر و انصار در راه گذار مسجد بازی می‌کردند. و چون رسول (علیه‌السلام) را بدیدند در وی آویختند و هر یکی از آن کودکان می‌گفت: «شتر من باش!» که گمان کردند که هرچه حسن و حسین را جواب آید، ایشان را همان

آید، و مهتر (علیه‌السلام) تن بر ایشان در داده بود و زمام الزام^۲ در تصرف ایشان نهاده و صحابه، از جهت اقامت نماز دیگر، انتظار رسول (علیه‌السلام) می‌کردند. طفلان در دامن آفتاب مدینه آویخته بودند و آفتاب، در دامن کوه، زعفران بیخته^۳ بلال به استقبال قافله رحمت، از بارگاه خدمت بیرون نهاد. و مهتر (علیه‌السلام) بلال را منع فرمود و گفت: «وقت نماز را تنگ شدن دوست‌تر از آن دارم که دل طفل یاران من تنگ شود. اما ای بلال، تو برو و گرد حجرات ما بگرد تا چه یابی، و بیار تا خویشتن را از این طفلان باز خرم.»

بلال بازگشت و در نه حجره بگردید و هشت گردکان^۴ یافت. بر گرفت و به خدمت سید (علیه‌السلام) آمد. خواجه آن را بر دست گرفت و پسته شکرلب را به عبارت شیرین برگشاد و گفت: «اتَّبِعُونِ جَمَلِكُمْ بِهَذِهِ الْجُوزَاتِ؟»؛ شتر خویش را بدین گردکان می‌فروشید؟ پس کودکان راضی شدند و گردکان بستند. و چون آن معاملات میان مهتر و کهنتر زادگان برآمد، خواجه (علیه‌السلام) فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ أَحَى يَوْسُفَ بِأَعْوَةِ بَثْمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ مَعْدُودَةٍ وَأَنَا بِأَعْوَنِي بَثْمَانَ جُوزَاتٍ.»

رحمت خدای بر برادرم یوسف باد که او را به چند درهم نقره بفروختند و مرا به چند جوز.»

پی‌نوشت

۱. نماز دیگر: نماز عصر
۲. زمام الزام: مهار و چوب، مهارچیرگی
۳. یعنی کودکان، دامن آفتاب مدینه را گرفته بودند، در حالی که آفتاب در حال غروب بود و افق به رنگ زعفران درآمد بود.
۴. گردکان: [جمع گردو] گردوها.

منبع

جوامع الحکایات، سدیدالدین محمد عوفی، باب دوم از قسم دوم، ص ۳۰

همراه با معلمان دینی در مشهد مقدس

تنظیم: یاسین شکرانی - مریم جزائری

گزارشی از دوره تأمین مدرس
کتاب دین و زندگی (۳) و نظرات
دبیران شرکت کننده درباره مجله



دوره تربیت مدرس کتاب دین و زندگی (۳) در تیرماه سال ۹۰ در مرکز نیروی انسانی شهید کامیاب مشهد برگزار گردید. هدف این دوره که به دنبال تغییرات کلی در کتاب دین و زندگی سال سوم متوسطه برگزار شد، آشنا ساختن دبیران با تغییرات و ارتقای دانش آنان درخصوص برخی مباحث مهم مطرح شده در کتاب بوده است.

بر همین اساس، در کنار تدریس و تحلیل محتوای کتاب که توسط استاد محترم، جناب دکتر اعتصامی انجام گردید، از استادان مطرح در حوزه مباحث دینی نیز برای تدریس در این دوره، دعوت گردید که اسامی و مباحث مطرح شده از سوی آنان به شرح زیر است:

۱. حجت الاسلام محمدی (استاد حوزه و دانشگاه و کارشناس برنامه پرسش و پاسخ عقیدتی رادیو معارف): با موضوع نبوت و امامت و سؤالات و شبهات پیرامون آن؛

۲. حجت الاسلام عباسی (استاد حوزه و دانشگاه و کارشناس برنامه پرسش و پاسخ مباحث خانواده رادیو معارف): با موضوع آسیب شناسی آموزش مباحث دینی به جوانان و علل دین گریزی آنان؛

۳. حجت الاسلام سوزنچی (استاد حوزه و دانشگاه و عضو مرکز همکاری های حوزه و آموزش و پرورش): با موضوع ولایت فقیه و شبهات پیرامون آن؛

۴. حجت الاسلام متوسل (کارشناس مسؤول گروه دینی): با موضوع وحی و ضرورت آن؛

۵. حجت الاسلام حاج سید جوادی (عضو مرکز همکاری های حوزه و آموزش و پرورش): با موضوع ولایت فقیه.
۶. آقای محمدحسین کیانی (کارشناس مباحث عرفان های نوظهور): با موضوع جنبش های معنوی نوظهور.

گفتنی است استادان مذکور طی دو دوره سی و دو ساعته که در تاریخ های ۱۱ تا ۱۴ تیر و ۱۵ تا ۱۸ تیرماه برگزار شد مباحث یاد شده را برای ۳۱۰ نفر از فراگیران که از تمامی استان های کشور در این دوره ها حضور یافته بودند، تدریس کردند.

تغییرات عمده ای که در کتاب دین و زندگی (۳) صورت گرفته است عبارت اند از:

۱. تلفیق درس ۱ و ۲ با یکدیگر و تبدیل آن به یک درس؛
۲. اضافه شدن درس جدید (درس ۶) با عنوان جایگاه تشیع به درس های کتاب؛

۳. اصلاح و تکمیل بحث ولایت فقیه؛

۴. اصلاح و تکمیل مباحث مربوط به خانواده (درس های

۱۴، ۱۵ و ۱۶)؛

۵. اصلاح سایر دروس براساس نظرات و پیشنهادهای
ارسالی توسط دبیران و کارشناسان.

یکی از ویژگی‌های این دوره، بازدید جناب حجت‌الاسلام
دکتر محمدیان، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی از دوره بود. حضور ایشان موجب شد تا
دبیران بدون هیچ واسطه‌ای مشکلات و سؤالات خود را با ایشان
 مطرح نمایند و جواب این سؤالات را از زبان ایشان به عنوان
یکی از مسئولان ارشد وزارت آموزش و پرورش، بشنوند. این
جلسه حدود دو ساعت به طول انجامید.

از دیگر ویژگی‌های این دوره که باعث ارتقای سطح
آن و جلب رضایت دبیران گردید، همکاری خوب و قابل
تقدیر مسئولان مرکز آموزش نیروی انسانی شهید کامیاب و
به‌خصوص مدیر مرکز جناب آقای صابری و معاونت مالی جناب
آقای زارع‌دوست و همچنین معاونت آموزشی جناب آقای
توحیدیان بود که جا دارد بدین وسیله از زحمات آنان در فراهم
نمودن امکانات مطلوب برای برگزاری دوره تقدیر شود.

در پایان این نکته را متذکر می‌شویم که هرچند اکثر
استان‌های شرکت‌کننده در این دوره از تمام ظرفیت و سهمیه
استان خود برای حضور دبیرانشان استفاده کرده بودند و به
همین جهت جای تشکر دارد، اما تعداد معدودی از استان‌ها
متأسفانه به صورت ناقص و ضعیف در دوره حضور داشتند و از
سهمیه اختصاصی به استان خود، بهره کافی نبردند که قطعاً این
حضور ضعیف دبیران باعث برگزاری ضعیف دوره‌های استانی و
بهره مناسب نبردن دبیران آن استان خواهد شد.

مجله رشد معارف از نگاه خوانندگان

در خلال برگزاری دوره با تعدادی از دبیران شرکت‌کننده در
مورد مجله، انتظارات از مجله، و جایگاه آن در میان دبیران
متوسطه گفت‌وگویی انجام دادیم که خلاصه آن از نظر تان
می‌گذرد:

**خانم سیده راضیه هاشمی مطلق از کهگیلویه و بویراحمد،
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث با ۱۲ سال سابقه.**
ایشان از علاقه‌اش به مجله و به‌ویژه نقدهایی که درباره
کتاب‌های درسی چاپ شده است، می‌گوید و از نمونه سؤالات
پایه چهارم (پیش‌دانشگاهی) بسیار اظهار رضایت می‌کند. از نظر
وی فاصله بین دو شماره مجله زیاد است و اگر مجله ماهنامه
شود برای دبیران مفیدتر خواهد بود.

وی ادامه می‌دهد: جای بعضی بخش‌ها نیز در مجله خالی
است مانند پاسخ به شبهات مرتبط با دروس. مخصوصاً چون
دبیران به سایت‌های معتبر پاسخ‌گو دسترسی ندارند، مجله مانند

یک مجموعه معتبر باید قابل دسترس دبیران باشد. هم‌چنین
پیشنهاد می‌دهد که در مجله صفحاتی به دل‌نوشته‌های
برگزیده، حتی به قلم دانش‌آموزان اختصاص یابد تا نیازهای
درونی و حال و هوای جوانان برای دبیران، که خوانندگان اصلی
مجله‌اند، آشکار شود.

**خانم معصومه مکرمی لیسانس الهیات با ۱۴ سال سابقه
از استان خوزستان.** ایشان نیز با توجه به سرگروه بودنش در
منطقه و استان سال‌هاست که با مجله آشنایی دارد. مطالب
مرتبط با محتوای دروس، تجربیات معلمان، مباحث مربوط به
معاد و نقد و بررسی کتاب درسی را پی‌گیری می‌کند. وی نیز
معتقد است حجم صفحات مجله پاسخ‌گوی دبیران نیست و
جای مباحثی که علاوه بر ارتقای علمی همکاران، آنها را در
تدریس و تفهیم مفاهیم دینی از نگاه روان‌شناختی تقویت
کند، در مجله خالی است. و انتظارشان معرفی روش‌های
تدریس و تجارب موفق در تدریس و ایجاد جایگاه مناسب برای
درس‌آموزی از قرآن در زندگی است. وی با تأکید بر ضرورت
بیان مفاهیم کلیدی موجود در آیات کتاب درسی، از توزیع
نامناسب مجله شاکی است و می‌گوید: توزیع نیاز به اصلاح
دارد و گاهی بعضی از شماره‌های مجله به دستمان نمی‌رسد.
پیشنهاد وی بیان جملات کلیدی در حاشیه مجله و استفاده
بیشتر از فضای صفحات است و اولویت این محتوا را امام‌شناسی
 مطرح شده در زیارت جامعه کبیره می‌داند.

**خانم لیلا بوستان چی کارشناس ارشد علوم قرآن
و حدیث با ۱۷ سال سابقه از لرستان،** حدود ۵ سال است
که مشترک مجله شده و دلیل اشتراک را این می‌داند که مجله
منبع کمک آموزشی خوبی است و از جنبه‌های مختلف بر
اطلاعات دبیر می‌افزاید. ضمناً اگر مباحثی که مرتبط با محتوای
دروس‌اند، طی یک دوره به صورت پی‌درپی بیان شوند بسیار
مفید و کاربردی خواهد بود. مانند سلسله درس‌های معادشناسی
از استاد میرباقری. وی بر ضرورت کاربردی بودن مطالب مندرج
در مجله تأکید می‌کند و می‌افزاید: در دانشگاه امام صادق (ع)
پایان‌نامه دکتر ناصر باهنر در جهت ملموس کردن امور دینی
و انتقال دقیق تجربیات دینی به دبیران بسیار منبع مناسبی
است. این منبع به دلیل محدودیت تعداد متأسفانه امانت داده
نمی‌شود و خوب است در مجله انعکاس یابد.

**خانم فاطمه داروغه کارشناس ارشد فلسفه و حکمت
اسلامی با ۲۳ سال سابقه از سمنان.**

ایشان نیز با مجله سروکار دارد و بیشتر مطالبی را دنبال می‌کند
که با محتوای دروس مرتبط است و جنبه کمک آموزشی دارد.
ادامه در صفحه ۶۴

یاسین شکرانی
دانشجوی دکتری فلسفه و کلام



نماز، نور چشم مصطفی • مرکز فرهنگ و معارف قرآن • قم • انتشارات جمال • ۱۳۸۹

گروه پاسخ به پرسش‌ها و شبهات قرآنی در «مرکز فرهنگ و معارف قرآن» که از زیر مجموعه‌ها دفتر تبلیغات اسلامی است، با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات ارسال شده درباره نماز، اقدام به چاپ کتابی با عنوان «نماز نور چشم مصطفی» نموده است. از آن جا که این پرسش‌ها از متن جامعه برخاسته و بیانگر شبهات و سؤالات رایج در عصر ماست، لذا می‌تواند مجموعه مناسبی برای شناخت شبهات رایج درباره نماز و پاسخ‌گویی به آن‌ها باشد.

این کتاب در شش بخش به بیان سؤالات و شبهات مطرح شده درباره نماز و پاسخ به آن‌ها می‌پردازد.

در بخش نخست، تحت عنوان «کلیات»، به مباحثی همچون پیشینه نماز، فلسفه نماز، اهمیت نماز، آثار و فواید نماز پرداخته شده است.

در بخش دوم، مقدماتی همچون: طهارت، لباس نمازگزار، قبله‌شناسی و وقت‌شناسی مطرح شده است.

در بخش سوم به واجبات نماز و سؤالات پیرامون آن پرداخته شده است.

بخش چهارم به مسائل و شبهات مطرح درباره مستحبات نماز اختصاص یافته است.

در بخش پنجم، نمازهای مستحبی همچون نمازهای نافله، غفیله و ... مطرح شده است.

در بخش پایانی نیز، سؤالات و مباحث مطرح شده درباره نماز قضا، جماعت، مسافر و احکام نماز گنجانده شده است.

مطالعه این کتاب به دبیران گرامی و دانش‌آموزان عزیز توصیه می‌شود.

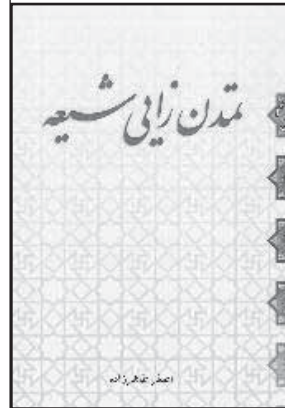


روزنه‌ی آفتاب • مروری بر اعجاز قرآن کریم • فضل‌الله خالقیان • تهران • انتشارات مدرسه • چاپ سوم • ۱۳۸۹

اعجاز قرآن و وجوه گوناگون آن، همواره مورد توجه دین پژوهان، به‌ویژه اندیشمندان و پژوهشگران عرصه‌های قرآنی، بوده است. حاصل این تلاش‌های ارزشمند را در تفاسیر و نیز در کتاب‌های معتبر علوم قرآنی ملاحظه می‌کنیم.

روزنه‌ی آفتاب، مروری اجمالی بر این وجوه متعدد اعجاز قرآن است و از این جهت برای عموم مخاطبان علاقه‌مند به مباحث قرآنی قابل استفاده است. این اثر کوشیده است روزنه‌ای به آفتاب قرآن و عالم نورانی وحی بگشاید. در این کتاب می‌خوانیم:

وجوه اعجاز، شواهدی از فصاحت و بلاغت قرآن، جلوه‌هایی از شکوه معنا و جلال لفظ در قرآن، رمز اعجاز بیانی قرآن، آیات علمی قرآن و کیفیت تفسیر آن‌ها، عمومیت تحدی قرآن، کوشش‌های نافرجام و ...



**تمدن‌زایی شیعه • اصغر طاهرزاده • اصفهان • لب
المیزان • چاپ اول • ۱۳۸۹**

توجه به تمدن اسلامی جهت عبور از شرایط تاریخی موجود، ضرورتی است که دغدغه هر مسلمان متعهد است. این مسئله آن هنگام اهمیت خود را بازمی‌یابد که بدانیم با تغییر ساختار زندگی، تفکری متناسب با آن ساختار ظاهر می‌شود و در نتیجه «انسان‌ها شهرها را می‌سازند و شهرها انسان‌ها را». از همین رو لازم است به ساختار تمدن که حاصل آن، انسان‌های هماهنگ با آن تمدن است، حساسیت نشان داد. اگر بدانیم که تمدن غربی، انسان غربی تربیت می‌کند، آن‌گاه نسبت به تمدنی که موجب غفلت فرزندان جامعه اسلامی شده است، حساسیت بیشتری نشان خواهیم داد.

کتاب «تمدن‌زایی شیعه» حاصل پاسخ استاد طاهرزاده به سؤالاتی است که از سوی طلاب و دانشجویان در خصوص موضوع تمدن اسلامی مطرح شده است.

این کتاب، با توجه ویژه به انقلاب اسلامی به عنوان عامل گذار از مدرنیته به تمدن اسلامی، درصدد است تا در شرایطی که بشریت از فرهنگ مدرن سرخورده شده و به فکر راه و چاره‌ای اساسی است، او را متذکر فرهنگی نماید که عاقبت زمینیان باید به سوی آن باشد تا وعده اقامه حق، صورت بالفعل به خود گیرد.

در این کتاب عناوین ذیل مطرح شده است:

بشریت و نیاز به تمدن قدسی، شیعه و مسئولیت تمدن آینده جهان، قواعد دوران گذار، تمدنی مبتنی بر فطرت، کمیت‌گرایی غربی و غفلت از کیفیت، تمدن سکولار و ناکامی نهایی، تفاوت نگاه فرهنگ مدرنیته و تفکر اسلامی به عالم، بازگشت به طرائف عالم وجود.



**تولید علم و علوم انسانی • ابراهیم فیاض • تهران • سپیده
باوران • چاپ اول • ۱۳۸۹**

این کتاب که تازه‌ترین اثر منتشر شده از دکتر ابراهیم فیاض، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است، به بررسی ماجرای علوم انسانی و بومی‌سازی این علم، مطابق با فرهنگ و دستاوردهای بومی پرداخته و می‌کوشد با توجه به ضرورت‌های بومی‌سازی و بومی‌نگری در عرصه علوم انسانی، چالش‌ها و نیازهای این عرصه را بیان کند.

این کتاب از دو بخش «مقالات» و «گفت‌وگوها» تشکیل شده است و در بخش مقالات آن عناوین ذیل به چشم می‌خورد: فرمولی برای علوم انسانی اسلامی، اقتصاد اسلامی پیشرفته، مردم‌شناسی دینی، فلسفه، فقه و نوآوری، علم کلام و نوآوری، علوم انسانی و سیاست‌گذاری کلان، دانش و قدرت، انقلاب فرهنگی و دانشگاه اسلامی، وحدت حوزه و دانشگاه و... در بخش گفت‌وگوها که حاصل مصاحبه‌های صورت گرفته با دکتر فیاض است به عناوینی همچون: اشرافیت معرفتی در مصادف با علم بومی، تولید ثروت ملی در گرو وحدت حوزه و دانشگاه، فاجعه علوم انسانی، وضعیت علوم انسانی در ایران، ایران بدون مردم‌شناسی به جایی نخواهد رسید، فلسفه متأخر ایرانی، ساز فرهنگ با نوای ایرانی، مظلومیت فرهنگ برآیند فقر معرفت دینی، مصرف‌گرایی از کالا تا اندیشه، غرب دیگر شاخص نیست و... پرداخته شده است.

شهر بانوشکیبافر

کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی

اشاره

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی برای علاقه‌مندان حکمت و فلسفه و برای سهولت دسترسی به متون فلسفی و عرفانی، نرم‌افزاری با عنوان «کتابخانه حکمت اسلامی» و «کتابخانه نور عرفان» تهیه و تدوین نموده است. علاقه‌مندان می‌توانند برای آشنایی با امکانات و دسترسی آسان به این نرم‌افزارها به وبگاه مؤسسه به نشانی: WWW.noorsoft.org مراجعه کنند.

نرم‌افزار کتابخانه حکمت اسلامی

جامع منابع منطق و فلسفه اسلامی

متن کامل ۲۱۰ عنوان کتاب در ۲۵۹ جلد از متون حکمت به دو زبان عربی و فارسی از ارسطو تا ملاحادی سبزواری در موضوعاتی چون:

منطق، تاریخ فلسفه، حکمت افلاطونی و نوافلاطونی، حکمت مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه.

ارائه ۱۱۰ کتاب و مقاله به زبان انگلیسی از فلاسفه یونان ارائه ۱۱۰ عنوان فرهنگ‌نامه به منظور آشنایی با

اصطلاحات متون برنامه

متن کامل ۱۰ دوره لغت‌نامه عربی و فارسی در قالب ۶۲ جلد کتاب.

نرم‌افزار نور الحکمه ۳

فرهنگ موضوعی حکمت اسلامی

متن ۲۴ عنوان کتاب در ۴۱ جلد از مهم‌ترین آثار فلسفه، منطق و کلام اسلامی به قلم نویسندگانی همچون صدر المتألهین، ابوعلی سینا و علامه طباطبایی

دستیابی به کلیه مفاهیم کاربردی به واسطه فهرست‌های کلیدواژه‌ها، نمایه‌های ترکیبی، نمایه‌های اشخاص و موضوعات

نرم‌افزار کتابخانه نور عرفان ۲

گنجینه بزرگ عرفان اسلامی

نسخه جدید عرفان مشتمل بر ۴۰ عنوان در ۹۴ جلد از آثار مهم عرفانی است، از قبیل: الفتوحات المکیه، فصوص الحکم، مفتاح الغیب، مصباح النفس، تمهید القواعد، المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیاء، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، منازل السائرین، احیاء علوم‌الدین و رساله النصوص به همراه حواشی و تعلیقات بزرگان



معرفی وبگاه و مؤسسات فرهنگی و دینی



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

لشده کورک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

لشده نوآموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

لشده دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره دبستان)

لشده نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

لشده جوان (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی

آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

پرسش‌های دانش‌آموزی

اگر دانش‌آموزی پرسد:

«چرا باید نماز را به زبان عربی بخوانیم؟»

پاسخ قانع‌کننده شما چیست؟



جهاد اقتصادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

♦ نام مجلات درخواستی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

♦ اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۶۵۶-۲۱

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال

ادامه از صفحه ۵۹

وی از نمونه سؤالات پایه دوم که در شماره‌های اخیر چاپ شده یاد می‌کند که با طراحی‌های معمول متفاوت است و بسیار دقیق و کارشناسانه و برای دبیران کاربردی و الگوست. وی از وقفه در بحث‌های تفسیری مجله (سلسله رهنمودهای المیزان) گله‌مند است. هم‌چنین معتقد است: از آنجا که مجله به دبیران دینی اختصاص دارد، خوب است درد دل‌های آنان را نیز در زمینه‌های مختلف حتی نگرانی‌های معیشتی را بیان کند و بخش‌های کوچکی به این امر اختصاص یابد و نیز شیوه‌های مؤثر و سازنده با برخورد با دانش‌آموز که به روان‌شناسی ویژه دینی نیاز دارند، معرفی شود و پیشنهاد می‌کند. بعضی از منابع مهم در معرض دید دبیران قرار گیرد، منابع دست اول معرفی شوند و تصویر آنها بدون اصلاحات و ویراستاری‌های معمول در معرض دید دبیران قرار گیرد.

خانم مهین هنر بخش کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث با ۲۹ سال سابقه از استان زنجان و سرگروه معارف استان. ایشان نیز از خوانندگان مستمر و شرکت‌کنندگان در مسابقات مجله است و معتقد به این که مجله بیش از آن که حاوی مطالب روز و نحوه برخورد کاربردی باشد، منبع تغذیه فکری و اعتقادی دبیران است که به دلیل فصل‌نامه بودن آن تجربیات حرفه‌ای قابل استفاده دبیران در ساعات تدریس کمتر در آن درج می‌شود. وی می‌گوید: استفاده از طرح درس‌های پیشنهادی در کنار مقالات علمی برای دبیران ضروری و کارگشا است و بخش‌هایی مانند توضیح اصطلاحات لازم برای دبیر در بهبود تدریس او مؤثر است و پیشنهاد می‌کند: چه خوب است اگر ابهامات دانش‌آموزان در مجله منعکس و پاسخ داده شود و فراتر از سؤالات مسابقه که در حال حاضر چاپ می‌شود، جدول ویژه‌های طراحی شود که به افزایش اطلاعات دبیران بینجامد و محتوایش متنوع و در قالب‌های هنری، اعتقادی، علمی و روان‌شناسی باشد.

در پایان این گفت‌وگو و جمع‌بندی نظرات، پیشنهاد کلی دوستان این بود که از مباحث نهج‌البلاغه در مجله بیشتر استفاده شود و برای ایجاد انگیزه مطالعه مجله از چهار شماره یک دوره در سال، مسابقه برگزار شود.